مشعل های هدایت

برای رهروان راه دعوت

نویسنده: دکتر محمد سید نوح رح

مترجم: ابوعبدالرحمن

مشعلهای هدایت

برای رهروان راه دعوت

نویسنده : دکتور محمد سید نوح

مترجم : نقیب الله (حمید)

•

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ﴾

دار الترجمه اصلاح تقديم مينمايد

dartarjuma@gmail.com

معرفی کتاب

نام کتاب : مشعلهای هدایت برای رهروان راه دعوت

نویسنده : دکتور محمد سید نوح

مترجم : نقیب الله حمید

تهیه و دیزاین : دار الترجمۀ اصلاح

شمارۀ چاپ : اول

تیراژ : دو هزار جلد

تاریخ چاپ : دلو سال 1388 هجری شمسی

ناشر : انتشارات اصلاح افکار بخش نشرات جمیعت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان

آدرس : کابل ، خوشحال مینه ، ساحۀ الف ، عقب بلاکهای شاداب ظفر

کوچۀ اصلاح

آدرس انترنتی : WWW.eslhonline.net

Email:eslahmilli@gmail.com

فهرست موضوعات

مقدمۀ مؤلف	1
حدیث اول	2
شرح حدیث	3
کدام نوع قدر مورد نظر است	4
جایگاه قدرست در اسلام	5
فوائد قدرست و نمونه هایی از مردنان نیرومند...	7
راهکسب قدرت چیست	8
توشۀ دعوتگران و مربیان	14
حدیث دوم	16
شرح خدیث	17
وسایل بوجود آرندۀ آن	18
وسایل رشد دهندۀ آن	19
توشۀ دعوتگران و مربیان	20
حدیث سوم	23
شرح حدیث	24
موضع گیری مسلمانان در قبال دنیا	25
آیات و احادیث دیگری در مذمت دنیا	28
توشۀ دعوتگران	32
حدیث چهارم	34
شرح حدیث	35
توشۀ دعوتگران و مربیان	37
حدیث پنجم	38
شرح حدیث	39

احادیث دیگری در موضوع سلام 40

توشۀ دعوتگران و مربیان 43
حدیث ششم 44
شرح حدیث 44
احادیثی در فضلیت این وقت 45
توشۀ دعوتگران و مربیان 46
حدیث هفتم 48
شرح حدیث 50
حقیقت و آفتهای ریاء 53
عللی که انسان را به ریاء مبتلاء میسازد 55
احادیث دیگری در مذمت ریاء 56
نشانه ها و علامتهای ریاء 57
وسایل رهایی از ریاء 58
توشۀ دعوتگران و مربیان 58
حدیث هشتم 60
شرح حدیث 60
مفهوم شرک پوشیده و اشکال مختلف آن 62
احادیثی در مذمت و بیان شرک اصغر 63
توشۀ دعوتگران و مربیان 64
حدیث نهم 65
شرح حدیث 65
فروبردن خشم و حایگاه آن در اسلام 67
توشۀ دعوتگران و مربیان 69
حدیث دهم 73
شرح حدیث 73

معنای سرگوشی و موضع اسلام نسبت به آن 75

توشهٔ دعوتگران و مربیان 76
حدیث یازدهم 78
شرح حدیث 78
احادیث دیگری درین زمینه 79
توشهٔ دعوتگران و مربیان 82
حدیث اوازدهم 83
فضیلت دوستی با یکدیگر بخاطر الله 84
فضیلت رعایت پیوند خویشاوندی 85
فضیلت خیرخواهی بخاطر خدا 86
توشهٔ دعوتگران و مربیان 88
حدیث سیزدهم 90
شرح حدیث 90
معنا و مفهوم صلهٔ رحم و چگونگی رعایت آن 92
آیات و احادیث در ورد گناه قطع صلهٔ رحم 94
آیات و احادیث در مورد گناه خیانت 95
آیات و احادیثی در مورد گناه دروغ 96
توشهٔ دعوتگران و مربیان 97
حدیث چهاردهم 99
شرح حدیث 99
آیاتی در مورد زقوم 100
تفسیر زقوم 101
توشهٔ دعوتگران و مربیان 102
حدیث پانزدهم 103
شرح حدیث 103

آیات و احادیثی درین زمینه
104

توشۀ دعوتگران و مربیان 106
حدیث شانزدهم 108
شرح حدیث 108
آیات و احادیثی در فضلیت سکوت و ... 109
توشۀ دعوتگران و مربیان 111
حدیث هفدهم 113
شرح حدیث 113
آیات و احادیثی در فضیلت دانش دین 114
آیات و احادیثی در فضیلت محبت برای خدا 116
توشۀ دعوتگران و مربیان 117
حدیث هژدهم 119
شرح حدیث 119
آیات و احادیثی در فضلیت زندگی با مردم 121
احادیثی در بارۀ گوشه نشینی و .. 122
توشۀ دعوتگران و مربیان 124
حدیث نوزدهم 126
شرح حدیث 126
آیات و احادیثی درمورد کسیکه 128
توشۀ دعوتگران و مربیان 129
حدیث بیستم 131
شرح حدیث 131
آیات و احادیث دیگری درهمین موضوع 132
توشۀ مربیان و دعوتگران 134

مقدمهء مؤلف

خدای جهانیان را ستایش می نمایم وگواهی می دهم که او خدای یگانه است، ومحمد امام و پیشوای پیامبران ، الگوی جهانیان و پیشتاز دعوتگران است. سلام ودرود بی پایان خداوند بر او، خانواده، اصحاب وپیروان بر حقش باد.

کتابی را که پیش رو دارید تشریح تعدادی از احادیث رسول خدا را در بر دارد و درآن که سعی شده با روح وجوهر اسلام پیوند داشته باشد و ترکیز بیشتر بر جوانب و نکات تربیتی ای صورت گرفته است که امت مسلمه بدان نیاز دارد. و در این راستا توکل واعتماد ما فقط بر خداوند منّان می باشد.

ابوعبدالرحمن

الحديث الاوّل

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ

قَالَ رَسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلٍّ خَيْرٌ احْرِصْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجَزْ وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَ كَذَا وَكَذَا وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: مؤمن قوی از مؤمن ضعیف نزد خدا بهتر با ارزشتر است ولی در هر یک خیر وبرکتی وجود دارد. وتو ای مسلمان نسبت به آنچه نفعت را در بر دارد حریص باش وبر خدا توکل نما، عجز وناتوانی را بخود راه مده و اگر چیزی ناپسند برایت پیش آمد مگو: اگر چنان می کردم چنین می شد، بلکه بگو: تقدیر خداوند چنین بود وخدا هر کاری خواسته باشد انجام می دهد. زیرا لفظ اگر› دروازه وسوسه های شیطانی را باز می کند و آن را گسترش می دهد.[1]

==========

(1) این حدیث را امام مسلم در صحیح خود در کتاب تقدیر باب الامر بالقوه. 40/ 2052 شماره 2664 چاپ عیسي الحلبي. به تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي متوفي 1375 هـ/ 1955 آورده است.

وابن ماجه در مقدمه سنن خود در باب تقدیر 1/ 31 شماره 79 آورده است.

امام مسلم وابن ماجه هر دواین حدیث را از ابوهریره نقل کرده اند. امااین ماجه در کتاب زهد باب توکل ویقین 1395/2 شماره 4168 روایتي دیگر مشابه همین روایت از

شرح حدیث:

امتیاز منحصر بفرد شخص مسلمان این است که دارای تمام خصال نیکو باشد.

زیرا او مؤمن وعالم است. توان وشجاع است. آزاد از تمام قید وبند های دنیاست. صابر بردبار است. امین وسخاوتمنداست. پاکدامن، مجاهد ومهربان است. از سرزنش ملامتگران نمی هراسد. زیرا به این جهت که آزاد است ونسبت به آنچه که منفعت دین ودنیای او را در بر دارد علاقه مند می باشد. عجز وتنبلی را بخود راه نداده، به قضا وقدر الهی راضی است وچشم وگوشش نسبت به نیرنگهای شیطان باز می باشد.

حدیثی که در صدد شرح وبیان آن هستیم دعوتی است واضح وصریح به یکی از خصلتهای نیکو که همانا قدرت ونیرومندی میباشد.

وبرای اینکه تصویر دقیقی از این خصلت بدست بیاوریم آن را از جوانب چهارگانه زیر مورد بررسی قرار میدهیم.

1ـ کدام نوع قدرت در این جا مورد نظراست.

2ـ منزلت قدرت در اسلام.

3ـ فواید قدرت ونمونه هایی از آن در زندگی بزرگان امت.

4ـ راه دستیابی قدرت و نیرومندی.

کدام نوع قدرت مورد نظر است؟

قدرت مورد نظر در این حدیث اعتماد به نفس، همت عالی

==========

ابوهریره دارد اما لفظ حدیث را چنین نقل کرده: فان غلبك امر فقُل:قدَر الله وما شاء فعل. وایاك واللو، فان اللو تفتح عمل الشیطان . امام محمد هم در مسند خود2/ 366 370 حدیث را مانند ابن ماجه آورده اما گفته ... وما شاء صنع

اراده استوار وذکاوت درخشان است. داشتن چنین خصوصیاتی لازمه بدنی سالم می باشد. که از قدیم گفته اند: عقل سالم در بدن سالم است. اما قدرت جسمانی که با نفس شکست خورده، همت وارادۀ پست وضعیف، عقل وحس ناتوان همراه باشد. مورد تأیید وتأکید حدیث نمی باشد.

چگونه خداوند افرادی با این ویژگیهای پست را دوست داشته باشد؟ در حالیکه ما می بینیم بسا افراد و اقوام قوی ونیرومندی بودند که بر اثر نافرمانی وپشت پازدن به دستورات خداوند واعتماد به زندگی دنیا مورد غضب وی قرار گرفته ونابود شان گردانید.

﴿ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝٦ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝٧ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۝٨ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝٩ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝١٠ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۝١١ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝١٢ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝١٣ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝١٤ ﴾ (1)

« آیا ندانسته ای که پروردگارت چگونه با قوم عاد رفتار کرد (وچه بلایی بر سر ایشان آورد) قوم ارم که صاحب قامتهای بلند ستون مانند وکاخها وخیمه های) ستون دار بودند. کسانی که همانند ایشان در شهر ها وکشور ها آفریده وپیدا نشده است. وآیا ندانسته ای که پروردگارت با قوم ثمود چه کرده است؟

همان قومی که صخره های عظیم را در وادی القری (میان مدینه وشام) می بریدند ومی تراشیدند (ودر دل کوهها خانه ها می

==========

(1). سوره فجر: 14/6

ساختند). (وآیا خبر نداری که پروردگارت) با فرعون چه کرد؟ فرعونی که دارای میخها بود.(دست و پای مردم را با میخها بسته نموده و تعذیب مینمود) اقوامی که در شهر ها وکشور ها طغیان وسرکشی کردند. ودر آنجا ها خیلی فساد وتباهی را به راه انداختند، لذا پروردگار تو تازیانه عذاب را بر سر ایشان فروریخت (و تازیانه عذاب را پیاپی بر آنان فرو آورد) مسلماً پروردگار تو در کمین (مردمان ومترصد وناظراعمال ایشان) است.

جایگاه قدرت در اسلام :

قوت ونیروبه معنای که ذکر شد، جایگاه بلندی در اسلام دارد، زیرا تنها راه جهاد که قله فرازمند دین است، مستلزم داشتن قوت ونیرو می باشد وتا قدرت ونیرو نباشد التزام کامل به اسلام برای فرد مسلمان میسر نمی شود وشاید سِّر و رمز اینکه خداوند قوت ونیرو را به عنوان هدیه وتحفه ای در قبال رو آوردن به دستورات دینی به قوم هود وعده می دهد، نیز همین باشد. چنانکه از زبان هود علیه السلام می گوید:

﴿ وَيَٰقَوۡمِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا وَيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمۡ ﴾ (1)

ای قوم از پروردگار تان آمرزش طلب کنید وبه سوی او رجوع نمائید که اگر چنین کنید برکتهای آسمان بر شما فرو می ریزد وقوت ونیروی شما را افزایش می هد. وبه مسلمانان می گوید:

==========

(1) سوره هود: آیه 52

﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ﴾ [1]

وهر اندازه که توان دارید در مقابل دشمن نیرو فراهم کنید.

از پیامبرصلی الله علیه وسلم نقل شده که ایشان از مظاهر ضعف اسبابی که ناتوانی را ببار می آورد به خدا پناه می برد. [2]

==========

(1) سوره انفال : آیه 60

(2) این عبارت قسمتي کوتاه از حدیث طولاني است که ابوداود در سنن خود در کتاب نماز باب الاستعاذه 2/ 93 به شماره 1555 از ابوسعید خدري ⌈ نقل مي کند که روزي رسول خدا (⌊) وارد مسجد شدند. یکي از مردان انصار بنام ابوامامه را دیدند. گفتند چه شده است اي ابوامامه که تو را در غیر وقت نماز در مسجد مي بینم. گفت به علت هجوم آوردن غمها وقرض هاي بسیار مجبور شدم به مسجد پناه آورم. رسول خدا فرمودند: آیا دعایي بتونیاموزم که هر گاه آن را بخواني خداوند تمام غمهاي تو را بر طرف کند وقرضهایت را اداگرداند؟ ابوأمامه مي گوید گفتم: بلي اي رسول خدا آنگاه پیامبرصلي الله علیه وسلم گفت: هر صبح وشام بگو: اللهم اني أعوذبك من الهم والحزن واعوذبك من العجز والکسل واعوذبك من الجبن والبخل واعوذبك من غلبة الدین وقهر الرجال ابو امامه مي گوید این دستور العمل را عملي کردم وخداوند غمهاي من را بر طرف وقرض هاي من را پرداخت کرد.

در همین باب حدیثي از حضرت انس رض با این الفاظ نقل شده است: اللهمّ انيّ اعوذبك من العجز والکسل والجبن، والبخل، والهرم، واعوذبك من عذاب القبر، واعوذبك من فتنة المحیاء والممات.

امام بخاري مانند همین حدیث را در صحیح خود کتاب جهاد (باب ما یتعوذ من الجبن 28/4.وکتاب الاطعمه باب الحیس 99/7 وکتاب الدعوات) باب التعوذ من غلبة الرجال وباب التعوذ من فتنه المحیا والممات وباب الاستعاذه من الجبن والکسل 98.796/8 آورده است.

امام مسلم نیز در صحیح خود کتاب ذکر، دعا، توبه واستغفار باب التعوذ من

دراینجا که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: مؤمن قوی از مؤمن ضعیف برتر است، می خواهد اهتمام وحرص شدید خود را به قدرت ونیرو نشان دهد.

فواید قدرت ونمونه هایی از مردان نیرومند تاریخ اسلام

با در نظر گرفتن آنچه گذشت، قدرت دارای فواید زیادی است که مهم ترین آن به این ترتیب است.

1ـ جرأت داشتن در امر به معروف ونهی از منکر بدون هیچ خوف وهراس. چنانکه ابی حازم با عبدالملک بن مروان وعزالدین بن عبدالسلام با ظاهر بیبرس وابن تیمیه باغازان تاتاری و... بر خورد کردند.

2 ـ محبت و علاقمندی به جهاد وشتاب بسوی آن وجری شدن در حمله وتعقیب دشمن، همانگونه که بلال با امیه بن خلف وعبدالله بن مسعود با ابی جهل سردار کفر در روز بدر به مقابله بر خواستند وهمانطور که حنظله بن عامر ـ غسیل الملائکه ـ در روز احد شجاعت ودلیری خود را از خود تبارز داد.

==========

العجز وغیره 2079/4 شماره 2706 این حدیث را از انس روایت کرده وجمله من شرما عمل، ومن شر مالم یعمل افزون بر روایت بخاري از مسلم است ودر روایتي دیگر حدیث را از زید بن ارقم نقل کرده که شماره آن 2722 مي باشد.

امام بخاري در کتاب جهاد باب ما تیعوذ من الجبن 4/ 28 وکتاب الا طمعه باب الحیس 99/70 ودر کتاب الدعوات باب التعوذ من غلبة الرجال ... وباب الاستعاذه من الجبن والکسل 96/8، 97،98 حدیث حصرت انس را اینگونه آورده است.اللهمّ اني اعوذبك من العجزوالکسل والجبن والهرم. واعوذبك من فتنة المحیا والممات. واعوذبك من عذاب القبر. وامام ترمذي در باب دعا آورده است (صحیح ترمذي بشرح ابن العربي المالکي 78/31)

3ـ صبر وپایداری در مقابل مشکلات وشکنجه ها در راه خدا چنانکه مسلمانان صدر اسلام وفرزندان حرکت اسلامی در مصر، سوریه، ودیگر کشورهای اسلامی در مقابل اذیت وآزار دشمنان اسلام پایداری و استقامت ورزیدند.

4ـ مواظبت ومحافظت بر شعایر و اساست دینی از قبیل نماز، زکات، روزه، حج، قرائت قرآن، ذکر، دعا، استغفار وخیرات صدقات وآمادگی کامل در انجام امور فوق وهمچنین زنده داشتن شبها وروزها به همانند سلف صالح امت اسلام، که ایشان، بدون احساس خستگی و ملالت، شب خود را در عبادت و روز خود را در روزه گرفتن سپری می کردند.

راه کسب قدرت چیست؟

برای قدرتمند شدن باید خود را به صفات ذیل آراسته کرد:

1ـ باید در کردار وگفتار به اندازه ای اخلاص داشت که نظر انسان کاملاً از غیر خدا منصرف گردد. چنانکه خداوند می فرماید:

﴿ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (١٦٢) لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (١٦٣) ﴾ (1)

بگو ای محمد همانا نمازم ، روزه ام، زندگی ومرگم همه برای خدا است که شریکی ندارد واین دستوری است که او به من داده ومن اولین کسی هستم که تسلیم خدا شده ام.

اگر انسان خود را به خدایش بسپارد خداوند همیشه مددگار او خواهد بود وهرگز او را تنها نخواهد گذاشت همانند اصحاب کهف

==========

(1) سوره انعام: 162/ 163

آنگاه که تسلیم حکم پروردگار شان شدند. خداوند آنها را یاری کرد ودر مورد آنان چنین گفت:

﴿ وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُوَ مِن دُونِهِ إِلَٰهًا لَّقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا ﴿١٤﴾ ﴾ (1)

وبه قلبهای آنها قوّت بخشیدیم چون گفتند: پروردگار ما خدای آسمانها وزمین است ما با او کسی را شریک نمی کنیم زیرا اگر چنین کنیم مرتکب سخن دروغ می شویم.

2ـ رهایی یافتن از هر قدرت ونیرو، بجز قدرت خداوند و هر کس به این مرحله برسد تأیید خداوندی شامل حال او خواهد شد وشاید راز سخن پیامبرصلی الله علیه وسلم که می گوید: «لا حول ولا قوه الا بالله» را بسیار بگویید که این جمله از کنز های بهشت است، همین مسأله باشد.(2)

==========

(1) سوره کهف: 14

(2) این حدیث را امام احمد در مسندش با همین الفاظ از ابوهریره 333/2 نقل کرده است وبا الفاظي ديگر در شماره هاي ذيل آورده است:

298/2، 309، 520، 525،4/ 400،402، 403 ، 419، 145/5، 150/152 ،156، 157، 179، وبه همین ترتیب امام بخاري در صحيح خود كتاب الدعوات باب اذا علا عقبة وباب قول الحول 101/8. 102،108 ودر كتاب القر باب الحول 155/8.156 ودر كتاب التوحيد باب وكان الله سميعا وبصيرا 144/9 آورده است امام مسلم در صحيح خود حديث را در كتاب الذكر والدعا... باب استحباب حفض الصوت بالذكر 1076/4. 2078 شماره 4270 آورده است. ابوداوود در سنن كتاب الصلاة باب في الاستغفار 182/2 شماره 1526،1527، 1528 آورده است ترمذي در سنن خود كتاب الدعوات در باب في فضل لاحول ... 109/5. 510 570 571 شماره

3ـ باید احساس عجز وناتوانی را بخود راه نداد، زیرا اعتماد به نفس را از بین می برد وباز ماندن از هر کار خیری را در پی دارد، پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: عجز وناتوانی را به خود راه مده.

4ـ کوشش دربدست آوردن هرآنچه برای انسان مفید باشد وقوانین ودستورات خدا بزرگترین نفع را برای انسان به ارمغان می آورد.

﴿ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾ ﴾ (1)

حکومت چه کسی عالیتر از حکومت خداست در نظر قومی که به یقین رسیده اند، واین همان چیزی است که پیامبر توجهات را بدان معطوف داشته وگفته است بر آنچه منفعت تو را در بر دارد حریص باش .

5 ـ محافظت بر فرایض وانجام نوافل بسیار از قبیل تهجد، روزه نفلی وصدقات نافله و... همانگونه که در حدیث قدسی خداوند می گوید: بهترین وسیله نزدیکی به من فرایض است وبعد

==========

3461، 5081 باب ما جاء في فضل التسبيح ... 1256/2 آورده است.(وابن ماجه در سنن خود کتاب الادب در باب ما جاء في لا حول ولا. 1257/2،1256شماره 3824، 3852، 3636 آورده است.

همه این محدثین را از ابي موسي اشعري روایت کرده اند غیر از ترمذي که از قیس بن سعد بن عباده هم روایت کرده وگفته ابن حرمله نقل کرده که بوصبري در کتاب مصباح الزجاجه في زوائد ابن ماجه 4/ 135. 137 در مورد روایت ابي ذر مي گوید: هذا اسناد صحیح رجاله ثقات. ودر مورد روایت ابن حرمله مي گوید:

لم یخرج ابن ماجه لحازم بن حرمله سوي هذا الحدیث ولیس له روایة في شي من الخمسه الاصول. واسناد حدیثه فیه مقال. اما در آخر مي گوید وله شاهد من حدیث ابي هریره رواه الترمذي وضعفه.

(1) سوره مائده: 51

از فرائض بنده ام با نوافل به اندازه ای بمن نزدیک می شود که او را دوست می دارم وچون او را دوست گرفتم چشم، گوش، دست وپایش می شوم که بوسیله آنها تصرف می کند. اگر از من چیزی بخواهد به او می دهم واگر به من پناه گیرد او را پناه می دهم .[1]

6ـ ساده زندگی کردن ودوری از راحت طلبی واسرافکاری ثروتمندان. زیرا این کار، صبر وتحمل انسان را در مقابل مشکلات و دشواری ها بیشتر می سازد.

7ـ مطالعه تاریخ بزرگان گذشته وآگاهی یافتن ازپیمانه صبر واستقامت آنها در برابر مشکلات و دشواری ها زیرا این کار، روحیه احترام ومنزلت آن بزرگواران را در قلب انسان زنده می سازد و در نتیجه او را در نزدیک شدن واقتداء به آنها کمک و یاری می رساند واگر به مرتبه آنها نرسد تشبه به آنها نیز خود از امور پسندیده است.

8 ـ بکار بردن فکر واندیشه در شناخت هر چه بیشتر خود وجهان پیرامون. زیرا این شناخت انسان را به حقیقت خود آگاه ساخته و اینجاست که دیگر از تکبر و غرور اجتناب می ورزد و راه رسیدن به کمالات انسانی در پیش می گیرد. خداوند می فرماید:

﴿ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ ءَايَٰتٞ لِّلۡمُوقِنِينَ ٢٠ وَفِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ٢١ ﴾ [2]

« ودر زمین نشانه هائی است برای باورکنندگان وهمچنین در وجود خود شما آیا نمی بینید.

==========

(1) این حدیث را امام بخاري در صحیح خود کتاب الرقاق به التواضع 8/ 131 از ابي هریره روایت کرده وامام احمد در مسندش 256/6 از حضرت عایشه با الفاظي دیگر آورده است.

(1) ذاریات: 20، 21

9ـ طلب علم وحضور در مجالس علمی. زیرا علم عیوب وراه رهایی از آنها را به انسان معرفی کرده وسبب آرامش ووقار انسان می گردد وگذشته از اینها اسم او در جمع فرشتگان بر سر زبانها می افتد چنانچه پیامبر می گوید: هر گروهی که در یکی از خانه های خدا گرد هم جمع شوند ومشغول تلاوت وآموختن قرآن گردند بر آنها آرامش ورحمت فرود می آورد وملائکه خدا گرد آنها را می گیرند وخداوند در جمع مقربان خود آنها را یاد می کند.(1)

10ـ همراهی با صالحان و نیک مردان، زیرا انسانی که همنشین نیکان است اگر فراموش کند وبخواهد کار ناروایی انجام دهد به او تذکر می دهند واو را در کار های خیرو نیک کمک می نمایند چنانچه پیامبر فرمود: کسی که خداوند صلاح او را بخواهد دوست

==========

(2) این حدیث را امام مسلم از ابي هریره در صحیح خودکتاب الذکر والدعا... در باب فضل الا جتماع 2074/4شماره 2699 آورده است.

وابو داود در سنن خود در کتاب الصلاة ابواب الوتر باب في ثواب قرائت القرآن 148/2 شماره 1455 آورده است.

وترمذي در سنن خود در ابواب القراءآت آورده است(صحيح ترمذي بشرح ابن العربي 64.11)

وابن ماجه در سنن خود هم در باب فضل العلماء. 82/1 شماره 225 وهم در کتاب الادب باب فضل الذکر 1245/2 آورده که مورد اخیر با این الفاظ است: ما جلس قوم مجلساً يذكرون الله فيه الا حفتهم الملائكة وتغشتهم الرحمة وتنزلت عليهم السكينه وذكر هم الله فيمن عنده.

وامام احمد در مسند خود در موارد زیر آورده است. 252/2. 407/2 . 447 33/3 . 49. 92. 94

نیکویی به او می دهد که در کار های خیر مدد کار او باشد ودر وقت فراموشی به او تذکر دهد.(۱)

11ـ دوری از گناهان. زیرا گناه به بدن ودین انسان ضرر می رسانند. پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: پنج چیز است که شما را از شر آن به خدا پناه می دهم. یکی از آنها فحشاء است که در میان هر قومی شیوع پیدا کند مرضها ودردهایی را بدنبال دارد که در میان اقوام گذشته نبوده است.(۲)

12ـ تمرین انواع ورزشی که وسیله تقویت بدن شود مثل تیراندازی، شنا، کشتی گیری ودوش .

توشه دعوتگران ومربیان

دعوتگران ومربیان می توانند نکات زیر را از حدیث برگیرند.

1ـ اهمیت دادن به قلب، عقل وبدن، تا در انجام وجایب و

==========

(1) حدیث را ابوداود در سنن خود کتاب الخراج... باب في اتخاذ الوزير 3/ 33، 49، 92، 94، آورده است.

(2) این حدیث را ابن ماجه در کتاب سنن خود باب العقوبات 1332/2، 1333شماره 4019 از حضرت عبدالله بن عمر نقل مي كند كه گفت: روزي رسول خدا نزد ما آمدند وگفتند اي مهاجرين به خدا پناه مي برم از وقتي كه به پنج بلاي خطرناك مبتلا شويد: 1. در ميان هر قومي فحشا بقدري گسترش يابد كه علناً مرتكب آن شوند مرضهاي واگير وگرسنگي بر آنها مسلط مي شود كه در امتهاي گذشته سابقه نداشته است.2. موقعي كه در معاملات خود انصاف نداشته باشند وجانب تقوي را رعايت نكنند به تنگدستي، قحطي وحكمرانان ستمگر دچار مي شوند.3 . وچون زكات اموال خود را نپردازند باران بند ميشود واگر به خاطر چهار پايان نباشد اصلاً باران نصيب آنها نخواهد شد.4. واگر عهد وپيمان خود را با خدا ورسولش بشكنند خداوند دشمنانشان را بر آنها مسلط خواهد كرد تا اموال آنها را غارت كنند.5. وچون حاكمان آنها از اجراي شريعت خدا سر باز زنند خداوند آنان را به جنگ داخلي مبتلا خواهد كرد.

مسئولیت های محوله قوی و نیرومند گشته ومحبت، مغفرت ورضای خدا را بدست آورند.

2ـ تلاش در رهایی از امراض تنبلی وناتوانی، با یاری جستن از خداوند وکوشش در بدست آوردن هر آنچه خیر ومنفعت انسان در آن نهفته باشد.

3ـ بستن راه شیطان که اراده ها را سست می کند. انسان مسلمان نباید در بر خورد با مشکلات دچار وسوسه های شیطان گردیده همیشه در افسوس بر گذشته بسر برد.

بلکه باید همه کارها را به تقدیر خدای مختار وتوانا بداند. اگر چه افسوس بر فوت کار خیر اشکالی ندارد چنانچه پیامبر در زمان حج فرمودند ای کاش من هم قبلاً قربانی خود را نمی آوردم واز اول نیت عمره می کردم.[1]

4ـ شفقت ومهربانی نسبت به مسلمانانی که به شعایر دینی خود پایبند اند، ولی در دعوت وتبلیغ ضعیف اند، زیراآنها با همه کوتاهی ها از تمام آنانی که با پیامبرصلی الله علیه وسلم در جنگ و

==========

(1) این قسمتي از حدیث طولاني است که مسلم در صحیح خود کتاب الحج باب حجة النبي(ص) 20/886 892شماره 147 آورده.

. ابوداود در سنن خود کتاب المناسك با ب صفة حجة النبي(ص) 20/455 464شماره 1905 آورده. وابن ماجه در سنن خود کتاب المناسك با حجةالرسول(ص) 20/ 1022. 1027شماره 3074 آورده.

ونسائي در سنن خودکتاب الحج باب الکراهیه في الثیاب 50/143 آورده است.

ودارمي در المناسك باب سنة الحاج 20/ 45 . 49 واحمد در مسند خود 3/320 آورده است.

ستیزند وبه ظاهر مسلمان نامیده می شوند، ولی در باطن نسبت به اسلام ومسلمین کینه دارند بهترند واز اینجاست که پیامبر می فرماید: ودر هر یک از مؤمنین قوی وضعیف، خیری نهفته است.

الحديث الثاني

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لَأَعْلَمَنَّ أَقْوَامًا مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِحَسَنَاتٍ أَمْثَالِ جِبَالِ تِهَامَةَ بِيضًا فَيَجْعَلُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَبَاءً مَنْثُورًا قَالَ ثَوْبَانُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صِفْهُمْ لَنَا جَلِّهِمْ لَنَا أَنْ لَا نَكُونَ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَا نَعْلَمُ قَالَ أَمَا إِنَّهُمْ إِخْوَانُكُمْ وَمِنْ جِلْدَتِكُمْ وَيَأْخُذُونَ مِنْ اللَّيْلِ كَمَا تَأْخُذُونَ وَلَكِنَّهُمْ أَقْوَامٌ إِذَا خَلَوْا بِمَحَارِمِ اللَّهِ انْتَهَكُوهَا.(1)

حدیث دوم

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: یقیناً اقوامی از امت خود سراغ دارم که روز قیامت با ثواب های به انبوهی رشته کوههای تهامه به در گاه خداوند حاضر می شوند، ولی خدا اعمال آنان را مانند خاکستر بر باد می دهد. گفتند : یا رسول الله آنها را برای ما توصیف کن و آشکار نما تا مبادا ما نادانسته از جملهٔ آنها باشیم ! ایشان فرمودند : آنها از برادران وخویشاوندان شما مسلمانان هستند وحتی شبها را همچون شما زنده می دارند، اما چون تنها میشوند حرام وحلال خدا را رعایت نمی کنند.

شرح حدیث:

==========

(1) 2. 1. حدیث را ابن ماجه در سنن خود کتاب الزهد باب : ذکرالذنوب 1418/2 شماره4245 آورده ودر الفتح الکبیر في ضم الزیادة الي الجامع الصغیر 2/3 الباني نیز حدیث را در مجمع الجامع الصغیر3/5 آورده. همگي این حدیث را از حضرت ثوبان (رض) روایت کرده اند.

سفارش همیشگی اسلام این بوده که انسان خدا را همواره مراقب اعمال وکردار خود بداند ودر خلوت وتنهایی او را ناظر ونگهبان تصور کند، تا حرمت دستورات او را نشکند ودر تکالیف شرعی خود کوتاهی ننماید واگر احیاناً مرتکب خطایی شد وپایش از حدود خداوند تجاوز کرد، بداند که خداوند به آنچه از او سرزده آگاه می باشد. پس از خطاء دست بردارد وتصمیم بگیرد تا دوباره آن اشتباه تکرار نشود. حدیث مورد بحث ما دعوتی است آشکار با مدنظرداشتن پدیده مراقبت خداوند بر اعمال انسان و با در نظر داشتن خدا وحیاء از او، چه در تنهایی وخلوت وچه در ملاء عام، وبرای اینکه این حقیقت برای همیشه در اعماق وجود انسان جای گیرد پیامبر آن را بصورت داستان بیان داشته وخبر داده که او بواسطه وحی از حالت گروهی از امت خود اطلاع یافته که با ثوابهایی به انبوهی رشته کوههای تهامه به میدان حشر حاضر می شوند ولی خداوند برای آن همه اعمال صالحه ارزشی نمی دهد وعلتش هم آن است که آنها دور از چشم مردم و در خلوتگاه ها حرام وحلال را رعایت نمی کردند وهدف پیامبرصلی الله علیه وسلم از بیان این موضوع این است تا ما از این داستان عبرت و پند بگیریم وقبل از اینکه کار از کار بگذرد، بفکر علاج باشیم ودر پرتگاهی که آنان افتاده اند سقوط نکنیم چنانچه خداوند می فرماید:

« فاعتبروا یا اولی الابصار»[1]

پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت.

از آنجا که حاضروناظر دانستن خداوند اساس و بنیاد تعهد

==========

(2) حشر:2

مسلمانان به اسلام را تشکیل می دهد لازم است این مسئله از دو جهت مهم مورد بررسی دقیق تری واقع گردد.

1ـ وسیله بوجود آورنده آن در وجود انسان چیست؟

2ـ وسیله رشد دهنده آن چیست؟

وسائل بوجود آورنده آن در وجود انسان:

1ـ یقین کامل به اینکه خداوند هر آنچه از انسان سر زند میداند، چه در تنهایی باشد وچه در جمع مردم، چنانچه خداوند می فرماید:

﴿ وَهُوَ ٱللَّهُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَفِي ٱلۡأَرۡضِۖ يَعۡلَمُ سِرَّكُمۡ وَجَهۡرَكُمۡ وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡسِبُونَ ٣ ﴾ (1)

واوست خدای آسمانها وزمین، کار های پنهان وآشکار شما وآنچه را انجام می دهید می داند.

هرگاه این باور در اندیشه انسان راسخ شود، دیگر از خداوند حیاء میکند که نهی اوتعالی را مرتکب شود و امرش را نادیده بگیرد.

خداوند خود نیز این یقین را از وسائل بوجود آورنده تقوی دانسته وگفته:

﴿ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُۚ ﴾ (2)

بدانید که خداوند هرآنچه را در دل دارید می داند پس (از مخالفت او) خود را برحذر دارید.

2ـ یقین کامل به اینکه خداوند همه اعمال انسان را می شمارد وروز قیامت پیش چشمش قرار می دهد، اگر زشت باشد جزای

---

(1) الانعام: 3

(2) البقره: 235

زشت آن را داده واگر نیکو باشد جزای نیک آن را خواهد داد. انسان وقتی که به این حقیقت یقین کند. قبل از مرگ نواقص را بر طرف می سازد واز گمراهی دست برداشته به راه راست می آید خداوند می فرمایند:

﴿ وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَٰوَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلْكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحْصَىٰهَا ۚ وَوَجَدُوا۟ مَا عَمِلُوا۟ حَاضِرًا ۗ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾ ﴾ (1)

پس نامه اعمال هر کس مقابلش گذاشته میشود، آنگاه مجرمان را می بینی که آنان از محتویات آن بهراس می افتند ومی گویند: چگونه اعمالنامه ای است که هیچ کوچک وبزرگی را فرونگذاشته است وهمه کس اعمال خود را مشاهده می کنند وپروردگارت بر هیچکس ظلم روا نمی دارد.

وسایل رشد دهنده پدیده مراقبت الهی در وجود انسان :

1ـ مواظبت بر طاعات وعبادات خصوصاً نماز های فرض وتهجد، پرداختن زکات وصدقات نافله، روزۀ ماه رمضان، حج وقرائت قرآن، ذکر، دعا واستغفار، تأمل در آفرینش خود وجهان، محاسبه، توبیخ وسرزنش نفس در صورت کوتاهی یا تجاوز از حدود خدا.

2ـ همراهی با جماعت مسلمانان ودورنشدن از آن. زیرا این کار راه را بر شیطان می بندد چون شیطان در تنهایی فرصت را غنیمت دانسته وبه وسوسه وفریب خود می افزاید تا انسان را از راه خدا منحرف کند، شاید رمز و راز اینکه پیامبر به جماعت دعوت می

(1) الکهف : 49

دهد وبر آن تأکید دارد همین باشد. پیامبر اسلام می فرمایند: از تفرقه بپرهیزید وجماعت را لازم بگیرید چون شیطان همیشه با افرادی است که تنها واز جماعت مسلمانان دور باشند.[1]

توشه دعوتگران ومربیان:

1ـ ضرورت حاضر وناظر دانستن خداوند در تمام حالات وهمه شرایط، زیرا، این خصلت بخواست خداوند انسان را از لغزش و تجاوز از حدود الهی در امان می دارد وبر پایبندی دقیق او به دستورات خداوند می افزاید چنانچه گذشتگان امت اسلامی سعی وتلاش در بارور نمودن و رشد این خصلت در فرزندان خود در همان دوران کودکی داشتند. از جنید ل نقل است هنگامی که خواست دانش آموزان خود را در این مورد امتحان کند گفت:

فردا می خواهیم جهت تفریح از شهر بیرون شویم. لازم است هر یک از شما مرغی با خود داشته باشد ودر جایی که هیچکس او را نبیند ذبحش کند وبه خاطر صرف طعام چاشت با خود بیاورد. روز بعدی همگی با مرغهای ذبح شده حاضر شدند بجز یک نفر که مرغ خود را زنده آورد. شیخ از وی پرسید چرا به دستورم عمل نکردی؟ شاگرد جواب داد: تو شرط گذاشته بودی که مرغ را در جایی بکشم که هیچکس مرا نبیند ولی من هر جا رفتم یکی با من بود. در خانه، بیرون از آن وخلاصه کلام هیچ جای خلوتی نیافتم تا

---

(1) این قسمتي از حدیث ترمذي است که در کتاب الفتن باب ما جاء في لزوم الجماعه آمده است (صحیح ترمذي بشرح ابن العربي المالکي 9/9 امام احمد نیز آن را مختصراً نقل کرده است. 71070/5 ودر جائي دیگر ترمذي آن را با این الفاظ آورده است « فمن اراد بحبوحة الجنة فلیلتزم الجماعه فان الشیطان مع الواحد وهو من الاثنین ابعد...» 26/11/1

وصیت تو را عملی کنم، شیخ گفت: آنکس که در همه جا با تو بود که بود؟ جواب داد خدا. آنگاه شیخ او را در آغوش گرفت وگفت: شاگرد عزیزوفرزند حقیقی من تو هستی [1] واین گونه باید خود واهل واولاد خود را تربیت کنیم.

2ـ نقش قصه در تفهیم وتثبیت معانی در ذهن انسان، این را نباید فراموش کنیم که انسان بطور فطری به داستان علاقه و دلبستگی بخصوصی دارد وشاید به همین علت باشد که در قرآن وسنت داستانهای زیادی آمده است وخداوند همچنان اهمیت این موضوع را در قرآن بیان داشته طوریکه می فرماید:

﴿ وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ ﴾ [2]

ما داستانهای پیامبران پیشین را برای تثبیت وتسلی قلب تو بیان می کنیم. همانا در داستان گذشتگان پند و اندرز بزرگی برای صاحبان بصیرت وجود دارد.

3ـ لزوم همراهی با جماعت. زیرا جماعت نیرو های انسانی را در کار های خیر بکار می گیرد وبرای انسان وقتی باقی نمی ماند تا تنها بمانده و شیطان بر او مسلط شود. وزندگی او را به فساد کشد.

بزرگان دینی به اندازه ای بربودن در جماعت تأکید کرده اند که اسلام را بدون جماعت نا کامل می دانند طوریکه از حضرت عمربن الخطاب نقل شده می فرماید: اسلام بدون جماعت و جماعت بدون امارت و رهبری و امارت و رهبری بدون اطاعت و اطاعت بدون بیعت معنی ندارد.[3]

==========

(1) این داستان را امام غزالي در کتاب احیاء العلوم 4/ 384 آورده است.

(2) هود: 120

(1) این اثر را دارمي در سنن خود 79/1 از حضرت عمر نقل کرده اما جمله آخر

4ـ محافظت بر نیکیهائی که انسان انجام می دهد. واز بین نبردن آن با ارتکاب معاصی و گناهان چون انسانی که اعمال شایسته خود را با اعمال نا زشت و ناشایسته از بین می برد به ثروتمند بی عقلی می ماند که مال بسیار خود را در جایی خرج می کند که بجای منفعت ضرر دارد وانسان باید بداند که هر چند بیشتر طاعت خداوند خود را بجای آورد هدایت و تقوای او بیشتر شامل حالش می شود چنانچه می گوید:

﴿ وَٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ زَادَهُمۡ هُدٗى وَءَاتَىٰهُمۡ تَقۡوَىٰهُمۡ ١٧ ﴾ (1)

« آنان که راه هدایت را اختیار کردند بر هدایت آنان افزودیم وبه آنها تقوی ارزانی داشتیم»

﴿ وَمَن يَقۡتَرِفۡ حَسَنَةٗ نَّزِدۡ لَهُۥ فِيهَا حُسۡنًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ شَكُورٞ ٢٣ ﴾ (2)

وکسی که عمل صالحی انجام دهد بر حسنات او می افزاییم. همانا خداوند آمرزنده وقدردان است.

==========

« ولا طاعة الا ببيعة» را نیاورده است.

(2) محمد: 17

(3) اشوري: 23

الحديث الثالث

«عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا لِي وَلِلدُّنْيَا مَا مَثَلِي وَمَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَاكِبٍ سَارَ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا »[1]

حدیث سوم

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

نه من به دنیا تعلقی دارم ونه دنیا به من. بخدا قسم مثال من ودنیا بمسافری شباهت دارد که در روز گرمی سفر می کند ودر راه ساعتی زیر درختی به استراحت می نشیند سپس آنجا را ترک کرده به سفر خود ادامه می دهد.

==========

(1) حدیث را امام احمد در مسند خود 301/1 از عبدالله بن عباس روایت کرده که روزي حضرت عمر نزد رسول خدا رسید ومشاهده کرد حصیري که روي آن خوابیده اند از درشتي بر بدن مبارکشان اثر گذاشته است. سپس گفت: چه خوب بود فرش نرمتري مي داشتید. رسول خدا فرمود: مالي وللدنیا ... تا آخر حدیث .ترمذي نیز حدیث را در سنن خود . ابواب . الزهد . از عبدالله ابن مسعود روایت کرده که حضرت پیامبر(ص) بر حصیري درشتي خوابیدند که اثر آن بر بدن مبارکشان ظاهر شد. گفتیم اي رسول خدا اي کاش فرش نرمتري اختیار مي کردید فرمودند: مالي و للدنیا... تا آخر حدیث .« صحیح الترمذي بشرح ابن العربي المالکي 22319» وابن ماجه در سنن خود کتاب الزهد باب مثل الدنیا 2/ 1376 شماره 4109 با عبارت دیگري حدیث را روایت کرده است.

علامه اَلباني نیز آن را در صحیح الجامع الصغیر 154/5 شماره 5545 از عبدالله بن عباس آورده است.

شرح حدیث:

خداوند انسان را آفریده واو را خلیفه و جانشین خود بر زمین مقرر داشت تا به عمران و آبادانی آن بپردازد واز منافعش طبق دستور وبرنامه ای که برایش تعیین کرده وجهت ابلاغ آن پیامبرانی فرستاده، ماه، ستارگان، کوهها، درختان، چهار پایان، آسمان وزمین، وآب وهوا را در اختیار او قرار داده واعلام داشت که زندگی وی در دنیا محدود است وبعد از این زندگی محدود دنیا سرای آخرت در انتظارش می باشد تا در آنجا پاداش اعمال خوب و جزای اعمال بد خود را در یافت کند وروانه بهشت یا دوزخ گردد.

با توجه به موارد بالا انسان عاقل باید جاذبه ها و تمام پدیده های که انسان را به سوی دنیا میلان میدهد رها سازد وهمیشه آخرت را در نظر داشته باشد، از هر گفتار وکرداری که او را به آخرت نزدیک کند از انجام دادن آن دریغ نورزد. واگر لازم باشد. تا از حق خود در دنیا بهره مند گردد سعی کند به اندازه وطبق دستور دین خدا باشد. تا کلاً به دنیا تکیه نکند وبدان مشغول نگردد وعمل برای آخرت را به فراموشی نسپارد چنانچه پیامبرصلی الله علیه وسلم فرموده است: عمر دنیا در مقایسه با آخرت ساعتی بیش نیست وبرای اینکه این حقیقت در نفس انسان مستقر و نهادینه شود آن را به صورت مثال بیان کرده وگفته نه من به دنیا تعلقی دارم نه دنیا به من وچگونه می خواهم بدان تعلقی داشته باشم در حالی که من در دنیا مانند مسافری هستم که در روز بسیار گرمی مسافرت می کند وخستگی او را مجبور می سازد تا ساعتی در سایه درختی بیاساید وخستگی خود را بر طرف نماید سپس به سفر خود ادامه دهد.

پیامبرصلی الله علیه وسلم این حقیقت را در قالب مثال طوری در نفسها جای داده که دیگر فراموش شدنی نیست واستفاده از مَثَل سنت خداوندی است چنانکه خود می فرماید:

﴿وَتِلْكَ ٱلْأَمْثَٰلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾﴾[1]

واین مثلهایی است که برای مردم بیان می کنیم تا بیندیشند

﴿وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾﴾[2]

خداوند مثلها را برای مردم بیان میکند تا پند پذیرند.

این است مفهوم درست حدیث بالا ولی از جایی که ظاهر حدیث مؤید این امر است که باید دنیا را بطور کلی ترک گفت لازم است تا از دو جهت ذیل به تفصیل بیشتری در این موضوع بحث شود.

1ــ موضع گیری مسلمانان در قبال دنیا

با رعایت کردن دو شرط برای مسلمان جایز است به هر پیمانه که بخواهد از دنیا بهره مند گردد.

شرط اول اینکه دنیا را از راه حلال بدست آورد که اسلام این کار را می پسندد و از آن راضی است. شرط دوم اینکه دنیا در دست مسلمان باشد نه در قلب او بطوریکه هر وقت دین خدا به مال او احتیاج پیدا کرد آن را در راه رضای پروردگارش بدون هیچ دغدغه ای تقدیم کند وتمام آیات واحادیثی که در تمجید وتحسین دنیا وارد شده است بر همین اساس استوار است.

خداوند می فرماید:

---

(1) سوره حشر: 21

(2) سوره ابراهیم: 25

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحَرِّمُواْ طَيِّبَٰتِ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٨٧ وَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ٨٨ ﴾ (1)

ای اهل ایمان چیز های پاکیزه ای که خداوند برای شما حلال کرده بر خود حرام نکنید ودر استفاده از آنها از حدود تعیین شده تجاوز ننمائید که خداوند متجاوزان را دوست ندارد. وبخورید از رزق حلال وپاکی که خداوند به شما ارزانی داشته وتقوی خدایی را پیشه سازید که به آن ایمان دارید.

ومی فرماید:

﴿ فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۖ وَٱشۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ١١٤ ﴾ (2)

بخورید از رزق حلال وپاکی که خداوند به شما داده وشکر نعمت خدا را بجا آورید اگر واقعاً شما مخلصانه او را عبادت می کنید.

وپیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: چقدر خوب است مال نیکو برای بنده نیکو (3) ونیز فرموده: دنیا متاع است وبهترین متاع آن

==========

(1) المائده 8788

(2) النحل: 114

(3) این حدیث را امام احمد در مسند خود197/40، 202 از عمرو بن العاص روایت کرده که پیامبر به من سفارش کرد، که لباس وسلاح خود را برگیر ونزدم بیا. خدمت مبارك رسیدم در حالیکه وضوء مي گرفتند به قامتم نگاهي عميق انداختند سپس فرمودند: مي خواهم ترا به امارت لشكري روانه اي جهاد سازم كه خداوند تو را سالم نگه مي دارد وغنائم بسياري نصيبت مي سازد وقسمت بزرگي از غنائم را به تو خواهم داد. عمرو مي گويد گفتم: اي رسول خدا من ايمان به خاطر مال دينا نياورده ام و ايمان تنها به خاطر

زن شایسته است.[۱] فرمودند دنیا با همه آنچه در آن است نفرین شده مگر ذکر خدا ومتعلقات آن یا دانشمندان ویا دانش پژوهان.[۲]

بسیاری از بزرگان گذشته امت اسلامی نیز ثروتمند بودند. ولی دنیا در دست آنها بود نه در قلبشان بطوریکه در موقع جهاد وقربانی آنرا فدای دین می کردند ودر بخشش آن بخل نمی ورزیدند. حضرت ابوبکر صدیقرضی الله عنه روزی تمام مال خود را خیرات کرد وقتی از او پرسیدند برای خانواده ات چه گذاشتی؟ گفت: خدا ورسولش را .[۳] وحضرت عثمان در یکی از جنگها تمام لشکررا از

==========

دوست داشتن اسلام و همراهي شما آورده ام. آنگاه رسول خدا فرمودند: اي عمرو چقدر خوب است مال نيكو براي مرد صالح.

(1) حدیث را امام مسلم در کتاب الرضاع باب: خير متاع الدنيا المرأة الصالحه 1090/2 شماره 1467 از عبدالله بن عمرو آورده است.

وابن ماجه در کتاب نکاح باب افضل النساء 1/ 596 شماره 1855 با عبارتي ديگر آورده است وامام احمد در مسند خود 168/2 آورده ودر الفح الكبير 116/2 آمده است.

(2) اين حديث را ترمذي در كتاب الزهد9/ 198 از ابوهريره روايت كرده است. وابن ماجه در كتاب الزهد باب مثل الدنيا 1377/2 شماره 4112 آورده است ودر الفتح الكبير 116/2 نيز آمده است.

(3) اين حديث را عمر بن خطاب روايت كرده او مي گويد: پيامبر خدا روزي دستور داد تا مال خود را صدقه كنيم آنروز من مال زيادي داشتم با خودم گفتم اگر روزي بتوانم از ابوبكر صديق سبقت جويم آنروز همين روز است. پس نصف مال خود را آوردم پيامبر فرمود: چقدر براي فرزندان خود گذاشتي گفتم به همين اندازه، سپس ابوبكر با همه دارائي خود آمد پيامبر فرمود: چقدر براي فرزندان خود گذاشتي گفت: الله ورسولش را گذاشتم. گفتم اي ابوبكر هرگز از تو سبقت نخواهم كرد.(ترمذي اين حديث را در باب مناقب

مال شخصی خود مجهز وبقدری موجبات رضای خدای خود را فراهم کرد که پیامبر فرمود: پس از این هر کاری از عثمانرضی الله عنه سر زند بخشیده است.[1] وحضرت عمر نصف مال خود را خیرات کرد.[2] وحضرت صهیب در وقت هجرت تمام مال خود را فداکرد تا بتواند هجرت کند وپیامبر فرمود: صهیب در معامله خود سود زیادی برد.[3]

2ـ آیات واحادیث دیگردر مذمت دنیا

آیات واحادیث فراوانی غیر از حدیث مورد بحث وجود دارد که انسان را از دنیا واعتماد به آن برحذر می دارد وما بعضی از آنها را اینجا ذکر می کنیم.

﴿إِنَّمَا مَثَلُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا كَمَآءٍ أَنزَلْنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخْتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلْأَنْعَٰمُ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذَتِ ٱلْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَٱزَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَآ أَنَّهُمْ قَٰدِرُونَ عَلَيْهَآ أَتَىٰهَآ أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَٰهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِٱلْأَمْسِ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾﴾[4]

محققاً زندگی دنیا مثل آبی است که که از آسمانها فرو فرستادیم تا با آن باران انواع مختلف گیاه زمین را از آنچه انسانها وحیوانات

ابوبکر وعمر آورده است. دارمي در کتاب زکات باب الرجل یتصدق بجمیع ما عنده 391/1، 392 آورده است.

(1) این حدیث را امام احمد در مسند خود از عبدالرحمن بن خباب اسلمي وعبدالرحمن بن سحر بطور مرفوع نقل کرده است(الفتح الربان للساعاتي 193/21)

(2) صحبت در این مورد قبلاً گذشت.

(3) مراجعه شود به سیرت پیامبر از ابن کثیر223/2، 224 به نقل از این هشام.

(4) یونس: 24

ازآن بخورند، بروید تا آنگاه که زمین به خرمی و سبزی آرایش یابد ومردمش خود را بر آن قادر ومتصرف پندارند که ناگهان فرمان ما به شب یا روز در رسد وآنهمه زینت وزیور زمین را دروکند وزمین چنان خشک شود که گوئی دیروز در آن هیچ چیز نبود.

اینگونه خدا آیاتش را با مثال روشن برای اهل فکر بیان میکند.

﴿ وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ فَأَصۡبَحَ هَشِيمٗا تَذۡرُوهُ ٱلرِّيَٰحُۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقۡتَدِرًا ٤٥ ﴾[1]

ای پیامبرصلی الله علیه وسلم برای امت مثال زندگانی دنیا را بیان کن که همانند آب بارانی است که ما از آسمان نازل کردیم وبا آن آب درختان ونباتات گوناگون زمین در هم پیچیده وخرم بروید. سپس صبحگاهی همه در هم شکسته وخشک شود وبدست بادها زیر وزبر وفانی گرددوخدا بر هر چیز در عالم، اقتدار کامل دارد.

﴿ ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِۖ كَمَثَلِ غَيۡثٍ أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَكُونُ حُطَٰمٗاۖ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ شَدِيدٞ وَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞۚ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ٢٠ ﴾[2]

بدانید که زندگی دنیا به حقیقت بازیچه ای است طفلانه. ولهو وعیاشی وآرایش وخود ستایی میان یکدیگر وحرص افزودن مال وفرزندان است این حقیقت دنیاست ودر عالم مثال، مانند بارانیست که به موقع ببارد وگیاهی در پی آن بروید که دهقان را به شگفت

---

(1) کهف: 45

(2) حدید:20

آرد، سپس بنگری که زرد وخشک شود وبپوسد ودر عالم آخرت عذاب سخت جهنم وآمرزش وخشنودی حق است وبدانید که دنیا جز متاع فریب وغرور چیزی نیست.

﴿ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ﴿١٤﴾ ﴾ (1)

مردم ظاهربین و دنیا پرست را محبت وآرایش شهوات که عبارت از میل به زنها وفرزندان وهمیانهای زر وسیم واسبهای نشانه دار نیکو وچهار پایان ومزارع واملاک است، در نظر زیبا ودلفریب است لیکن اینها همه متاع زندگی فانی دنیا است ونزد خداست همان منزل بازگشت نیکو.

﴿ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ ﴿٣٣﴾ ﴾ (2)

همانا وعده خداوند حق است پس زنهار زندگی دنیا شما را نفریبد وشیطان به عفو وکرم خداوند شما را مغرورنسازد.

وپیامبرصلی الله علیه وسلم نیز می فرماید:

دنیا در مقابل آخرت به اندازه مقدار آبی است که چون انگشت خود را در آب داخل کنید با خود بر می دارید. (3) وفرمودند در دنیا

==========

(1) آل عمران: 14

(2) لقمان: 33

(1) این حدیث را امام مسلم در صحیح خود کتاب : الجنة وصفة نعيمها واهلها. باب فناء الدنيا وبيان الحشر يوم القيامة 4/ 2193 شماره 2858 آورده است وترمذي در سننش كتاب الزهد [صحيح الترمزي بشرح (امام ابن العربي المالكي 199/9] آورده.

چنان باش که گویا غریب یا مسافر هستی.[1]

ودر حدیث دیگری آمده: اگر دنیا به اندازه بال مگسی ارزش می داشت خداوند به کفار یک پیاله آب هم نمی داد.[2]

آیات واحادیث بسیاری در این مورد هست که همه آنها مذمت دوستی وتعلق گرفتن بدنیا را بیان میدارد، بطوریکه خدا وآخرت به فراموشی سپرده شود، چنانچه خداوند می فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا وَرَضُوا۟ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَٱطْمَأَنُّوا۟ بِهَا وَٱلَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَٰتِنَا غَٰفِلُونَ ۝٧ أُو۟لَٰٓئِكَ مَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ﴾

وابن ماجه در سنن‌ش کتاب الزهد باب مثل الدنیا 2/ 1376 شماره 4108 تقریباً با همین الفاظ آورده است.

وامام احمد در مسندش 229/4، 230 آورده است ودر الفتح الکبیر 300/3 ودر ریاض الصالحین باب فضل الزهد في الدنیا ص 214 آمده است.

(2) این حدیث را بخاري در صحیح خود کتاب الرقاق باب قول النبي (ص) کن في الدنیا... 110/8 از عبدالله بن عمر روایت کرده است وترمذي در سنن‌ش کتاب الزهد باب ما جاء في قصر الامل آورده است.

وابن ماجه در سنن‌ش کتاب الزهد باب مثل الدنیا 2/ 1378 شماره 4114 آورده وعبارت: وعدنفسك من اهل القبور را بر آن افزوده است.

وامام احمد در مسندش 24/2، 41، 132، تقریباً با همین الفاظ آورده است. ودر فتح الکبیر 333/2 ودر ریاض الصالحین باب فضل الزهد ص 216 آمده است. وبخاري در المقاصد الحسنه ص 329 شماره 847 آورده است.

(3) حدیث را ترمذي در سنن‌ش کتاب الزهد باب ما جاء في هوان الدنیا علي الله عزوجل از سهل بن سعد آورده است. وابن ماجه در سنن‌ش کتاب الزهد باب مثل الدنیا 1377/2 شماره 410 با لفظي دیگر آورده است. ودر الفتح الکبیر 37/3 ودر کشف الخفاء 207/2 ودر ریاض الصالحین باب فضل الزهد في الدنیا ص 218 آمده است.

﴿ ۸ ﴾[1]

آنانی که امید ملاقات ما را ندارند وبه زندگی دنیا راضی ومطمئن شدند واز آیات ما غافل گشته اند آنان به سبب اعمال خود در آتش جا می گیرند.

﴿ مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصْلَىٰهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ﴿١٨﴾ ﴾[2]

هرکس طالب متاع زودگذر باشد در دنیا هر قدر بخواهد به هرشخصی که خواسته باشیم، می دهیم سپس جهنم را نصیب او می کنیم که نکوهش شده و ومردودشده به آن جا در آید.

توشه دعوتگران ومربیان:

1ـ بر حذر داشتن از اعتماد وتوکل بر دنیا طوری که انسان از خدا وآخرت غافل شود. زیرا دنیا سرای ماندن نیست، چنانکه قرآن از زبان مؤمن قوم فرعون نقل می کند:

﴿ يَٰقَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا مَتَٰعٌ وَإِنَّ ٱلْءَاخِرَةَ هِىَ دَارُ ٱلْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ ﴾[3]

ای قوم من بدون شک زندگی دنیا متاعی بیش نیست وآخرت سرای ابدی است وخداوند به پیامبرش حضرت محمد(ص) می گوید:

﴿ قُلْ مَتَٰعُ ٱلدُّنْيَا قَلِيلٌ وَٱلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ ٱتَّقَىٰ ﴾

بگو متاع دنیاکم است وآخرت بهتر وپایدارتر برای متقیان است.

﴿ فَمَا مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا فِى ٱلْءَاخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٣٨﴾ ﴾

پس متاع زندگی دنیا در مقابل آخرت خیلی کم است.

---

(1) یونس: 7،8

(2) الأسراء: 18

(3) غافر: ۳۹

2ـ صبر واستقامت بر مشکلات زندگی تا وقت ملاقات خدا، پیامبر در حدیثی به این نکته اشاره کرده آنگاه که خود را به مسافری شباهت داده که در روز بسیار گرمی به مسافرت می پردازد وچون خسته می شود برای یک ساعت از سواری خود فرود می آید واستراحت می کند سپس با تحمل مشقتهای سفر به راهش ادامه می دهد تا به مقصد رسد. واین گونه مسلمان زحمتهای ومشقتهای زیادی را در زندگی خود تحمل میکندوگاهی دچار مصیبتها وبلاها می شود در این میان وظیفه او این است که صبر کند واز خدای خود کمک بگیرد وهرگاه خسته شد مقدار کمی استراحت کند و سپس به راه پر مشقت خود ادامه دهدتا به ملاقات خداوند نایل آید.

3ـ استفاده زیاد از مثل در دعوت وتبلیغ وتربیت، زیرا موقعی که انسان از مثل در سخن خود استفاده کند شنوندگان زود خسته نمی شوند ومعنای سخن را بهتر میدانند به همین مناسبت خداوند می فرماید:

﴿ وَتِلْكَ ٱلْأَمْثَٰلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۖ وَمَا يَعْقِلُهَآ إِلَّا ٱلْعَٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾ ﴾

واین مثالهایی است که برای مردم بیان می کنم که بجز علماء کسی آنها را درک نمی کند.

---

(1) العنکبوت: ٤٣

الحديث الرابع

قال رسول الله صلي الله عليه وسلم: ما من رجل يعود مريضاً ممسيا الّا خرج معه سبعون الف ملك يستغفرون له حتّي يصبح ومن اتاه مصبحاً خرج معه سبعون الف ملك يستغفرون له حتى يمسي [1]

حديث چهارم

رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمودند: چون كسى شب هنگام به عيادت مريض برود هفتاد هزار فرشته او را همراهى كرده تا صبح برايش از خداوند آمرزش طلب مى كنند. وكسى كه در وقت صبح مريض را عيادت كند هفتاد هزار فرشته او را همراهى كرده تا شب براى او طلب آمرزش مى نمايند.

==========

(1) حديث با اين عبارت در الفتح الكبير 110/3 آمده است وابوداود در سننش كتاب الجنائز باب فضل العباده 475/3 . 476 شماره 3098 با اين الفاظ آورده است. سبعون الف ملك يستغفرون له حتي يصبح وكان له خريف في الجنة ... يستغفرون له حتي يمسِيَ وكان له خريف في الجنة وترمذي در سننش كتاب الجنائز باب ماجاء في عيادة المريض با اين الفاظ آورده: ما من مسلم يعود مسلماً غدوة الا صلي عليه سبعون الف ملك حتي يمسي وان عاده عشية الا صلي عليه سبعون الف ملك حتي يصبح وكان له خريف في الجنة وگفته اين حديث حسن وغريب است.

وابن ماجه در سننش كتاب الجنائز باب ما جاء في ثواب من عاد مريضاً 1/ 463 . 464 شماره 1442 با الفاظي ديگر آورده است وامام احمد در مسندش 118/1 ، 121 به همين معنا آورده است.

علامه اَلباني نيز در صحيح الجامع الصغير 166/5 شماره 2293 از حضرت علي روايت كرده است. و موقوف آنرا صحيح دانسته است .

شرح حدیث:

از آنجا که رسالت فرد مسلمان خیر خواهی، راهنمایی وارشاد مردم به سوی راه راست خداوند با عزت می باشد. بر وی لازم است تا وسایل وراه های مؤثر در کسب محبت مردم وبه دست آوردن قلوب آنها را بشناسد ودر این زمینه رعایت آداب اجتماعی از قبیل عیادت مریض، جواب عطسه، خیرخواهی، قبول دعوت، گشاده رویی، کمک به نیاز مندان واحوال پرسی مردم بزرگترین تأثیر را در این مورد دارد. حدیث مورد بحث، ما را به لزوم عیادت مریض واجروپاداش کسی که این عمل اجتماعی پسندیده را انجام می دهد، راهنمایی می کند. ومی گوید اگر کسی در شب به عیادت مریض برود هفتاد هزار فرشته او را همراهی کرده تا صبح در حق او دعای خیر می کنند. واگر در صبح مریضی را عیادت کند نیز همین اجر را دارد.

بهتر است که با هم به احادیثی دیگر در این زمینه گوش فرادهیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: خداوند در روز قیامت می گوید: ای فرزند آدم چرا وقتی که مریض شدم مرا عیادت نکردی؟ انسان جواب می دهد.

پروردگارا چگونه می توانستم تو را عیادت کنم وتو پروردگار جهانیان هستی خداوند می گوید: آیا ندانستی که فلان بنده ام مریض شده واو را عیادت نکردی. آیا ندانستی اگر او را عیادت میکردی من را در آنجا می یافتی؟

ای فرزند آدم من از تو غذا خواستم وتو ندادی انسان می

گوید: تو را غذا دهم وتو خدای جهانیان هستی خداوند می گوید: آیا فلان بنده من از تو غذا نخواست وتو ندادی؟ آیا ندانستی که اگر به او غذا می دادی عوضش را نزد من می یافتی؟

ای فرزند آدم از تو آب خواستم به من آب ندادی. انسان میگوید: چطور می خواستم تو را آب دهم وتو خدای جهانیان هستی؟ خداوند می گوید فلان بنده من از تو آب خواست وتو به او آب ندادی آیا ندانستی که اگر به او آب می دادی عوضش را نزدم می یافتی.[1]

ودر حدیثی دیگر پیامبر می فرماید: مریضها را عیادت کنید، گرسنگان را غذا بدهید واسیران را آزاد سازید.[2]

==========

(1) این حدیث را امام مسلم در کتاب البروالصله والاداب فضل عیادة المریض شماره 2569 از ابوهریره روایت کرده است. وامام احمد در مسندش 404/2 از ابوهریره چنین روایت نموده که پیامبر از خداوند نقل مي فرماید که خداوند فرمود: مریض شدم وفرزند آدم مرا عیادت نکرد وتشنه شدم اما فرزند آدم مرا آب نداد پیامبر مي فرمایند گفتم اي پروردگار آیا تو هم مریض مي شوي فرمود: بنده اي از بندگانم در روي زمین مریض یا تشنه مي شود اما کسي به عیادت او نمي رود وتشنه را آب نمي نوشاند در صورتیکه اگر به عیادت بروند یا تشنه را آب دهند مزد خود را از من در یافت مي کنند.

(2) حدیث را بخاري در کتاب صحیح خود در کتاب الجهاد باب فكاك الا سیر از ابي موسي با این الفاظ آورده است. فكوا العاني، یعني الاسیر واطعموا الجائع، وعود والمریض ودر کتاب نکاح باب لزوم اجابت دعوت ومهماني عروسي با این لفظ آورده: فكوالعاني واجیبوا الداعي وعود وا المریض. ودر باب الا طعمه با این لفظ: اطعموا الجائع وعود وا المریض وو فكوا العاني. ودر طب باب وجوب عیادة المریض ودر کتاب الا حكام باب اصابة الحاكم الدعوة با لفظ « فكوا العاني واجیبوا الداعي. وابوداود در کتاب الجنائز باب الدعا للمریض ... شماره 3105 آورده است ودارمي در سننش باب فكاك الاسیر با لفظ فكوا العاني واطعموا الجائع وامام احمد در مسند خود نیز حدیث را روایت کرده

ومی فرماید: وقتی فرد مسلمان از برادر مسلمان خود عیادت می کند تا هنگام برگشت در خرفه بهشت است. پرسیده شد که خرفه بهشت چیست؟ فرمودند: بال آن.[1]

توشه دعوتگران و مربیان:

1ـ لزوم عیادت مریض بعنوان رعایت یک عمل اجتماعی بسیار مهم، ومد نظر قرار دادن نکات ذیل برای تسهیل هر چه بیشتر کار.

ـ بیاد داشتن مقدار اجر وپاداشی که برای فرد مسلمان از موقع بیرون شدن جهت انجام دادن این مهم تا برگشت حاصل می شود.

ـ بیاد داشتن اینکه بدون رعایت این آداب اجتماعی انسان هرگز موفق به کسب اعتماد مردم وتأثیر بر آنها نخواهد شد.

ودر آخر بیان داشتن اینکه عیادت مریض حق مسلم برادر مسلمان اوست.

چناچه در حدیث آمده: حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است. 1ـ جواب دادن سلام 2ـ عیادت مریض 3ـ تشییع جنازه 4ـ قبول دعوت5ـ جواب دادن عطسه.[2]

==========

است.

(1) امام مسلم حدیث را در کتاب البر والصلة والاداب باب فضل عیادة المریض از ثوبان غلام رسول خدا با لفظ: ان المسلم اذا اعاد اخاه المسلم لم یزل في خرفة الجنة حتي یرجع ودر روایتي دیگر من عاد مریضاً لم یزل في خرفه الجنة قیل یا رسول الله وما خرفة الجنة؟ قال جناحا شماره 2568 آورده است.

ترمذي در سنن خود کتاب الجنائز باب ماجاء في عیادة المریض آورده وامام احمد در مسند خود با عباراتي مختلف این حدیث را روایت کرده است.

(2) بخاري این حدیث را در کتاب الجنائز باب: الا مرباتباع الجنائز از ابوهریره روایت کرده است.

الحديث الخامس

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَوَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ

حدیث پنجم

پیامبر فرمودند: داخل بهشت نمی شوید تا ایمان بیاورید. وایمان شما کامل نمی شود تا نسبت به همدیگر محبت داشته باشید. آیا شما را بکاری راهنمایی نکنم که هرگاه آن را انجام دهید محبت بین شما بر قرار می شود. سلام را بین خود پخش سازید! (۱)

==========

ومسلم در كتاب الجنائز باب النهي عن سب الا موات با لفظ: للمؤمن علي المؤمن ست خصال آورده است .

ابن ماجه نیز در كتاب الجنائز باب ما جاء في عيادة المريض وامام احمد در مسند خود با الفاظ مختلفي آورده است.

(1) این حدیث را مسلم در صحیح خود در كتاب الايمان باب: بيان انه لا يدخل الجنه الا المومنون حدیث شماره 54 آورده است . بخاري نیز در الادب المفرد، باب افشاء السلام حدیث شماره 980 از ابوهریره روایت كرده است.

ابوداود هم در سنن خود كتاب الأدب باب افشاء السلام حدیث شماره 5193 تقریبا با همین الفاظ آورده است.

ابن ماجه در مقدمه سنن خود باب في الايمان حدیث شماه 68 وباب افشاء السلام به شماره 3693 مانند ابوداوود روایت كرده است.

وامام احمد در مسندش در چندین مودر حدیث را روایت كرده است.

ودر الفتح الكبير با لقظ: والذي نفسي بيده لاتدخلون الجنة حتي تؤمنوا آمده است.

شرح حدیث:

این حدیث شامل یکی از آداب اجتماعی، بزرگ اسلام است که نقش بسزایی در آفرینش و پیدایش اعتماد ودوستی میان مردم دارد وبرای آنان احساس امنیت وآرامش را به ارمغان می آورد. این ادب بزرگ اسلامی اشاعه ونشر فرهنگ سلام در بین مسلمانان است؛ تا امنیت شامل حال همه افراد جامعه اسلامی گردد. ووسیله بزرگی در ایجاد الفت ومحبت باشد. پیامبر بخاطر اینکه مسلمانان را به اجرا وفرمان برداری هر چه بیشتر این ادب بزرگ اسلامی فرا خواند به ذکر منافع آن پرداخته وفرموده: داخل شدن در جنت واستفاده از نعمتهای آن به ایمان آوردن منوط است وبرخوردارشدن محبت بدون اشاعه فرهنگ سلام عمومیت نمی یابد. بدون شک کسی که فواید یاد شده در حدیث را بداند امکان ندارد که از اجرای امر ودستور سلام خود داری کند و پیغمبرصلی الله علیه وسلم چه نیکو گفته اند: که من دارای بیانی مختصر ولی پرمحتوا هستم.[1]

==========

امام نووي در رياض الصالحين كتاب السلام باب نقل السلام والأمر بافشائه از ابوهریره به نقل از مسلم روایت کرده است. چنانچه شیخ عبدالبدیع صقر در مختارالحسن والصحیح حدیث شماره **604** از ابوهریره به نقل از مسلم آورده است.

(1) اين حديث جزئي از حديثي است كه مسلم در صحيح خود كتاب المساجد ومواضع الصلاة از ابوهريره با اين لفظ روايت كرده است: نصرت با الرعب علي العدو وأوتيت جوامع الكم، وبينا أنا نائم أتيت بمفاتيح خزائن الارض فوضعت في يدي.

وامام بخاري در كتاب الجهاد باب قول النبي صلي الله عليه وسلم نصرت بالرعب... بالفظ:

اَیات واحادیثی دیگر در موضوع سلام

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ تَسۡتَأۡنِسُواْ وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٢٧ ﴾ (۱)

ای مومنان وارد خانه هایی نشوید که متعلق به شما نباشد، ومگر بعد از اجازه گرفتن وسلام دادن بر ساکنان آن. این کار برای شما بهتر است. امید است شما این دستورات را مد نظر داشته باشید.

﴿ فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗۚ ﴾ (۲)

هر وقت داخل خانه ای شدید بر همدیگر سلام کنید، سلام پربرکت وپاکی که به فرمان خدا مقرر است.

﴿ وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٖ فَحَيُّواْ بِأَحۡسَنَ مِنۡهَآ أَوۡ رُدُّوهَاۗ ﴾ (۳)

و هنگامی که به شما سلام گویند ، شما سلام نیکوتر از آن، یا همانندش را پاسخ دهید.

﴿ هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ٢٤ إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞ ﴾ (٤)

بعثت بجوامع الكلم... ودر كتاب التعبير باب: رويا الليل بالفظ. أعطيت مفاتيح الكلم ... ودر باب المفاتيح في اليد ودر كتاب الا عتصام باب: قول النبي (ص) بعثت بجوامع الكم آورده است.

وترمذي در صحيح خود ابواب السير باب ما جاء في الغنيمه بالفظ اعطيت جوامع الكلم ونسائي در سنن كتاب الجهاد باب وجوب الجهاد با عبارت بخاري آورده است.

(1) سوره النور: 27

(2) سورة النور: 61

(3) سورة النساء: 86

(1) سورة الذاريات: 24 ، 25

آیا خبر مهمانان بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ در آن زمانی که بر او وارد شدند وگفتند: سلام. گفت: سلام بر شما.

حضرت عبدالله فرزند عمرو بن العاص می گوید: مردی از رسول خدا پرسید کدام بخش از دستورات اسلام از همه بهتر است؟ فرمودند: غذا دادن گرسنگان وسلام کردن بر کسی که آن را می شناسی یا نمی شناسی.(۱)

حضرت ابوهریره می فرماید پیامبر فرمودند: وقتی که خداوند آدم را خلق کرد گفت: برو بر آن جماعت ملائکه سلام کن وجواب را خوب گوش کن زیرا جواب آنها هدیه وسلام تو وفرزندان تو است. آدم رفت وفرشتگان را چنین سلام کرد: السلام علیکم فرشتگان جواب دادند: السلام علیکم ورحمة الله. در جواب «رحمة الله » را افزودند.(۲)

==========

(2) حدیث را بخاري در کتاب الایمان باب اطعام الطعام... ودر کتاب الا سُتذان باب السلام للمعرفة وغیرالمعرفه آورده است.

مسلم نیز در کتاب الایمان باب بیان تفاضل الا سلام ... از عبدالله بن عمر روایت نموده است ابوداوود در سنن خود در کتاب الادب باب افشاء السلام شماره 5194 ونسائي در کتاب الایمان باب اي الا سلام خیرآورده است.

ابن ماجه در سنن خود در کتاب الا طعمه باب اطعام شماره 3235 آورده.

وامام احمد در مسند خود بالفظ اي الا عمال خیر آورده است.

(3) این حدیث را بخاري در کتاب الاستئذان باب بدو السلام از ابوهریره (رض) چنین روایت کرده است: خداوند آدم را مطابق صورت خویش آفرید به قامت شصت ذرع سپس گفت: برو وبر آن جمع فرشتکان نشسته سلام کن وجواب آنها را گوش کن که جواب آنها سلام تو وفرزندانت است. پس آدم آمد بر فرشتگان چنین سلام کرد: السلام

حضرت براء فرزند عازب می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را به هفت چیز فرمان دادند. 1ـ عیادت مریض 2ـ تشییع جنازه 3ـ جواب عطسه 4ـ کمک به ضعیفان 5 ـ کمک به مظلومان 6ـ سلام 7ـ کمک به کسی که قسم خورده در انجام آنچه بر آن قسم یاد کرده.(۱)

حضرت عبدالله فرزند سلام رضی الله عنه می فرماید: شنیدم از رسول خدا که میگوید: ای مردم سلام را میان خود پخش کنید وگرستگان را غذا دهید وصله رحم را رعایت کنید ودر هنگامی که مردم خوابیده اند نماز بخوانید وبا اطمینان خاطر وارد جنت شوید.(۲)

==========

علیکم. آنها جواب دادند: السلام علیك ورحمة الله وبركاتة

امام مسلم نیز حدیث را در کتاب الجنه وصفته ... باب یدخل الجنة ... از ابوهریره روایت کرده است.

(1) حدیث را بخاري در کتاب الا ستئذان باب افشاء السلام با همین لفظ روایت کرده که دنباله آن از این قرار است! ... ونهي عن الشرب في الفضه ونهانا عن تختم الذهب وعن ركوب المياثر وعن لبس الحرير، والديباج، والقسي والاستبرق.

همچنین در کتاب الجنائز ودر مظالم، نکاح، اشربه، لباس وادب با عبارات مختلف این حدیث را روایت کرده است. مسلم نیز در صحیح خود کتاب اللباس والزینه باب تحریم استعمال اناء الذهب ... شماره 2066 مانند بخاري آورده است. ترمذي هم در سنن خود کتاب الادب ونسائي در کتاب الجنائز باب در امر باتباع الجنائز وباب ابرار قسم آورده است. امام احمد نیز حدیث را در مسند خود روایت کرده است.

(2) حدیث را ترمذي در سنن خود ابواب صفة القیامه ذکر کرده اما جمله: وصلوا الارحام را ذکر نکرده است.

وابن ماجه در سنن خود کتاب اقامة الصلاة باب جاء في قيام الليل شماره 1334

توشه دعوتگران ومربیان

(1) تأکید بر تعمیم و ترویج سلام بین مسلمانان تا به آنها احساس امنیت وآرامش دست دهد وقلب های شان به همدیگر نزدیک شود. بکار گرفتن موارد ذیل انسان را در انجام این وظیفه اجتماعی ممد قرار می گیرد.

ـ بیاد داشتن مقدار اجروثوابی که از افشاء سلام عاید انسان میگردد.

ـ بیاد داشتن اینکه سلام وسیله موفق در نزدیک کردن قلبها به همدیگر است.

ـ بیاد داشتن اینکه سلام حق هر مسلمان بر مسلمان دیگر است.

ـ ودر آخر باید انسان بداند که از طرف خدا ورسولش مأمور است ومؤمنان راستین برای رسیدن به کامیابی چاره ای جز سمع وطاعت در مقابل دستورات خدا را ندارد.

(2) از روشهای دعوت وتربیت متذکر شدن منافع وفوایدی است که در قبال مسئولیتهای که انسان انجام می دهد بآن دست می یابد. چون بیان این فوائد ومنافع نفسها را جهت کار وکوشش همیشگی بسوی هدف به حرکت درمی آورد. زیرا انسان چنانچه گفته اند بندهُ منفعت ومصلحت خود است.

==========

ودر اطعمه باب اطعام شماره 3251 ودارمي در سنن خود کتاب الاطعمه باب في اطعام الطعام بلفظ: اعبدوا الرحمن ... آورده است.

وامام احمد در مسند خود مانند روایت دارمي نقل کرده است ودر الفتح الکبیر هم وارد شده است.

الحديث السادس

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ لَهُ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ

حدیث ششم

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: کسی که نماز صبح را با جماعت اداء کند سپس در جای خود نشسته تا طلوع خورشید مشغول ذکر خدا باشد، پس از طلوع آفتاب دو رکعت نماز بخواند اجر یک حج و عمره کامل را به دست می آورد.(۱)

شرح حدیث:

نیرو وتوان فرد مسلمان به تنهایی کم وضعیف است ولی با کمک گرفتن از نیرو وتوان خداوند قوت می گیرد. به همین جهت لازم است انسان ساعت هایی از زندگی خود را به محاسبه نفس ومناجات با پروردگار وتجدید عهد با او اختصاص دهد. در همین راستا پیامبرصلی الله علیه وسلم توصیه می کند اگر کسی نماز صبح

==========

(1) حدیث را ترمذي در کتاب الصلاة باب ما ذکر مما یستحب من الجلوس...

به شماره 583 از انس بن مالك روایت کرده وگفته: هذا حدیث حسن غریب مبارکفوري شارح ترمذي مي گوید: ترمذي این حدیث را حسن دانسته. اگر چه در سند این حدیث ابوخلال هست که در تعدیل او جاي تردید است اما حدیث شواهدي دارد که صحت آن را تأیید مي کند.

را با جماعت بگذارد سپس در جایگاه خود تا بر آمدن خورشید به ذکر خدا مشغول شود آن وقت دو رکعت نماز اشراق بخواند، اجر وثواب او برابر کسی خواهد بود که یک حج وعمره کامل بجا آورد.

احادیثی در بیان فضیلت این وقت :

پیامبر فرمودند: کسی که در جایگاه خود بعد از نماز صبح بنشیند وتا وقت نماز اشراق به ذکر خدا مشغول باشد آنگاه دو رکعت نماز بخواند گناهانش بخشیده می شود اگر چه از کفهای دریا هم بیشتر باشد.(۱)

جابر فرزند سمره میگوید: پیامبر چون نماز صبح را می خواند تا خورشید کاملا طلوع می کرد از جای خود تکان نمی خورد.(۲)

آبی امامه می گوید: پیامبر (ص) فرمود: کسی که نماز صبح را با جماعت ادا کند سپس در جای خود نشسته تا هنگام برآمدن آفتاب به ذکر خدا مشغول گردد آن وقت دو رکعت نماز بخواند مزد حج وعمره را دریافت کرده است.(۳)

==========

(1) حديث را ابوداود در باب صلاة الضحي به شماره 1287 آورده همچنين امام احمد در مسندش آن را نقل كرده.

(2) اين حديث را مسلم در كتاب المساجد باب فضل الجلوس ... آورده است.
وابوداود در سنن خود در كتاب الادب في الرجل يجلس متربعا به شماره 4850 آورده است.
ترمذي در سنن كتاب الصلاة ونسائي در كتاب اللهوباب قعود الامام ... آورده است امام احمد هم با عبارتهاي مختلف حديث را در مسند خود آورده است.

(3) امام منذري اين حديث را در كتاب ترغيب وترهيب به شماره 6 آورده وگفته اين حديث را طبراني باسند خوب روايت كرده است.

توشه دعوتگران ومربیان

1ـ اهمیت ذکرکردن در فرصتی که از نماز صبح تا طلوع آفتاب در اختیار انسان است. به شرطی که انسان خسته نباشد یا کار فرضی نداشته باشد. در نظر گرفتن نکات ذیل او را در این کار یاری می کند.

ـ دانستن این مطلب که این وقت نسبت به دیگر او قات برای صحت وسلامت انسان مفیدتر است. کافی است انسان در این وقت هوایی را تنفس کند که با بدیها وگناهان بشر مخلوط نشده است.

ـ دانستن این مطلب که این وقت چنانکه در حدیث آمده است وقت تقسیم ارزاق بین مخلوقات است. هر کس به اندازه تلاش از آن بهره مند می شود.

ـ دانستن مقدار اجر ومزدی که در قبال زنده داشتن این وقت نصیب انسان می شود.

ـ به یاد داشتن اینکه بزرگان امت اسلامی سعی وتلاش بسیار در استفاده کردن از این وقت داشته اند. چنانچه از عمر بن عبدالعزیز نقل است که او همیشه این وقت را با عبادت می گذارند واگر روزی خواب بر او غلبه می کرد در حال گردش در صحن خانه اش، می گفت: چگونه این چشم می خوابد در حالی که نمی داند که جایگاه او بهشت است یا دوزخ.

ـ اهمیت نماز اشراق چنانچه در حدیث آمده است این نماز شکرانه نعمتهای خدا بحساب می آید. پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: هر صبح بر هر یک از مفصلهای بدن انسان صدقه ای

واجب می شود ولازم نیست صدقه حتماً پول یا غذا باشد بلکه اعمالی از قبیل سلام، امربه معروف ونهی از منکر، پاک سازی راهها وهمخوابی با همسر هر یک صدقه بحساب می آید. ودو رکعت نماز اشراق جای همه این اعمال را می گیرد.

الحديث السابع

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ رَجُلٌ اسْتُشْهِدَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتُشْهِدْتُ قَالَ كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ وَقَرَأَ الْقُرْآنَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْآنَ قَالَ كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ تَعَلَّمْتَ الْعِلْمَ لِيُقَالَ عَالِمٌ وَقَرَأْتَ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ هُوَ قَارِئٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ كُلِّهِ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلٍ تُحِبُّ أَنْ يُنْفَقَ فِيهَا إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ قَالَ كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيُقَالَ هُوَ جَوَادٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ ثُمَّ أُلْقِيَ فِي النَّارِ

حدیث هفتم

رسول خدا (ص) فرمودند: اولین نفری که روز قیامت مورد محاسبه قرار می گیرد مردی است که در راه خدا شهید شده است. او را می آورند ونعمتهای خدا را برایش یاد آوری می کنند. او نیز اقرار می کند که از آن نعمتها استفاده کرده است. خداوند می گوید: برای شکر این نعمتها چه کرده ای می گوید: در راه تو جهاد کردم تا شهید شدم خداوند می گوید: دروغ می گویی بلکه تو جهاد کردی تا مردم بگویند او شجاع وبا جرئت است. آنها نیز گفتند.

سپس دستور داده می شود تا او را در دوزخ اندازند. ومردی دیگر که علم وقرآن آموخته وآن را به مردم تعلیم داده، نعمتهای خدا باوگوشزد می شود او نیز آنها را بیاد می آورد خداوند می گوید: شکر این نعمتها را چگونه بجا آوردی؟ می گوید: علم آموختم وآن را تعلیم دادم وبخاطر تو قرآن خواندم خداوند می گوید: دروغ می گویی بلکه علم آموختی تا بگویند فلان عالم است وقرآن خواندی تا بگویند فلان قاری است واین نیز گفته شد. پس دستور داده می شود تا در جهنم انداخته شود.

ومرد دیگری که خداوند زندگی مرفه به او ارزانی داشته وانواع مال وثروت دنیا در اختیار او گذاشته، نعمتهای خدا باو یاد آوری می شود او نیز اقرار می کند خداوند می گوید: در قبال این نعمتها چه کردی می گوید: هیچ راهی از راه های خیر که انفاق کردن در آن را دوست داشتی نگذاشتم مگر اینکه در آن راه برای رضای تو انفاق نمودم خداوند می گوید دروغ می گویی بلکه این کار را کردی تا گفته شود سخاوتمند است واین هم گفته شد. پس دستور داده می شود تا در جهنم انداخته شود.[1]

شرح حدیث:

==========

(1) این حدیث را مسلم در کتاب الا ماره باب : من قاتل للریاء ... شماره 1905 از ابوهریره روایت کرده. ونسائي در کتاب الجهاد باب: من قاتل لیقال فلان جري آورده وامام احمد نیز در مسند خود آن را روایت کرده. شیخ عبدالبدیع صقر در مختار الحسن والصحیح شماره 2626 از ابي امامه روایت کرده وگفته این حدیث روایت بخاري است. این حدیث در شمار احادیث قدسي نیز وارد شده.

ارزش اعمال با کثرت وبزرگی آن تعیین نمی شود بلکه با دو معیار، اخلاص ومطابقت با روش الهی مورد ارزشیابی قرار میگیرد، خداوند در آیه آخر سوره کهف می فرماید:

﴿فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾﴾

الكهف: ١١٠

وکسی که خواهان ملاقات پروردگارش است. باید عمل شایسته انجام دهد ودر عبادت او احدی را شریک نسازد.

بنابر این اصل، چه بسیار اعمال بزرگی که خداوند بر آنها مهر بازگشت می زند وارزشی برای آنها قائل نمی شود، چون یا از عنصر اخلاص تهی است یا مطابق روش مورد تأیید خداوند انجام نگرفته، وچه بسا اعمال کمی است که مورد قبول خداوند قرار گرفته وصاحبانشان مورد تعریف وتأیید خداوند گشته ورضایت او را جلب نمایند. زیرا از دو عنصر اخلاص ومطابقت با روش خداوندی برخوردار بوده اند. حدیثی که اینک مورد بحث ماست از عاقبت و سرانجام سه گروه از مردم صحبت می کندکه با وجود ثبت اعمال بزرگی در نامه اعمال آنها باز هم روانه جهنم می گردند وهیچکس بداد آنها نمی رسد زیرا هدف آنها از انجام این اعمال جلب رضایت مردم بوده است.

گروه اول: افرادی که از صحت وعافیت برخوردار بوده اند ولازم بود تا با جانفشانی در راه خداوند این نعمت را سپاس گویند ولی شیطان راهی دیگر به آنها نشان داد وآنها هم حرف او را پذیرفتند. بلی آنها در میدان جنگ حاضر شدند وسخاوتمندانه جان شیرین خود را فدا کردند ودر این راه هدفی جز اینکه مردم آنها را

پهلوانان جنگاور بنامند وباین طریق شهره آفاق گردند ونامی نیکو کسب نمایند نداشتند. ولی این اسم وآوازه به چه کار می آید در صورتی که خداوند نیات آنها را ضبط می کند ودر روز قیامت با دقت وشدت آنها را مورد محاسبه قرار می دهد. خداوند محکمه عدالت وقضاوت را در روز قیامت باز می کند ونعمت خود را به این گروه یاد آوری نموده آنگاه می پرسد: در قبال این نعمتها چه کردید؟ آنها چون حقیقت را در می یابند وخود را بی یار ویاور می بینند می خواهند کرده خود را توجیه کنند وچنین وانمود کنند که کارهایشان فقط برای رضای خدا بوده آنجاست که خداوند آنها را رسوا می کند ومی گوید: دورغ می گویید بلکه شما جنگیدید وکشته شدید تا مردم به شما لقب شجاع بدهند وآنها نیز این لقب را به شما دادند واینک همانها گواه هستند پس هیچ راهی نمانده مگر اینکه با ذلت وحقارت داخل جهنم شوید. پس دستور خداوند صادر می گردد تا در جهنم انداخته شوند.

گروه دوم: افرادی هستند که خداوند آنها را به علم اندوزی وآموزش آن بین مردم وقرائت وفهم آن واستنباط احکام مفتخر ساخته ومناسب بود آنها برای شکرگزاری این نعمت هدف از علم را رضای خدا قرار می دادند ولی شیطان آنها را فریب داد تا علم را برای ریاء وکسب جاه ومقام در بین مردم بکار برند وآنها نیز راه شیطان را پیمودند. غافل از اینکه خداوند همه چیز حتی وسوسه ها قلبی آنها را می شمارد وفردای قیامت حقیقت اعمال آنها را آشکار می سازد وچون در درگاه خداوند حاضر می شوند حقایق فراموش شده یادشان می آید چنانچه خداوند می گوید:

﴿وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ ٤٧ وَبَدَا لَهُمۡ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٤٨﴾ الزمر: 47،48

واز جانب خداوند چیزهایی که هیچ گمان آن را نمی کردند ظاهر می شود و اعمال زشت آنها آشکار می گردد وآنچه را مورد تمسخر قرار می دادند برای آنها محقق می شود. »

خداوند از علمی که به آنها ارزانی داشته سوال می کند که چقدر به آن عمل کردند ودر چه هدفی بکار برده اند؟ آنها به گمان اینکه با دروغ می توانند از عذاب خداوند فرار کنند دست به دروغ زده می گویند: علم آموختیم وبدیگران آموزش دادیم وقرآن خواندیم فقط برای رضای تو. پس خداوند مشت آنها را باز میکند ومی گوید: آنها این کار را برای جلب رضایت و خشنودی مردم انجام دادند وبا ین مقصود خود نایل آمده اند واینک مردم گواه بر صدق این موضوع هستند. آن وقت چاره ای جز سکوت همراه با رسوایی وندامت ندارند پس خداوند دستور می دهد تا در آتش درآیند.

گروه سوم: افرادی هستند که خداوند انواع و اقسام مال را در اختیار آنها قرار داده ودنیا با اشاره وقدرت آنها حرکت می کند. وبر آنها بود که در قبال این نعمت بزرگ آن را در راه خیر جهت رضای خدا انفاق کنند ولی دنیا با زرق وبرق خود بر آنها خندید تا آن را برای اسم وآوازه خود خرج نمایند وچون این زندگی دنیا به پایان رسید وبا خدای خود روبرو گشتند خداوند آنها را مورد سؤال قرار داد که در قبال مالی که به شما ارزانی داشتم چه کردید و در چه هدفی خرج نمودید؟ آنها جواب می دهند که در همه راههائی که تو دوست داشتی خرجش کردیم وهدف ما هم از این انفاق رضای تو بود ولی خداوند آنها را تکذیب می کند، می گوید: بلکه آنها این کار را کرده اند تا به

آنها سخاوتمند گفته شود وهمچنین هم شد، واینک مردم گواه هستند. سپس دستور می دهد تا در آتش جهنم سرنگون شوند.

و به همین گونه آنها به جزای عملکردهای زشت خود می رسند وغیر از خدا هیچ یاوری نمی یابند.

در اینجا لازم است جهت روشن تر شدن موضوع عناوین ذیل را مورد بحث قرار دهیم.

ـ حقیقت ریاء چیست؟

ـ ضررهای ریاء کدام است؟

ـ اسباب وعللی که انسان را به ریاء مبتلامی سازد

ـ آیات واحادیثی در مذمت ریاء

ـ علامتها ونشانه های ریاء

ـ اسباب رهایی از ریاء

1ـ حقیقت ریاء:

اما حقیقت ریاء آن است که هدف از انجام هر عمل نیکو جلب خشنودی مردم باشد و به امید دست یافتن به نام نیک، شهرت وجاه ومقام صورت گرفته باشد.

2ـ آفت وضرر های ریاء:

بنابر آنچه گذشت ریاء یک خصلت بسیار مضر ومهلک است. زیرا شرک بحساب می آید ومفاسد شرک قرار زیر است.

1ـ شرک ظلم بزرگ است. چنانچه قرآن از قول لقمان چنین حکایت می کند: لقمان در وقت نصیحت کردن به فرزندش گفت: ای فرزند به خدا شرک نورز که همانا شرک ظلمی بزرگ است.

2ـ افتراء وگمراهی بزرگی است. چنانچه قرآن می گوید:

﴿وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ﴿٤٨﴾﴾ (۱)

وهر که برای خدا شریکی قایل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است .

ومی فرماید:

﴿وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١١٦﴾﴾ (۲)

هرکه برای خدا شریک قرار دهد، به راستی بسی گمراه گشته است.

3ـ اعمال را از بین می برد چنانچه خداوند می فرماید:

﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾﴾ (۳)

اگر شرک می ورزیدند: هر آنچه می کردند هدر می رفت.

﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾﴾ (٤)

اگر شرک ورزی کردارت هیچ ونابود می شود واز زیانکاران خواهی بود.

4ـ سبب ترس ودلهره قلبها می شود. همانگونه که خداوند میفرماید:

﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا﴾ (۵)

در دلهای کافران رعب وهراس خواهیم انداخت. از آنرو که چیز هایی را شریک خدا ساخته اند که خداوند دلیل وبرهانی به آن

==========

(1) سوره نساء: 48

(2) سوره نساء: 116

(3) سوره انعام: 88

(4) سوره زمر: 65

(1) سوره آل عمران: 151

فرونفرستاده است.

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ ﴾ (۱)

بی گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی آمرزد وپائین تر از آن را از هر کس که بخواهد می بخشد.

6ـ راه جنت را می بندد وراه جهنم را می گشاید.

﴿ إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ ﴾ (۲)

بیگمان هر کس شریکی برای خدا قرار دهد. خدا جنت را بر او حرام کرده است وجایگاه او آتش است.

3ـ اسباب وعللی که انسان را به ریاء مبتلاء می سازد :

(1) علاقه به ستایش مردم، شهرت طلبی وکسب تعریف وتمجید مردم.

(2) پرهیز از مذمت وخورده گیری مردم.

(3) امید به آنچه در دست مردم است.

دلیل این مدعا احادیث زیر است.

ابوموسی رضی الله عنه روایت می کند که یکی از روستائیان از پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم سوال کرد. مردی بخاطر احساسات قومی ومردی به منظور جاه ومقام ومردی برای اسم وآوازه می جنگند. کدام یک جهاد در راه خدا محسوب می شود. پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که برای اعلاء دین خدا به جنگد در راه خدا است.(۳)

==========

(2) سوره نساء: 116

(3) سوره مائده: 72

(1) این حدیث را امام بخاري در کتاب خمس، جهاد، توحید وعلم با عبارتهاي مختلفي آورده است. وامام مسلم در کتاب الا ماره با الفاظي نزدیك به عبارت بخاري ذکر

در حدیث دیگری رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرمایند: کسی که از جنگیدن هدفی جز زانوبند شتری را نداشته باشد فقط به همان هدف می رسد. (۱)

چنانچه ملاحظه می فرمایید حدیث اول دلیل سبب اول از اسباب ریاء وحدیث دوم دلیل سبب دوم از اسباب ریاء است. وآن بخش از حدیث که می فرماید: هر آنکس که از جنگیدن هدفی جز بدست آوردن زانوبند شتری نداشته باشد فقط به همان دست می یابد. دلیل سبب سوم ریاء می باشد.

4ـ احادیثی در مذمت ریاء

آیات واحادیث بسیار در مذمت ریاء آمده است که ماقسمتی از آن را قبلاً بیان کردیم واینک پاره ای از احادیث دیگر در این زمینه را ذکر می کنیم.

پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرمایند: کسی که ریاء کاری وشهرت طلبی نماید خداوند او را بدنام می گرداند. (۲)

همچنین پیامبر می فرمایند: بیشترین ترس من بر شما از شرک اصغر است. گفتند: شرک اصغر چیست ای رسول خدا؟ فرمودند ریاء روز قیامت چون بندگان جزاء داده می شوند خداوند به ریاکاران

==========

کرده است. همچنین امام ابوداود، امام ترمذي، امام نسائي وابن ماجه حدیث را در کتاب الجهاد آورده اند، امام احمد نیز در مسند خود حدیث را روایت کرده است.

(2) این حدیث را امام نسائي از عبادة بن الصامت در کتاب جهاد ودارمي نیز در کتاب جهاد روایت کرده اند، چنانچه امام احمد هم در مسند آن را ذکر کرده است.

(1) این حدیث را امام بخاري وامام مسلم وامام ترمذي وامام ابن ماجه وامام احمد روایت کرده اند.

می گوید: بروید پیش افرادی که در دنیا بخاطر آنها ریاء می کردید وجزای خود را از آنها در یافت نمائید. (۱)

در حدیثی دیگر رسول خدا می فرمایند: خداوند می فرماید: کسی که کاری بخاطر من انجام دهد ودیگری را هم با من شریک سازد من از آن بیزارم وتمام آن را به آن دیگری می دهم زیرا من از همه کس از شریک بی نیاز تر هستم. (۲)

5ـ نشانه ها وعلامتهای ریاء:

بعضی از نشانه های ریاء به قرار زیر است:

1ـ فرد ریاء کار در تنهایی تنبل ولی در جمع مردم چالاک وبانشاط است.

2ـ اگر کارش مورد تعریف وستایش مردم قرار گیرد آن را زیاد انجام می دهد. ولی اگر مورد خورده گیری ومذمت مردم قرار گیرد کم انجام می دهد.

حضرت علی رضی الله عنه می گوید: ریاء کار علامتهایی دارد که از آن جمله تنبلی در وقت تنهایی ونشاط در جمع است. وموقعی که عملش مورد تأیید وستایش مردم قرار گیرد به کثرت انجامش می دهد وچون مورد مذمت قرار گیرد در انجام دادن آن کوتاهی می کند. (۳)

6ـ وسائل رهایی از ریاء:

دانستن نکات ذیل به انسان در رهائی یافتن از ریاء کمک

==========

(2) این حدیث را امام احمد از محمودبن لبید روایت کرده است.

(3) حدیث را بن ماجه از ابي هریره روایت کرده است.

(1) این مطلب را امام غزالي در احیاء ذکر کرده است.

میکند.

1ـ اینکه بداند خداوند بر تمام حالات او آگاه است حتی آنچه را در دل پنهان می دارد نیز می داند. چناچه پیامبر خدا به ابوذر چنین وصیت می کند که ای اباذر کارت را بخوبی انجام ده زیرا ناقدش بسیار بینا است.

2ـ اینکه بداند اگر به ریاء کاری ادامه دهد بزودی حقیقت کارش در جلو خلائق در روز قیامت آشکار خواهد شد ورسوایی او در پی خواهد داشت.

3ـ وبداند افرادی که او بخاطر شان ریاء کاری می کند هرگز نفعی به او نخواهند رساند وعذابی را از او دور نخواهند کرد.

4ـ وبداند که ریاء عمل را باطل ساخته آن را بر باد می دهد.

5ـ وبداند که ریاء انسان را از بهشت محروم می کند وبرای همیشه گرفتار آتش می سازد.

توشه دعوتگران ومربیان :

از حدیث مذکور در می یابیم که:

1ـ دوری از ریاء چه کم باشد یا بسیار لازم است. تا خداوند رستگاری وکامیابی را در دنیا قرین اعمال ما بگرداند ونجات وپیروزی را در آخرت به ما عطا کند وبا رضایت ما را وارد بهشت گرداند. خصوصاً از ریاء در جهاد، نشر علم وانفاق پرهیز جدی ضرورت است.

2ـ فیصله وقضاوت در روز قیامت بسیار دقیق خواهد بود چنانچه خداوند می فرماید:

﴿ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْ أَحْصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُ ﴾ (۱)

روزی که خداوند همگان را زنده می گرداند وآنان را از کار هایی که کرده اند آگاه می سازد، کار هایی که ایشان آنها را فراموش کرده اند ولی خداوند آنها را شمارش کرده است.

﴿ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴾ (۲)

وپروردگار تو بر کسی ظلم نمی کند.

==========

(1) مجادله: 6

(2) کهف: 49

الحديث الثامن

خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا هَذَا الشِّرْكَ فَإِنَّهُ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ فَقَالَ لَهُ مَنْ شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقُولَ وَكَيْفَ نَتَّقِيهِ وَهُوَ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا نَعْلَمُهُ وَنَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا نَعْلَمُ [1]

حدیث هشتم

روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه ای ایراد نموده و فرمودند : ای مردم خود را از شرک نگهدارید، زیرا نفوذ شرک مخفی تر از آواز پای مورچه می باشد . کسی گفت : چگونه خود را از شر آن نجات دهیم در حالیکه مخفی تر از آواز پای مورچه میباشد ؟ فرمودند : بگویید : پروردگارا من از اینکه دانسته بتو شرک ورزم بتو پناه می برم واگر ندانسته مبتلا به شرک شوم از تو آموزش می طلبم

شرح حدیث:

اسلام تأکید زیاد دارد تا مسلمان عبادت خود را فقط برای خدای یگانه انجام دهد تا خداوند همیشه همراه ومؤید ویاور او باشد چنانچه خداوند می فرماید:

==========

(1) این حدیث با همین عبارت در فتح کبیر آمده است وامام احمد نیز در مسند آن را ذکر نموده است وعلامه آلباني در صحیح الجامع الصغیر به شماره 3625 از حضرت ابوبکر روایت کرده است.

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ ﴿١٢٨﴾ ﴾ (1)

بی گمان خدا همراه کسانی است که تقوی پیشه کنند وبا کسانی است که نیکوکار باشند.

﴿ وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٦٩﴾ ﴾ (2)

کسانی که برای ما به تلاش ایستند ودر راه ما جهاد کنند آنان را در راههای منتهی به خود رهنمود می گردانیم وقطعا خدا با نیکوکاران است.

به همین علت است که می بینیم خداوند با هر نوع شرک ومظاهر آن مخالفت می کند وآن را ظلم بزرگ قلمداد می نماید.

﴿ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ ﴿١٣﴾ ﴾ (3)

همانا شرک ظلم بزرگی است.

﴿ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٦٥﴾ ﴾ (4)

اگر شرک ورزی کردارت هیچ ونابود می شود واز ریاکاران خواهی بود.

﴿ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ﴿١١٦﴾ ﴾ (5)

وهر کس برای خدا شریک بگیرد به راستی بسی گمراه گشته است.

﴿ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا ﴿٤٨﴾ ﴾ (1)

==========

(1) سوره نحل: 128
(2) سوره عنکبوت: 69
(3) لقمان: 13
(4) سوره زمر: 65
(5) سوره نساء: 116

وهر که برای خدا شریکی قائل شود گناه بزرگی را مرتکب شده است.

در حقیقت شرک از نوع پوشیده وکوچک بیشترین خطر را برای انسان دارد زیرا مردم بر اثر غفلت وکوچک شمردن آن از دیگر انواع شرک بیشتر به آن مبتلا می شوند.

حدیث مورد بحث ما دعوتی آشکار به بیرون آمدن از نوع شرکی است که مخفیانه به قلبها سرایت می کند وآن را به فساد می کشد ومانند دزدی که در وقت خواب به خانه ای وارد می شود وکالای آن را غارت می کند. رهایی از دام این نوع شرک با پناه بردن به خدا وخواندن این دعا حاصل می شود.

« اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا نَعْلَمُهُ وَنَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا نَعْلَمُ »

شاید مناسب باشد در مورد زیر بیشتر بحث کنیم.

ـ مفهوم ومعنی شرک پوشیده واشکال مختلف آن.

ـ آیات واحادیثی در مذمت ورهایی از شرک.

1ـ مفهوم ومعنی شرک پوشیده واشکال مختلف آن :

شرک پوشیده عبارت از این است که انسان بعد از انجام مخلصانه کاری برای خدا. فریفته نیکوکاری خود شود وخواسته باشد بوسیله آن بهره ای از متاع دنیا را بدست آورد. این شرک که در اصطلاح فقه اسلامی معروف به شرک اصغر است اشکال مختلفی دارد که از آن جمله است.

1ـ اینکه انسان کار را فقط بخاطر خدا انجام دهد ولی موقعی

==========

(**1**) سوره نساء: **48**

که مردم بر کارش آگاهی یابند خوشحال شود واحساس راحتی وشادمانی کند. بعضی اوقات لذت شادمانی ناشی از این امور را قلباً ناپسند نداند، حتی ممکن است خودش نیز به نوعی مردم را بر کارش آگاه سازد آنهم با یک اشاره یا اظهار خستگی ورنگ صورت یا با آهسته صحبت کردن ونشان دادن خشکی لبها وآثار اشکهای چشم یا خمیازه کشیدن های پی در پی که هر یک از اینها نمایانگر عبادت مخصوص از جمله نماز تهجد است.

2ـ یا اینکه انسان کاری را خالصانه برای خدا انجام دهد ونخواسته باشد کسی از آن آگاهی حاصل کند ولی انتظارداشته باشد که مردم در وقت روبرو شدن با او بروی سلام کنند وبا گشاده رویی او را مورد احترام وتعریف وتمجید قرار دهند ودر خرید وفروش رعایت حال او را بنمایند ودر مجالس او را در جایگاه مخصوص بنشانند. و... واگر مردم در این کارها کوتاهی کنند قلباً ناراحت شود. گویا او می خواهد عمل خالصانه خود را با احترام متقابل مردم عوض کند. حضرت علی رضی الله عنه در این مورد میفرماید: خداوند در روز قیامت برای قاریان وحافظان قرآن میگوید آیا در معاملات برای شما تخفیف ویژه داده نمی شد؟ آیا مردم بر شما سلام نمی کردند؟ آیا نیاز هایتان برآورده نمی شد؟

2ـ احادیثی در مذمت وبیان خطر شرک اصغر :

شرک اصغر همانگونه که بیان شد نکوهیده وناپسند است واین احتمال وجود دارد که اعمال صالحه انسان را از بین ببرد. احادیث بسیاری در این زمینه وارد شده که مورد بحث ما یکی از آنها است وبرای توضیح بیشتر چند حدیثی دیگر نیز در اینجا ذکر می کنیم.

1ـ خطرناکترین شرک برای شما به نظر من شرک اصغر است.

گفتند شرک اصغر چیست ای رسول خدا؟ فرمودند: ریا. خداوند روز قیامت چون بین مردم فیصله کند به ریاکاران می گوید: بروید وببینید آیا نزد افرادی که به خاطر آنها ریاکاری می کردید مزدی خواهید یافت.

2ـ فرمودند: کمترین مقدار از ریاء شرک است. (۱)

3ـ فرمودند: از ریاء وشهوت پوشیده از هر چیز دیگر بر شما می ترسم .(۲)

توشه دعوتگران ومربیان :

1ـ لزوم رهایی از همه اشکال ریا چه بزرگ وچه پیدا وچه پنهان چون همه انواع آن شرک بحساب می آید وشرک اعمال را از بین می برد وآنرا بی خاصیت می سازد ورهائی از ریاء با پناه بردن به خدا وخواندن دعائی که در حدیث ذکر شد حاصل می شود.

2ـ فضیلت پناه جستن به خدا. زیرا پناه جستن به خدا انسان را از تنگناها وناراحتیها نجات می دهد وسنگری محکم برای بندگان در مقابل مکر شیطان است.

---

(1) این حدیث قسمتي از حدیثي در الفتح الکبیر از ابن عمر ومعاذ است.

(2) این حدیث را امام احمد از شدادبن اوس با الفاظي دیگر روایت کرده است.

الحديث التاسع

مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنَفِّذَهُ دَعَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يُخَيِّرَهُ فِي أَيِّ الْحُورِ شَاءَ

حدیث نهم

کسی که خشم خود را فرونشاند در حالی که توان اجرای آنرا داشته باشد خداوند در حضور تمام مخلوقات او را می طلبد تا هر یک از حور العین را خواسته باشد انتخاب کند وبه هر اندازه که خواسته باشد به ازدواج او در می آورد.(۱)

شرح حدیث:

خداوند انسان را از روح، عقل وجسم خلق کرده است وحکمت او خواسته تا جسم در خدمت روح باشد تا انسان بتواند تکالیف خود را انجام دهد.

به همین جهت جسم را بگونه ای آفریده که انسان تا وقتی در روی زمین است. صلاحیت خدمت روح را داشته باشد. وبر همین اساس دو نیروی مهم در آن بوجود آورده است.

1ـ نیروی شهوت: که وظیفه آن جلب مصالح ومنافع جسم

==========

(1) این حدیث را ابوداود از سهل بن معاذ واو از پدرش با اختلاف اندكي روایت کرده. ترمذي هم در سنن خود وهمچنین ابن ماجه در سننش وامام احمد در مسند آورده است وعلامه آلباني در صحيح الجامع الصغير به شماره 6394 از معاذ بن انس نقل کرده است.

است.

2ـ نیروی خشم: که وظیفه آن دفع ضررها ومفاسد مهلک از جسم است.

اعضاء وجوارح دیگر بدن در خدمت این دو نیرو است وعقل به عنوان مستشار ونصیحتگر روح به حساب می آید. تا اگر این دو نیرو منحرف واز حد خود بیرون روند به روح دستور می دهد تا موضع قاطع در قبال انحراف آنها اتخاذ کند تا انسان توازن وتکامل خود را از دست ندهد. ولی بعضی وقتها ممکن است به دلایل مختلف مانعی بر سر راه عقل عارض شود تا نتواند وظیفه خود را اداء کند. اینجاست که ضرورت وجود بر نامه ای که راه را بنمایاند وحق را از باطل جدا کند احساس می شود که بهترین راه حل در بر نامه اسلام دیده می شود. گویا وظیفه اسلام حفظ توازن وتعادل جوانب مختلف انسان است تا شخصیتش راست گشته دچار خلل وکجی نگردد.

حدیث مورد بحث ما نیز فراخوانی است به کنترل یکی از این دو نیرو آگاه که بدون دلیل موجه از حد اعتدال خود بیرون شود. بلی حدیث می خواهد تا از شدت خشم در موارد انتقام جویی وحقوق شخصی بکاهد وراه کاستن آن نیز بیاد آوردن اجر ومزدی است که انسان در قبال فرو بردن خشم با وجود قدرت بر اجراء آن در یافت می دارد وآن پاداش این است که در حضور تمام موجودات به او اختیار داده می شود تا به میل وعلاقه خود حوریان جنتی را به عنوان همسران همیشگی خود در جنت برین انتخاب کند. اکنون برای روشن تر شدن موضوع لازم است بدانیم فروبردن

خشم یعنی چه؟ ودر اسلام چه جایگاهی دارد؟

1ـ فرو بردن خشم:

فرو بردن خشم آن است که انسان خشم خود را کنترل کند واز اجرای آن به خاطر ترس از خداوند منصرف شود. به عبارت دیگر: صرف نظر از انتقام آن هم فقط به خاطر رضای خدا که اگر ترک انتقام به علت عدم توانایی باشد ویا بخاطر خدا نباشد انسان از اجر آن محروم می شود. زیرا در این صورت فرو بردن خشم به خاطر عجز یا ریاء بوده وریاء در هر کاری که داخل شود علاوه بر آنکه صاحبش را از ثواب کار محروم می گرداند گناهکار نیز می سازد.

2ـ جایگاه آن در اسلام:

فرو بردن وکنترل خشم در اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است وبه اندازه ای مورد پسند خدا می باشد که آن را از نشانه های پرهیزگاران قرار داده می فرماید:

﴿وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ١٣٣ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣٤﴾ [1]

وبه سوی آمرزش پروردگار تان وجنتی بشتابید وبر همدیگر پیشی گیرید که پهنای آن آسمانها وزمین است وبرای پرهیزگاران تهیّه دیده شده است.

ومی فرماید: کسانی که در حال خوشی وناخوشی وثروتمندی وتنگدستی به احسان وبذل وبخشش می پردازد وخشم خود را

---

(1) آل عمران: 132 . 134

فرومی خورند واز مردم گذشت می کنند. وخدا نیکوکاران را دوست می دارد.

﴿ وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿٦٣﴾ ﴾ (1)

وبندگان رحمان کسانی هستند که آرام روی زمین راه می روند وزمانی که نادانان ایشان را مورد خطاب قرار می دهند. از آنان روی می گردانند وبه ترک ایشان سلام می گویند.

وبرترین آفریده اش (حضرت محمد صلی الله علیه وسلم) را چنین دستور می دهد.

﴿ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ ﴾ (2)

گذشت داشته باش وآسانگیری کن وبه کار نیک دستور بده واز نادانان چشم پوشی کن.

﴿ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ ﴾ (3)

پس گذشت زیبایی داشته باش.

فرو بردن خشم را از کار های بزرگ به حساب می آورد.

﴿ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿٤٣﴾ ﴾ (4)

کسی که شکیبایی کند ودر گذرد این کار او از زمره کارهایی است که باید بر آن عزم را جزم کرد وبر آن ماندگار شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم انسان نیرومند کسی را می داند

==========

(1) فرقان: 63
(2) اعرف: 199
(3) حجر: 185
(4) شوري: 43

که هنگام خشم بتواند خود را کنترل کند ودر حدیثی چنین می فرماید: پهلوان کسی نیست که حریف خود را مغلوب سازد.(۱) بلکه پهلوان نیرومند کسی است که در حین خشم خود را کنترول نماید. و همچنان می فرماید: فروبردن خشم بزرگترین اجر را در پی خود دارد. در حدیث دیگری می فرماید: انسان مسلمان جرعه ای بهتر از خشم آنهم به خاطر خدا فرو نبرده است.(۲)

توشه دعوتگران ومربیان :

نکته قابل توجه در این حدیث فضیلت فرو بردن خشم است. زیرا انسان با فرو بردن خشم بر نفس خود غلبه می کند وکید شیطان را خنثی می کند ووحدت صف مؤمنان را حفظ می نماید. پس لازم است آنچه که انسان را در مسیر این وظیفه یاری می کند بیان گردد وما هم اکنون برخی از آنها را یاد آوری می کنیم.

1ـ بیاد داشتن پاداش اخروی آن. زیرا دانستن این مطلب آتش غضب را خاموش می کند وجلو انتقام جویی انسان را می گیرد.

2ـ ترس از عذاب خدا. باید شخص خشمگین با خود فکر کند که خدا بر من از من بر این فرد توانا تر است واگر من به مقتضی خشم خود عمل کنم شاید خداوند روز قیامت بر من خشم بگیرد. بنابر این من به گذشت نیازمند تر هستم. این یاد آوری هیجان

==========

(1) این حدیث را امام بخاري امام مسلم، امام مالك وامام احمد همگي از ابوهریره روایت کرده اند.

(2) این حدیث را ابن ماجه از ابن عمر در سنن خود به شماره 4189 روایت کرده است وامام احمد هم در مسندش آنرا اورده است.

خشم را فرو می نشاند.

3ـ یاد آوردن عواقب زشت خشم در دنیا. از جمله دشمنی وروگردانی انسانها از یکدیگر وپراکندگی مسلمانان که سبب می شود دشمن بر سر زمین آنها غلبه کند ومردم ومنطقه اجدادی آنها را به فساد کشاند.

4ـ بیاد آوردن هیأت زشتی که انسان در موقع خشم بخود می گیرد. زیرا او در این وقت به حیوان درنده ای می ماند. ودر مقابل در نظر گرفتن قیافه پیامبر گونه وعالمانه شخص بردبار وحلیم. تردیدی نیست که اگر ذرّه ای عقل در وجود انسان باقی باشد ظاهر شخص دوم را انتخاب می کند.

5ـ به یاد آوردن علت خشم که همان شیطان است. چون آن وقت است که انسان می کوشد با او به جهاد بر خیزد تا از حزب او نگردد که به فرموده خداوند حزب شیطان در زیانند.

6ـ پناه بردن به خدا از شر شیطان رجیم همراه با تغییر حالت با این معنی که اگر ایستاده باشد بنشیند واگر نشسته باشد دراز بکشد وبسوی وضو ونماز بشتابد. سلیمان بن صرد می گوید: با پیامبر نشسته بودیم ودو مرد در نزدیکی ما همدیگر را دشنام می دادند. یکی از آنها از شدت غضب صورتش سرخ شده ورگهایش بر آمده بود. پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: من کلمه ای می دانم که اگر آن شخص آنرا بگوید خشم او از بین می رود وآن کلمه اعوذ بالله من الشیطان الرجیم است. حاضران به او خبر دادند که پیامبرصلی الله

علیه وسلم تو را به تعوذ خواندن امر می کند. (۱)

روایت شده که هر وقت حضرت عائشه ناراحت می شد پیامبر خدا بینی او را می گرفتند ومی فرمودند بگو:

« اللَّهُمَّ رَبَّ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَأَذْهِبْ غَيْظَ قَلْبِي وَأَجِرْنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ مَا أَحْيَيْتَنَا » (۲)

ای پروردگار محمد گناهم را ببخش وخشمم را دور کن واز فتنه ها تا زنده میداریم نجاتم ده.

وفرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم: متوجه باشید خشم شعله ای است در قلب، آیا نمی بینید که چهرهء شخص خشمگین سرخ می شود ورگهای او ورم می کند. پس کسی که دچار خشم شد باید صورت خود را بر زمین گذارد. (۳) شاید مقصود پیامبر صلی الله علیه وسلم از گذاشتن صورت بر زمین سجده باشد تا با گذشتن عزیزترین عضو بر پست ترین جا، یعنی خاک، غرور وتکبر نفس شکسته شود.

ابوهریره رضی الله عنه فرمود: رسول خدا در موقع خشم اگر ایستاده بود می نشست واگر نشسته بود بر پهلو می خوابید تا خشم فرو بنشیند. نکته ای دیگر که از حدیث برداشت می شود تأکید بر تربیت بوسیله تشویق وجائزه است زیرا نفس انسان فطرتاً به نعمت وراحتی تمایل دارد واز سختی ومشقت گریزان است. پس چون مزد همراه با رضایت وبهشت خدا به او داده می شود از هر چیز که

==========

(1) این حدیث را بخاري، مسلم، ابوداود، ترمذي در کتابهایشان آورده اند.

(2) این حدیث در الفتح الکبیر آمده است.

(3) این حدیث قسمتي از حدیث است که ترمذي و احمد آنرا روایت کرده اند.

سبب دوری از این نعمتها بشود خود داری می کند.

الحديث العاشر

عنْ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَى رَجُلَانِ دُونَ الْآخَرِ حَتَّى تَخْتَلِطُوا بِالنَّاسِ أَجْلَ أَنْ يُحْزِنَهُ.

حدیث دهم

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر گاه سه نفر با هم بودید، دو نفر تنها از نفر سوم سر گوشی (نجوی) نکنند تا در جمع مردم در آیند، زیرا این کار فرد سوم را ناراحت می کند.(1)

شرح حدیث:

هدف اسلام وحدت کلمه همبستگی هر چه بیشترمیان مسلمانان است. تا نیرومند گردند وخاری در چشم دشمنان خود باشند. به این منظور با تمام انگیزه ها وعوامل جدایی وتفرقه شدیداً جنگیده وآن را مذمت کرده است. به همین علت گمان های بی مورد،

==========

(1)این حدیث را امام مسلم در کتاب السلام از ابن عمرو ابن مسعود روایت کرده است. وترمذي در سنن خود از ابن عمر وابي هریره وابن عباس نقل کرده وگفته: هذا حدیث حسن صحیح.

سیوطي در الجامع الصغیر حدیث را نقل کرده وامام احمد در مسند خود وامام بخاري ومسلم وترمذي وابن ماجه همگي از عبدالله بن مسعود روایت کرده اند. وصحت حدیث ثابت شده است.

جاسوسی، غیبت، حسد وبغض وکینه را حرام نموده. قرآن می فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ ١٢﴾ (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید که برخی از گمان ها گناه است وجاسوسی وپرده دری نکنید ویکی از دیگری غیبت ننماید: آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر خود را بخورد؟ یقین همه شما از خوردن گوشت خود مرده متنفرید واز خدا بترسید بی گمان خداوند بس توبه پذیر ومهربان است.

حدیث مورد بحث ما از مسلمانان می خواهد تا از خصلت ناپسندی دست بکشند که اصرار ورزیدن بر آن گمان های دروغین واوهام باطل را در میان شان پخش می سازد وبر اثر آن به تفرقه واختلاف دچار می شوند.

این حدیث ر گوشی دو نفر یا بیشتر را با هم وکنار گذاشتن یکی از همراهان را منع می کند چون امکان دارد آن فرد فکر کند دوستان وهمراهان نقشه قتل او را طرح می کنند یا به خاطر تحقیرش او را شریک صحبت خود نمی سازند پس غمگین می شود واز جماعت کناره گیری میکند واین چیزی است که اسلام آنرا رد می‌کند. در اینجا لازم است برای روشنتر شدن موضوع معنی در

==========

(1) حجرات: 12

گوشی وموضع اسلام را نسبت به آن بازگو کنیم وبا آیات واحادیث در این زمینه مسأله را روشن سازیم.

1ـ معنی سرگوشی وموضع اسلام نسبت به آن :

سرگوشی عبارت است از گفتگوی خصوصی واسلام آنرا بعنوان یکی از ضروریات زندگی بشر جایز شمرده، زیرا مردم نیاز دارند مسائل خصوصی خود را بدور از چشم وگوش شایعه پردازان ومفسدان مورد بحث وگفتگو قرار دهند. ولی اسلام بگونه ای این امر را تجویز کرده تا عواطف واحساسات مردم رعایت شود. وتفرقه واختلافی بوجود نیاید. بنابراین سفارش نموده موقعی که سه نفر بودید دو نفر با هم جدا از نفر سومی سرگوشی(نجوی) نکند بلکه باید صبر کند تا چهار نفر شوند ودو به دو با هم صحبت نمایند. زیرا امکان دارد شیطان فرد سوم را با وسوسه های خبیث خود غمگین سازد وبگوید: اینها می خواهند ترا بکشند ویا تحقیر ومسخره نمایند. بزرگان گذشته ما کاملاً این وصیت اسلام را رعایت می کردند. مثلاً عبدالله فرزند عمررضی الله عنه با مردی صحبت می کرد که فرد سومی نزدشان آمد. عبدالله صحبت را قطع کرد ونفر چهارمی را صدا کرد تا با شخص تازه وارد صحبت کند بعد به گفتگوی خود ادامه داد.

آیات واحادیث دیگر در این مورد

از جمله آیاتی که در مورد گفتگوی خصوصی (نجوی) آمده است آیه 9 و 10 سوره مجادله است:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَنَٰجَيۡتُمۡ فَلَا تَتَنَٰجَوۡاْ بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَمَعۡصِيَتِ

ٱلرَّسُولِ وَتَنَٰجَوۡاْ بِٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٩ إِنَّمَا ٱلنَّجۡوَىٰ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ لِيَحۡزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيۡسَ بِضَآرِّهِمۡ شَيۡـٔٗا إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٠

ای مؤمنان هنگامی که به نجوا پرداختید، برای انجام گناه و دشمنی و تعدی ونافرمانی از پیغمبر به نجوا نپردازید وبلکه در باره نیکی وپرهیزگاری نجوا کنید واز خدائی بترسید که در پیشگاه او گرد آورده می شوید. نجوا تنها از ناحیه اهریمن است ومی خواهد مؤمنان را غمگین واندوهناک سازد اما هیچ زمانی نمی تواند زیانی برای ایشان برساند مگر اینکه اجازه خدا در میان باشد. پس مؤمنان باید به خدا توکل کنند وبس.

وپیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: دو نفر تان جدای از نفر سوم در گوشی صحبت نکند زیرا این کار مؤمن را اذیت می کند وخدا اذیت مؤمن را دوست ندارد.

توشه دعوتگران ومربیان:

1ـ گفتگوی خصوصی دو نفر وکنار گذاشتن نفر سوم در جمع سه نفری حرام است. تا موقعی که نفر چهارمی پیدا شود وبا نفر سوم مشغول صحبت شود یا همگی به جمع مردم بپیوندند. واین مسئله به خاطر این است که گمانهای بد و وسوسه های باطل شخص سوم را بازیچه خود قرار ندهد وسبب تفرقه واختلاف نشود.

2ـ تأکید وعلاقه اسلام به برچیدن تمام اسباب تفرقه واختلاف تا مسلمانان امتی نیرومند گردند ودشمنان از آنها بترسند وبرایشان حساب باز کنند.

3ـ رعایت عواطف واحساسات مردم در اسلام. وراستی چرا اسلام چنین نباشد در حالی که قانون خداوند است واو خود می فرماید:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾﴾ (1)

آیا چه کسی برای افراد معتقد بهتر از خدا حکم می کند.

==========

(1) مائده: 50

الحديث الحادي عشر

عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ دِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ عَلَى دَابَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

حدیث یازدهم

رسول خدا فرمودند: بهترین پولی که انسان خرج می کند پولی است که بر اهل خانواده اش ویا بر سواریش در راه خدا ویا بر دوستان وهمراهانش در جهاد خرج می کند.(۱)

شرح حدیث:

اسلام به مال وثروت به عنوان پایه واساس زندگی می نگرد. به همین منظور برای جلوگیری از به هدر رفتن آن، راه های مختلفی جهت انفاق آن در نظر گرفته وبعضی از این راه ها را بر بعضی دیگر برتری داده که حدیث مورد بحث ما سه راه از بهترین راه های انفاق را در بر دارد.

راه اول: انفاق بر زیردستان وخویشاوندان نزدیک مانند زن، فرزند، والدین، خادم وامثال اینهاست. زیرا با انفاق بر اینها نیاز

==========

(1) این حدیث را امام مسلم در کتاب الزکاة به شماره 994 از حضرت ثوبان روایت کرده است وامام نووي به نقل از مسلم در ریاض الصالحین آورده است.

هایشان بر طرف می گردد واز تلف شدن آنها جلوگیری صورت می گیرد ودر ادای اوامر خدا نیرومند می گردند.

راه دوم: انفاق بر سواری ووسیله نقلیه تا صاحبش ودیگران را در راه خدا حمل کند. چون انفاق بر سواری به آن قوت وقدرت می بخشد تا راه خدا را استوار تر بپیماید ودر نتیجه پرچم اسلام در جهان باهتراز در آید.

راه سوم: انفاق بر همراهان ودوستان راه جهاد ودعوت زیرا این کار آنها را در رفع نیازمندی هایشان کمک می کند وآنان به یاری و تقویت صفوف مسلمانان ادامه می دهند.

احادیثی دیگر در این زمینه :

اولاً: احادیثی در بیان فضیلت انفاق بر اهل خانواده.

1ـ حضرت ابوهریره می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: از میان پول هایی که در راه خدا خرج می کنی یا در آزاد کردن برده ای یا کمک به بینوایی یا بر خانواده ات به مصرف می رسانی. بزرگترین پاداش به همان پولی تعلق می گیرد که بر خانواده ات خرج کنی.[1]

2ـ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به سعدبن ابی وقاص می گفتند: تو هرگز چیزی را جهت رضای خدا خرج نمی کنی مگر اینکه جزای نیکوی آن را می بینی حتی آنچه در دهان همسرت می

---

(1) این حدیث را امام مسلم در کتاب الزکاة به شماره 995 وامام احمد در مسند خود با همین الفاظ روایت کرده ودر الفتح الکبیر نیز آمده است.

گذاری.[1]

3ـ ابی مسعود بدری رضی الله عنهاز پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل می کند که ایشان می فرمودند: چون انسان در انفاق بر خانواده اش رضایت وخشنودی الله تعالی وثواب او را اراده کند خرج کردن او صدقه به حساب می آید.[2]

4ـ عبدالله فرزند عمرو العاص رضی الله عنه گفت که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: برای اینکه انسان گناهکار بحساب آید کافی است که سبب تلف شدن زیردستان خود گردد.[3]

ثانیاً: فضیلت انفاق بر وسیله نقلیه در راه خدا.

1ـ سهل بن حنظلیه می گوید: رسول خدا فرمودند: خیر وبرکت تا روز قیامت در پیشانی اسپ ثبت شده وصاحبان آن همیشه مورد کمک حق قرار می گیرند وکسی که اسپی را در راه خدا نگهداری کند و خوردنی اش را بدهد مانند کسی است که همیشه به انفاق کردن مشغول است.[4]

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیده است که ایشان می فرمودند: کسی که بخاطر ایمان به خدا وتصدیق وعدهاش اسبی را در راه او نگهداری کند آذوقه، خوراک وپس

==========

(2) این حدیث را امام بخاري ومسلم و مالك در جاهاي مختلفي روایت کرده اند.

(1) این حدیث را امام بخاري ومسلم در صحیح بخاري ومسلم وامام نسائي ودارمي در سنن وامام احمد در مسندش آورده اند.

(2) این حدیث را امام مسلم، ابوداود وامام احمد روایت کرده اند. عبارت مسلم چنین است: کفي بالمرء اثماً ان یحبس عمن یملك قوته.

(3) این حدیث را با این الفاظ در جائي دیگر نیافتم.

افکنده اش در میزان اعمالش در آخرت به حساب می آید.[1]

ثالثاً: احادیثی در فضیلت انفاق بر همراهان جهادی.

1ـ ابی سعد گفت که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر مسلمانی که برهنه ای را لباس بپوشاند خداوند از لباس های جنت او را می پوشاند. وهر مسلمانی که مسلمان گرسنه ای را سیر کند. خداوند از میوه های جنت او را می خوراند. وهر مسلمانی که تشنه ای را آب دهد خداوند از رحیق مختوم او را سیر آب می کند.[2]

2ـ حمید الطویل می گوید: جمعی از دوستان انس بن مالک به عیادتش رفتند. انس گفت: ای کنیز از مهمانان پذیرایی کن اگر با تکه نانی باشد که من از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: محاسن اخلاق از اعمال بهشت است.[3]

3ـ حمزه فرزند صهیب می گوید: پدرم غذا هایی بسیار به مردم می داد. حضرت عمر گفت: ای صهیب تو با این کارت اسراف می کنی. صهیب گفت: من از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می گفت: بهترین شما کسی است که مردم را طعام دهد وسلام را جواب گوید.[4] علت کار من این حدیث است.

4ـ حضرت علی می گوید: برای من از اینکه به بازار بروم وبردگانی را خریداری کرده آزاد نمایم. بهتر است تا گروهی از

==========

(4) این حدیث را امام بخاري ونسائي وامام احمد روایت کرده اند.

(1) این حدیث را امام ابوداود، ترمذي واحمد روایت کرده اند..

(2) این حدیث در الفتح الکبیر آمده است.

(3) این حدیث را امام احمد در مسندش روایت کرده است.

دوستان خود را غذا دهم.[1]

توشه دعوتگران ومربیان

1ـ توجه اسلام به مال و هراساندن از خرج کردن آن، مگر در راه های مفید زیرا مال شاهرگ اصلی زندگی محسوب می شود.

2ـ انفاق بر اهل خانواده بهترین راهی است که مسلمان مالش را صرف کند زیرا این کار از تلف شدن آنها جلوگیری می کند ودر عبادت نیرومندشان می سازد.

3ـ انفاق بر مرکر سواری که انسان را در ادامه دادن جهاد در راه خدا کمک می کند از بهترین راههای مصرف کردن مال بحساب می آید.

4ـ انفاق بر یاران ودوستان که قانون خدا را محکم واستوار گرفته اند از بهترین راههای انفاق شمرده می شود. زیرا این کار قلبها را بهم نزدیک وصفوف مسلمانان را قوی ومحکم می کند بگونه ای که طوفانهای شدید تأثیری بر آنان ندارد.

==========

(4) همین حدیث را بخاري در الادب المفرد نقل کرده.

الحديث الثاني عشر

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: قال الله تعالي: حَقَّتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ وَحَقَّتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَبَاذِلِينَ فِيَّ وَحَقَّتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَزَاوِرِينَ فِيَّ وَالْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ يغبطهم بمكانهم النبيون والصديقون والشهداء. (١)

حديث دوازدهم

رسول خدا فرمود: خداوند فرموده است: محبت من برای افرادی که همدیگر را به خاطر من دوست می دارند وافرادی که صله رحم را رعایت می کنند وبه خاطر من خیر خواه همدیگر هستند وهمچنین کسانی که به همدیگر بخشش می نمایند واجب است. افرادی که به خاطر من دوستی می کنند بر منبر هایی از نور می نشینند که پیامبران وصدیقان وشهداء بر منزلت آنها رشک می برند.

شرح حدیث:

1) خداوند از ازل دانسته که امکان ندارد قوانین او در زمین پیاده شود وبر نامه اش بر برنامه های دیگر برتری یابد مگر به وسیلهء برخی از مردم که احکام ودستوراتش را در میان خود انجام دهند سپس به بقیه مردم برسانند و علیه مکر وتلاش مخالفان جهاد

==========

(1) این حدیث را امام احمد وامام مالك از معاذبن جبل با این لفظ روایت کرده اند: وجبت محبتي للمتحابين في والمتجالسين في. والمتزاورين في والمتباذلين في.

نمایند. بدین وسیله خداوند پاره ای از احکام را به هدف توحید کلمه وبهم پیوستگی قلوب وجماعت مسلمانان در نظر گرفته است. حدیث مورد بحث ما چهار خصلت از این خصلتها را بیان می کند. وبا توضیح منزلت رفیع آن در اسلام مردم را به مسابقه در این میادین تشویق و ترغیب می نماید.

1ـ دوستی با یکدیگر به خاطر خدا.

2ـ حفظ پیوند خویشاوندی به خاطر خدا.

3ـ خیر خواهی ونصیحت دیگران به خاطر خدا.

4ـ بذل وبخشش بر یکدیگر به خاطر خدا.

اینک احادیثی در هر یک از این موارد تقدیم می گردد.

اولاً: احادیثی در فضیلت دوستی با یکدیگر به خاطر خدا

1) حضرت انس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند سه چیز است که اگر در وجود شخصی پیدا شود شیرینی ایمان را می چشد:

اول اینکه خدا ورسولش برای او از هر کس وهر چیز دیگر دوست داشته باشد.

دوم اینکه دوستی او با افراد فقط برای خدا باشد. سوم اینکه برگشت به کفر برای او همچون افتادن در آتش ناپسند باشد.[1]

2) حضرت ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر خدا صلی الله علیه

==========

(1) این حدیث را امام بخاري، امام مسلم، ترمذي، نسائي، ابن ماجه وامام احمد روایت کرده اند.

وسلم نقل می کند که فرمودند: هفت نفر را خداوند در روزی که جز سایه عرش او سایه ای نباشد در سایه عرش خود جای می دهد.

1. امام عادل 2. جوانی که در عبادت خدا بزرگ شده 3. مردی که دل داده مساجد است 4. دو نفر به خاطر خدا همدیگر را دوست دارند وملاقات وجدائی آنها فقط بخاطر خداست.

5. مردی که زن زیبائی او را به فحشا دعوت کند ولی او بگوید من از خدا می ترسم.

6. مردی که چنان انفاق کند که دست چپش از آنچه دست راستش می دهد خبرنشود.

7. مردی که در تنهایی به خاطر خدا گریه کند.[1]

3) همچنین ابوهریره می گوید که پیامبر خداصلی الله علیه وسلم فرمود: خداوند در روز قیامت می گوید: کجایند آنانی که بخاطر من با همدیگر دوستی کردند. امروز که هیچ سایه بانی نیست آنان را در سایه عرش خود جای می دهم.[2]

ثانیاً: احادیثی در فضیلت رعایت پیوند خویشاوندی

1ـ حضرت ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر رضی الله عنه نقل می کند که فرمودند: مردی خواست به زیارت دوست وبرادر خود برود خدا فرشته ای را بر سر راهش فرستاد. چون آن فرد بر فرشته گذر کرد فرشته گفت: به کجا می روی گفت: می خواهم به دیدار

==========

(1) این حدیث را امام بخاري، مسلم، ترمذي، نسائي، مالك وامام احمد روایت کرده اند.

(2) این حدیث را امام مسلم، دارمي، مالك وامام احمد روایت کرده اند.

برادرم در این قریه بروم گفت: آیا از او قرض یا طلبی داری؟ گفت: نه. تنها علت سفر من این است که او را بخاطر خدا دوست دارم. آنگاه فرشته گفت: من هم فرستاده خدا هستم آمده ام تا به تو بگویم همانگونه که تو او را دوست می داری خداوند هم تو را دوست دارد.(۱)

2ـ همچنین ابوهریره رضی الله عنه می گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که مریضی یا برادری را بخاطر خدا زیارت کند از جانب خدا به او گفته می شود: نیکو گشتی وقدم هایت نیز نیکو گشت ودر سرای جنت جای گرفتی.(۲)

3ـ حضرت انس رضی الله عنه می گوید: که حضرت ابوبکر رضی الله عنه به حضرت عمر رضی الله عنه گفت: بیا تا به ملاقات ام ایمن برویم چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از وفاتش او را ملاقات می کرد. چون نزد او رفتند، گریه کرد. گفتند: چرا گریه می کنی؟ آیا نمی دانی آنچه نزد خدا است برای پیامبر از هر چیز بهتر است؟ گفت: گریه بخاطر عدم آگاهی از این موضوع نیست بلکه گریه من بخاطر انقطاع وحی است. این گفته ام ایمن حضرت ابوبکر وعمر را نیز به گریه انداخت.(۳)

==========

(1) این حدیث را امام مسلم وامام احمد روایت کرده اند.

(2) این حدیث را ترمذي، ابن ماجه وامام احمد روایت کرده اند.

(3) امام مسلم وابن ماجه این حدیث را روایت کرده اند.

ثالثاً: احادیثی در فضیلت خیرخواهی به خاطر خدا.

1ـ تمیم فرزند اوس رضی الله عنه از پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم نقل می کند که فرمودند: همه دین خیر خواهی است گفتیم: برای چه کسی؟ فرمودند: برای خدا وکتاب ورسولش وبرای خلفاء مسلمین وعموم آنها. (۱)

2ـ علقمه از رسول خدا صلی الله علیه وسلم نقل می کند که فرمودند: چرا اقوامی همسایه های خود را فقه وعلم نمی آموزند وآنها را نصیحت وامر به معروف ونهی از منکر نمی کنند وچرا اقوامی از همسایه های خود علم وفقه را نمی آموزند ونصیحت آنها را نمی شنوند. به خدا قسم باید اقوامی این مسائل را به همسایه های خود بیاموزند واقوامی از همسایه های خود این مسائل را یاد بگیرند واگر نه بزودی آنها را تنبیه خواهم کرد. سپس از منبر پائین آمدند مردم از همدیگر پرسیدند منظور پیامبر صلی الله علیه وسلم چه کسانی بود. بعضیها گفتند هدف پیامبر صلی الله علیه وسلم اشعریها بود که قومی دانا وفقیه هستند وهمسایه های روستایی ونادان دارند.

چون خبر به اشعریها رسید پیش رسول خدا صلی الله علیه وسلم آمدند وگفتند: علت چه بود که اقوامی را به نیکی یاد کردید وما را به بدی. پیامبر دوباره گفته های خود را (۲) تکرار کرد. اشعریها گفتند: ای رسول خدا آیا دیگران را نصیحت کنیم؟ برای بار سوم پیامبر گفته های خود را تکرار کردند. آنگاه اشعریها گفتند: برای ما

==========

(1) این حدیث را امام مسلم، ابوداود، ترمذي، نسائي، دارمي وامام احمد روایت کرده اند.

(2) امام مسلم وابن ماجه این حدیث را روایت کرده اند.

یک سال مهلت بده رسول خدا آنها را مهلت داد. آنها در مدت یک سال مشغول آموزش همسایه های خود شدند. آنگاه پیامبر خدا این آیه را تلاوت کرد: کافران از بنی اسرائیل بر زبان داود وعیسی فرزند مریم نفرین شدند زیرا نافرمانی وتجاوز می کردند وهمدیگر را از کار های زشتی که انجام می دادند منع نمی کردند.(۱)

در مورد چهارم یعنی بذل وبخشش در راه خدا در حدیث گذشته به اندازه کافی توضیح دادیم که نیاز به تکرار آن نیست.

توشه دعوتگران ومربیان

1) ضرورت دوستی، رعایت پیوند خویشاوندی، نصیحت، خیر خواهی، بذل وبخشش با همدیگر برای رضای خدا. زیرا این امور صف مسلمانان را قوت ووحدت می بخشد وقلبهای آنها را بهم نزدیک می کند که خود بهترین وضروری ترین مسأله برای مسلمانان است.

رعایت موارد ذیل ما را در اجرای این فرامین یاری می کند.

1ـ به یاد داشتن اینکه هر یک از این موارد محبت ورضای خدا را بدنبال دارد.

2ـ بیاد داشتن اینکه هر یک از این موارد پیوستگی ووحدت مسلمانان را حفظ می کند ودر بین آنها الفت ایجاد می نماید تا مسلمانان خار چشم دشمنان گردند وعظمت از دست رفته خود را

==========

(1) این حدیث را طبراني روایت کرده ودر سندش بکیربن معروف است که بخاري، احمد وابن عدي او را تأئید کرده اند.

باز یابند.

3ـ اطلاع از تاریخ گذشتگان صالح امت اسلامی وروش زندگی آنها خصوصاً در موارد مذکور تا انسان را در اقتداء به آنها یاری کند.

2) علاقه پیامبر صلی الله علیه وسلم به اینکه بهتر است انسان در اجتماع مسلمانان زندگی کند تا منفعت وتأثیری بر دیگران داشته باشد. زیرا انسان در تنهائی هر چند صالح وپرهیزگار باشد خیر او محدود به خود اوست چون بقول معروف از یک دست صدا برنخیزد. خدا به حضرت علی خیر دهد که می گوید: آلودگی اجتماع از پاکی فرد بهتر است. خدا عبدالله بن مبارک را جزا دهد که فرمودند: اگر جماعت نمی بود ما هیچ راهی را پیش نمی بردیم وضعیف ما خوراک قوی می شد.

الحديث الثالث عشر

قال رسول الله صلي عليه وسلم: ما من ذنب أجدر ان يعجّل الله تعالي لصاحبه العقوبه في الدنيا ما يدّخره له في الاخرة من قطيعة الرحم والخيانة والكذب. وانّ أعجل الطاعة ثوابا لصلة الرحم. حتي انّ اهل البيت ليكونوا فجرة. فتنموا اموالهم ويكثر عددهم أذا تواصلوا.

حدیث سیزدهم

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: هیچ گناهی که خداوند عقوبت آنرا در دنیا قبل از آخرت نازل کند مناسب تر از قطع پیوند خویشاوندی وخیانت ودروغ نیست. وهیچ طاعتی که خداوند جزای آنرا در دنیا قبل از آخرت بدهد از حفظ پیوند خویشاوندی مناسب تر نیست حتی امکان دارد یک خانواده فاسد بر اثر رعایت این دستور از برکات خدا در جان ومالشان بر خوردار گردند.[1]

شرح حدیث:

واقعیت زندگی بشر بر این مسأله تأکید دارد انسان تا وقتی امنیت جانی ومالی وحقوقی نداشته باشد برایش ممکن نخواهد بود

==========

(1) ابوداود این حدیث را از ابي بكرة این گونه روایت کرده: ما من ذنب اجد رأن يعجل الله تعالي لصاحبه العقوبة في الدنيا ما يدخرله في الا خرة مثل البغي وقطيعة الرحم.

امام بخاري در الادب المفرد وعلامه اَلباني هم در صحيح الجامع الصغير با عباراتي نزديك به عبارت ابو داود حدیث را از ابي بكره روایت کرده اند.

وظایف خود را بخوبی انجام دهد. همچنین این واقعیت مسلم است که اهداف متعالی وبزرگ را انسان با کوشش های انفرادی نمی تواند بدست آورد بلکه باید به صورت دسته جمعی با قلب های متحد ودست های بهم گره خورده به این اهداف نایل آید. اسلام مبادی ودستوراتی دارد که موضع آن را در قبال این دو واقعیت آشکار می کند وصحت آنرا تأکید می نماید. از آن جمله دستوراتی در زمینه رعایت پیوند خویشاوندی، امانتداری وراستگویی است. زیرا نتیجه صله رحم بهم پیوستگی وانسجام گروه وقبیله است. که این خود یکی از اسباب بزرگ وحدت جماعت مسلمانان است. وصداقت وامانت نیز امنیت جانی، مالی وحقوقی انسان را در بر دارد وسبب می شود انسان وظایف خود را بخوبی انجام دهد. حدیثی که هم اکنون در صدد شرح وتوضیح آن هستیم تصویری دقیق از عاقبت کوتاهی در این مسایل را به دست می دهد. چنانچه، با دقت نتیجه رعایت پیوند خویشاوندی را در دنیا نشان می دهد. حدیث بیان می کند که گناه قطع صله رحم خیانت ودروغ مناسب ترین گناهانی است که خداوند علاوه بر عذاب آخرت در دنیا هر چه زودتر صاحبانش را عقوبت می کند. چنانچه رعایت صله رحم بهترین طاعتی است که انسان ثوابش را در دنیا در یافت نماید حتی امکان دارد خانواده ای فاسد باشند ولی با رعایت این امر مهم خداوند در مال ونسل آنها برکت دهد.

اینجا مناسب است در موارد ذیل صحبت کنیم.

اولاً: معنی ومفهوم صلهٔ رحم در حدیث وچگونگی رعایت آن

رحم در اصل به معنی جایی است که جنین در آنجا قرار دارد و جایگاهش شکم مادر است ، چنانچه خداوند می گوید.

﴿ ٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَحۡمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ ٱلۡأَرۡحَامُ وَمَا تَزۡدَادُۖ وَكُلُّ شَيۡءٍ عِندَهُۥ بِمِقۡدَارٍ ٨ ﴾ (1)

خدا می داند که هر زنی چه چیز حمل می کند ومی داند که رحمها از چه چیزی می کاهند وبر چه چیز می افزایند وهر چیز در نزد او به مقدار ومیزان است.

﴿ وَنُقِرُّ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ﴾ (2)

ما جنین هایی را که بخواهیم تا زمان خود در رحمها نگاه میداریم.

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ ﴾ (3)

آگاهی از فرا رسیدن قیامت ویژه خد است واو است که باران را می باراند و میداند از آنچه در رحمهاست.

ولی اکنون گاهی بر همه خویشاوندانی اطلاق می شود که انسان از راه نسب با آنها پیوند می خورد وگاهی بر کسانی بکار برده می شود که ازدواج با آنها حرام است اما آنچه منظور حدیث است معنای اول می باشد. زیرا این معنی با برنامه اسلام در نزدیک کردن قلبها وپیوند دادن آن بگونه ای که مسلمانان مانند یک جسم باشند که اگر یکی از اعضای آن مریض شود اعضای دیگر خواب به چشم راه نمی دهند موافقت دارد. وهمچنین این حدیث پیامبر که در

==========

(1) سوره رعد: 8

(2) سوره حج:5

(3) لقمان: 34

باره اهل مصر گفت: آنها از حقوق اهل ذمه وخویشاوندی بر خوردارند [1] واین گفته پیامبر رضی الله عنه که بهترین کار نیکو آن است که انسان با دوستان پدرش رابطه دوستی را حفظ کند [2] معنی اول را تأیید می کند اما چه وقت انسان صله رحم را رعایت کرده؟ پیوند خویشاوندی ازبکاربرد امور ذیل تحقق می پذیرد:

این مسأله با در نظر گرفتن موقعیت، زمان، مکان وافراد صورتهای مختلفی بخود می گیرد، مثلاً اگر انسان در میان خویشاوندان است با هدیه دادن صله رحم را رعایت می کند واگر مالی نداشت یا آنها احتیاج نداشتند با زیارت آنها ومشارکت در کار های آنها در صورت نیاز این وظیفه را انجام می دهد ولی اگر از خویشاوندان خود دور است با ارسال نامه وتلیفون می تواند این وظیفه را انجام دهد ولی اگر به ملاقات برود بهتر است این از حقوق عموم خویشاوندان است اما پدر حقوق بخصوصی دارد که در آنجا ذکر می شود.

1ـ در صورت احتیاج باید او را غذا داد.

2ـ در صورت نیاز باید به او لباس داد.

3ـ درصورت احتیاج به خدمت باید او را خدمت کرد.

4ـ چون پدر او را بطلبد حاضر به خدمت باشد.

5ـ موقعی که به او درکار ثواب وجائزی دستور داد، اطاعت کند.

6ـ بانرمی وآرامی با او سخن بگوید.

==========

(1) این حدیث را امام مسلم وامام احمد روایت کرده اند.

(2) این حدیث جزئي از حدیث عبدالله بن عمر است که امام مسلم روایت کرده همچنین ابوداود وترمذي وامام احمد روایت کرده است.

7ـ او را به نام صدا نکند بلکه بگوید پدرم.

8ـ او را دشنام ندهد یا سبب دشنام دادن او نگردد.

9ـ پیش از وی راه نرود وقبل از او ننشیند.

10ـ هر چه برای خود می پسندد برای او نیز بپسندد وهرچه برای خود ناپسند می داند برای او نیز ناپسند بدارد.

11ـ برای او طلب مغفرت ورحمت کند چنانچه برای خود می طلبد.

12ـ دوستان وافرادی را که به جز از راه پدر امکان پیوند با آنها نیست اکرام کند.

ثانیاً: آیات واحادیثی در مورد گناه قطع پیوند خویشاوندی

1ـ خداوند می فرماید:

﴿ وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ٢٥ ﴾ [1]

واما کسانی که پیمان خدا را می شکنند که با ایشان بسته است، وپیوندی را می گسلانند که خدا به حفظ ونگهداشت آن دستور داده است ودر روی زمین به فساد وتباهی می پردازند نفرین بهرهء ایشان است وپایان بد جهان از آنان است.

2ـ ودر حدیثی پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: قاطع رحم داخل بهشت نمی شود [2] ومی فرماید: رحم به عرش معلق است ومی گوید: کسی که من را وصل کند خدا او را با خود پیوند

---

(1) سوره رعد: 25

(1) این حدیث را بخاري، ابوداود، ترمذي وامام احمد روایت کرده است.

می دهد وکسی که من را قطع کند خدا با او قطع رابطه می کند.[1] ودر حدیث دیگر می فرماید: چون خداوند از آفریدن مخلوقات فارغ شد رحم بلند شد وگفت: اینجا جای پناه جوینده به تو از قطع رحم است خداوند فرمود: بلی آیا راضی می شوی که هر کس تو را وصل کند من هم رابطه ام را با او حفظ کنم وهر کس تو را قطع کند با او قطع رابطه کنم. رحم گفت: بلی آنگاه خداوند فرمود: این از آن تو. در اینجا پیامبر فرمود: اگر می خواهید این آیه را بخوانید:

﴿ فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ٢٢ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ٢٣ ﴾[2]

آیا اگر روگردان شوید جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید وپیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید؟

آنان کسانی اند که خداوند ایشان را نفرین واز رحمت خویش بدور داشته است. لذا گوشهایشان را کر وچشمانشان را کور کرده است.

ثالثاً: آیات واحادیثی در مورد گناه خیانت

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡخَآئِنِينَ ٥٨ ﴾[3]

همانا خداوند خائنان را دوست ندارد.

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٖ كَفُورٍ ٣٨ ﴾[4]

مسلماً خداوند خیانت پیشگان کافر را دوست نمی دارد.

---

(2) این حدیث را امام مسلم از حضرت عائشه روایت کرده است.

(3) این حدیث را بخاري، مسلم وامام احمد روایت کرده است.

(4) انفال: 58

(1) حج: 38

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿١٠٧﴾﴾ [1]

همانا خداوند دوست ندارد کسی را که خیانت پیشه وگناهکار باشد.

پیامبر می فرماید: نشانهء منافق سه چیز است. چون سخن بگوید دروغ میگوید وچون وعده دهد خلاف می کند وچون امانتی به او داده شود خیانتش می کند. [2]

رابعاً: احادیثی در مورد گناه دروغ

ـ پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: همانا راستگویی به نیکی ونیکی به جنت راهنمایی می کند وشخص بر اثر راست گفتن زیاد، نزد خدا صدیق می شود. ودروغ انسان را به سوی کار های زشت می کشد وکار های زشت به آتش وشخص بر اثر دروغگویی زیاد، نزد خدا کذّاب می شود.[3]

ـ چهار خصلت است که اگر در وجود کسی باشد منافق خالص خواهد بود واگر یکی از آنها در وجود او باشد به نفاق آلوده خواهد بود تا از آن دست بکشد وآن چهار چیز به قرار ذیل هستند 1.چون امانتی به او داده شود خیانت می کند 2. چون صحبت کند دورغ می گوید 3. چون مخاصمه کند فحش گویی می کند 4 چون

==========

(2) نساء: 107

(3) این حدیث را بخاري از ابي هریره ومسلم، ترمذي،نسائي وامام احمد روایت کرده است.

(4) این حدیث را بخاري از عبدالله بن مسعود وامام مسلم، ابوداود، ترمذي وامام احمد روایت کرده است.

عهد کند پیمان شکند. [1]

توشه دعوتگران ومربیان

1ـ ضرورت دوری گزیدن از همه گناهان خصوصاً قطع صله رحم وخیانت ودروغ زیرا این گناهان علاوه بر عذاب آخرت زندگی را فاسد وتنگ می کنند وسبب اضطراب وپریشانی خاطر می شود. چنانچه خداوند می فرماید:

﴿ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ١١٢ ﴾ [2]

خداوند مردمان شهری را مثل می زند که در امن وامان بسر می بردند واز هر طرف روزیشان بگونه فراوان به سویشان سرازیر می شد اما آنان کفران نعمت کردند وخداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی وهراس را بدیشان چشانید.

2ـ صله رحم سبب رشد مال وکثرت فرزندان می شود حتی اگر اهل خانواده فاسد باشند همچنین فواید دیگری مثل برکت در عمر وکسب ثنا را نیز در بر دارد که این مطلب در احادیث دیگر آمده است.

3ـ عظمت اسلام. چون آداب وقوانینی دارد که امنیت جانی ومالی وحقوقی انسان را تضمین می کند وبه وحدت وانسجام

==========

(1) این حدیث را بخاري از عبدالله بن محمود روایت کرده چنانچه امام مسلم وابوداود ترمذي ونسائي وامام احمد هم این حدیث را روایت کرده اند.

(2) النحل : 112

مسلمین قوت می بخشد.

الحديث الرابع عشر

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ لَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ الزَّقُّومِ قُطِرَتْ فِي دَارِ الدُّنْيَا لَأَفْسَدَتْ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا مَعَايِشَهُمْ فَكَيْفَ بِمَنْ يَكُونُ طَعَامَهُ

حدیث چهاردهم

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که رسول خدا فرمودند: اگر یک قطره از زقوم بر زمین بیفتد زندگی انسان ها را به تباهی خواهد کشید، پس حال کسانی که زقوم غذای همیشگی آنها است چه خواهد بود.[1]

شرح حدیث:

انگیزه کار خیر از یک فرد تا فرد دیگر متفاوت است. بعضی کار خیر را به خاطر دوست داشتن خیر وفضیلت انجام می دهند وعده ای بخاطر علاقه به ثواب ومنفعت انجامش می دهند. چنانچه برخی دیگر به سبب ترس از عذاب وعاقبت زشت آن انجامش می دهند وبهر اندازه که انگیزه یک کار در انسان قوی باشد توجه او به انجام آن بیشتر می شود وعکس این مسأله هم درست است. حدیثی

---

(1) این حدیث را ترمذي در سننش از ابن عباس با این عبارت روایت کرده است: ان النبي (ص) قرأهذا الآیه « اتقوالله حق تقاته، ولا تموتنَّ إلا وانتم مسلمون» فقال رسول الله: لوانّ قطرة من الزقوم قطرت في دارالدنيا لافسدت علي اهل الدنيا معايشهم، فكيف بمن تكون طعامه» . سپس گفته: هذا حديث حسن صحيح.

همچنین ابن ماجه، امام احمد،وعلامه آلباني این حدیث را روایت کرده اند.

که هم اکنون مورد بحث ماست کسانی را که با انگیزه ترس از عذاب به انجام اعمال خیر مبادرت می ورزند دعوت می کند تا قبل از اینکه بر آنها نازل شود ومجبور به خوردن زقوم گردند دست از کار های زشت و بد بکشند وبه کار های نیکو روبپردازند. واینگونه چهره زشت زقوم را ترسیم می کند که اگر یک قطره از آن بر روی زمین بچکد خشک وترآنرا تباه خواهد کرد وزندگی مردم را بر روی زمین ناممکن خواهد ساخت.

در اینجا لازم است، اولاً آیاتی در وصف زقوم بیاوریم سپس به تفسیر آن بپردازیم.

اولاً: آیاتی در مورد زقوم

خداوند می فرماید:

﴿ أَذَٰلِكَ خَيۡرٞ نُّزُلًا أَمۡ شَجَرَةُ ٱلزَّقُّومِ ٦٢ إِنَّا جَعَلۡنَٰهَا فِتۡنَةٗ لِّلظَّٰلِمِينَ ٦٣ إِنَّهَا شَجَرَةٞ تَخۡرُجُ فِيٓ أَصۡلِ ٱلۡجَحِيمِ ٦٤ طَلۡعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ ٦٥ فَإِنَّهُمۡ لَأٓكِلُونَ مِنۡهَا فَمَالِـُٔونَ مِنۡهَا ٱلۡبُطُونَ ٦٦ ثُمَّ إِنَّ لَهُمۡ عَلَيۡهَا لَشَوۡبٗا مِّنۡ حَمِيمٖ ٦٧ ثُمَّ إِنَّ مَرۡجِعَهُمۡ لَإِلَى ٱلۡجَحِيمِ ٦٨ ﴾.(1)

آیا آن که بهشتیان را با آن پذیرایی می کند بهتر است، یا درخت زقوم. ما آن را مایه رنج ومحنت ستمگران قرار داده ایم. زقوم درختی است که در ته دوزخ می روید. شکوفه ومیوه آن انگار سرهای شیاطین است. دوزخیان از آن می خورند وشکمها را پر وآکنده می سازند. سپس آب داغ وکثیف وآلوده ای بر آن می نوشند. آنگاه به دوزخ بر می گردند.

==========

(1) صافات: 62. 68

﴿إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ ٱلْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَٱلْمُهْلِ يَغْلِي فِي ٱلْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلْيِ ٱلْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾﴾[1]

قطعاً درخت زقوم، خوراک گناهکاران است. همچون فلز گداخته در شکمها می جوشد، جوشش همچون آب گرم وداغ.

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾ فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَٰرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَٰرِبُونَ شُرْبَ ٱلْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ ٱلدِّينِ ﴿٥٦﴾﴾ [2]

سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده قطعاً از درخت زقوم خواهید خورد وشکمها را از آن پر خواهید کرد و سپس آب گرم خواهید نوشید وهمچون نوشیدن شترانی که مبتلا به بیماری تشنگی شده اند. این وسیله پذیرایی از ایشان در روز جزا است.

ثانیاً: تفسیر زقوم

بزرگان گذشته با توجه به آیات بالا زقوم را به درختی تفسیر نموده اند که از قعر جهنم می روید وشاخه هایش به طبقات مختلف آن می رسد وبه گونه ای جهنم آنرا گرم می کند که مانند مس گداخته می جوشد. وبا وجود این اهل جهنم آنرا به همدیگر تعارف می کنند وبعد از خوردن آن مانند شتران تشنه از آب گرم جهنم می نوشند ولی هرگز سیراب نمی شوند.

---

(1) دخان: 43. 46

(2) الواقعه : 51– 56

توشه دعوتگران ومربیان

1ـ لزوم پیروی از قوانین خداوند یا انجام طاعات وپرهیز از گناهان قبل از آمدن روزی که هیچ کوششی در آن نتیجه نمی دهد وقبل از آنکه زقوم غذای همیشگی وآب گرم جهنم نوشیدنی دایمی گردد.

2ـ سختی وبزرگی عذاب آخرت آنقدر است که چشم مانند آنرا ندیده، وگوش هم نشنیده وقلب حساب آنرا نکرده. وبرای درک این مطلب کافی است صفت زقوم آنگونه که حدیث آمده از نظر گذرانده شود.

3ـ تسلی قلب اهل حق. زیرا هر چند اهل باطل در شکنجه وآزار اهل حق بکوشند بجایی نخواهند رسید وشکنجه آنها در قبال عذابی که در انتظار شان است ناچیز خواهد بود.

4ـ فروگذار نکردن نقش عقوبت ومجازات در تربیت اسلامی. زیرا بسیاری از مردم تا ترسانده نشوند کار خیر ونیکو انجام نمی دهند پس اکتفاء بر تشویق کار درستی نخواهد بود.

الحديث الخامس عشر

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم مَنْ لَزِمَ الِاسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

حدیث پانزدهم

کسی که همیشه از خداوند طلب آمرزش کند. خداوند او را از همه غمها وتنگناها بیرون می آورد واز جایی که گمانش را نمی برد به او رزق وروزی می دهد.(۱)

شرح حدیث:

خداوند انسان را آفرید وتکالیفی بر دوش او گذاشت واو را آگاه کرد که تا تقوی را توشه خود نسازد در انجام تکالیف خود موفق نخواهد شد وبرای حصول تقوی نماز، زکات، روزه، حج، تلاوت قرآن، ذکر، دعا، استغفار ودیگر شعائر عبادی را مقرر کرد.

==========

(1) این حدیث را ابن ماجه با همین الفاظ در باب الاستغفار آورده است وابوداود حدیث را از ابن عباس با تفاوت چند لفظ آورده که در سندش حکم بن مصعب وجود دارد وابوحاتم او را مجهول وابن حبان ضعیفش خوانده وگفته: لا يتابع علي حديثه. همچنین امام احمد در مسندش وامام نووي در رياض الصالحين از ابن عباس این حدیث را روایت کرده اند.

ومنذري در الترغيب والنزهيب از عباس نقل کرده است.

حدیث مورد بحث ما به یکی از این موارد یعنی استغفار توجه دارد. زیرا استغفار غم ها وسختی ها را از بین می برد ودرهای غیر مترقبه روزی را می گشاید. وسبب پاکی وصفای زندگی مسلمان از بدیها وگناهان می شود.

آیات واحادیثی دیگر در این زمینه:

ـ خداوند گفتگوی هود با قومش را چنین نقل می کند:

﴿ وَيَٰقَوْمِ ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓا۟ إِلَيْهِ يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ ﴾ (1)

ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بطلبید وبه سوی او برگردید تا آسمان را بر شما ریزنده وبارنده کند ونیروئی بر نیرویتان بیفزاید.

وبه نقل از حضرت نوح علیه السلام خطاب به قومش می فرماید:

﴿ فَقُلْتُ ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا ﴿١٠﴾ يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا ﴿١١﴾ وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا ﴿١٢﴾ ﴾ (2)

وبدیشان گفته ام: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است. خدا از آسمان بارانهای پرخیر وبرکت را پیاپی می باراند وبا اعطاء دارائی وفرزندان شما را کمک می کند ویاری میدهد وباغهای سر سبز وفراوان بهره شما می سازد ورودبار های پر آب در اختیارتان می گذارد.

==========

(1) هود: 52

(2) نوح: 10 12

﴿ وَأَنِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُمَتِّعۡكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى وَيُؤۡتِ كُلَّ ذِي فَضۡلٖ فَضۡلَهُۥۖ ﴾[1]

واینکه از پروردگارتان طلب آمرزش کنید وبه سوی او بر گردید که خداوند شما را تا دم مرگ به طرز نیکویی بهره مند میسازد وبه هر صاحب فضیلت واحسانی، فضیلت واحسانش را می دهد.

﴿ وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٣٥ ﴾[2]

وکسانی که چون دچار گناه شدند یا برخویشتن ستم کردند بیاد خدا می افتند وآمرزش گناهانشان را خواستار می شوند وبجز خدا کیست که گناهان را بیامرزد؟ وبا علم وآگاهی بر چیزی که انجام داده اند پافشاری نمی کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نیز می فرماید: بخدا قسم من هر روز بیش از هفتاد مرتبه از خداوند آمرزش می طلبم.[3]

حضرت عبدالله فرزند حضرت عمر می گوید: ما در یک مجلس صد مرتبه از پیامبرصلی الله علیه وسلم این کلمات را می شنیدیم.

« رب اغفرلي وتب علي انك انت التواب الرحيم ».[4]

==========

(1) هود: 3

(2) آل عمران: 135

(3) این حدیث را بخاري از ابوهریره وابن ماجه وامام احمد روایت کرده اند.

(1) این حدیث را ابوداود، ترمذي، ابن ماجه وامام احمد روایت کرده است.

پروردگارا گناهم را ببخش وتوبه ام را بپذیر که تو بسیار مهربان وتوبه پذیر هستی وپیامبر می فرماید: کسی که بگوید:

« أستغفرالله الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب اليه »[1]

گناهان او بخشیده می شود اگر چه از جنگ فرار کرده باشد. پیامبر قبل از وفاتش این کلمات را بسیار تکرار می کردند: سبحان الله وبحمده استغفرالله واتوب الیه، پاک است خدا واو را ستایش می گویم واز او آمرزش می طلبم وبسوی او رجوع می کنم.

توشه دعوتگران ومربیان

1ـ محافظت بر استغفار: همانگونه که انسان بر دیگر مسائل ضروری زندگی محافظت می کند موارد زیر انسان را در محافظت بر استغفار کمک می کند.

ا) بیاد داشتن نقش استغفار در تهذیب وتزکیه نفس

ب) بیاد داشتن اینکه استغفار در رهائی از غمها ومشکلات زندگی مؤثر است.

ج) بیاد داشتن اینکه استغفار سبب کثرت رزق، مال وفرزند می شود.

هـ) بیاد داشتن اینکه استغفار سبب برکت عمر می شود.

2ـ واقع گرایی اسلام: چون اسلام به انسان به دیده فرشته ای که اصلاً گناه نکند نمی نگرد. بلکه او را موجودی می داند که گاهی راه صواب وزمانی راه خطا می رود ودواء خطاء را استغفار قرار

==========

(2) این حدیث را ابوداود وترمذي روایت کرده اند.

داده است. چنانکه پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: قسم به ذاتی که جان من در قبضه قدرت اوست اگر شما گناه نمی کردید خداوند شما را از صفحه هستی می برد وافرادی می آورد که گناه کنند پس از خدا آمرزش طلب نمایند وخداوند آنها را بیامرزد.

3ـ اهمیت جنبه روحی انسان در اسلام وتشریع آنچه روح را تغذیه وتقویت می کند. بر خلاف مکتب های فکری که ساخته وپرداخته دست بشر است وهم اکنون بر آنان حکم می رانند. زیرا در این مکاتب روح به فراموشی سپرده شده وکسی برای آن حساب باز نمی کند. در نتیجه زندگی بشر به جنگلی پر از حیوانات وحشی ودرنده می ماند که صاحبان قدرت و ثروت مستضعفین را می خورند.

الحديث السادس عشر

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ لَا يُلْقِي لَهَا بَالًا يَرْفَعُهُ اللَّهُ بِهَا دَرَجَاتٍ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ لَا يُلْقِي لَهَا بَالًا يَهْوِي بِهَا فِي جَهَنَّمَ

حدیث شانزدهم

رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید: همانا انسان بعضی اوقات کلمه ای در جهت رضای خدا می گوید وچندان اهمیتی به آن نمی دهد. خداوند به سبب همان کلمه به او درجه های بسیاری می دهد وبعضی اوقات کلمه ای در جهت ناخشنودی خداوند می زند وبه آن اهمیتی نمی دهد ولی خداوند به سبب آن او را در جهنم سرنگون می کند.[1]

شرح حدیث:

چون انسان به قانون خدا پایبند شود وکاملاً بنده وفرمانبردار خدا گردد خداوند از او راضی می شود ودوستش می دارد، واین وقتی است که در کار های خیر او را موفق می گرداند واز خطا در گفتار وکردار حفظش می کند وبسا او قات بر اثر کار خیری که انسان انجام می دهد وبدان اهمیتی نمی دهد خداوند درجات زیادی به منزلت او می افزاید.

==========

(1)این حدیث را بخاري وامام نووي وشیخ عبدالبدیع صقر در مختار الحسن والصحیح همگي از ابوهریره روایت کرده اند.

اما چون انسان بر قوانین خدا تمرد کند واز عبادتش سر باز زند، خداوند او را دشمن می گیرد وبر او خشم می کند وچون بر او خشم گرفت در همه کار ها ومشکلات او را تنها می گذارد وبر اثر کاری بسیار کوچک که بدان اهمیت نمی داد. او را چندین طبقه در جهنم فرو می برد.

حدیث مورد بحث ما گواه همین مطلب است چون پیامبرصلی الله علیه وسلم در این حدیث بیان می کند که بنده ای که خداوند از او ناراضی است بی یار ویاور می باشد وهمیشه مورد مؤاخذه خداست باندازه ای که احیاناً کلمه ای در جهت ناخشنودی خدا می زند واهمیتی به آن نمی دهد وبه عاقبتش فکر نمی کند ولی همان کلمه سبب افتادن او در طبقه های پایین جهنم می شود واینگونه خداوند از سر تقصیر وکوتاهی بنده صالح خود می گذرد وبر کار های خیر هر چند کوچک باشد او را مزد بزرگ می دهد وبنده ناشایسته و غیرصالح را به اندازه ای تحت تعقیب ومجازات قرار می دهد که حتی کار های بسیار کوچک او را به شمار می آورد وبه سبب آن او را در جهنم می اندازد.

آیات واحادیثی در فضیلت سکوت وحفظ زبان

﴿ مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ ﴾ (1)

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی راند مگر اینکه فرشته ای مراقب وآماده (برای نگارش) آن سخن است.

==========

(1) ق: 18

﴿ قَدْ أَفْلَحَ ٱلْمُؤْمِنُونَ ۝١ ٱلَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَٰشِعُونَ ۝٢ وَٱلَّذِينَ هُمْ عَنِ ٱللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۝٣ ﴾[1]

مسلماً مؤمنان پیروز ورستگارند کسانی که در نماز شان خشوع وخضوع دارند واز کردار بیهوده وگفتار یاوه روی گردانند.

﴿ وَٱلَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ ٱلزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا۟ بِٱللَّغْوِ مَرُّوا۟ كِرَامًا ۝٧٢ ﴾[2]

آنانی که بر باطل گواهی نمی دهند وهنگامی که کار های یاوه وسخنان پوچی را ببینند وبشنوند بزرگوارانه از آن می گذرند.

﴿ وَإِذَا سَمِعُوا۟ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي ٱلْجَٰهِلِينَ ۝٥٥ ﴾[3]

وهنگامی که سخن بیهوده بشنوند از آن روی می گردانند ومی گویند اعمال ما از آن ما، واعمال شما از آن شماست. وداع باشما باد ما خواهان (همنشینی با) نادانان نیستیم.

ـ حضرت ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کنند که فرمود: کسی که به خدا وروز آخرت ایمان داشته باشد باید یا سخن نیکو بگوید یا ساکت شود.[4]

ـ ابی موسیرضی الله عنه می گوید: به رسول خدا گفتم کدام مسلمان از همه برتر است. فرمود: کسی که مسلمانان دیگر از دست وزبانش در امان باشند.[5]

==========

(1) مؤمنون: 1. 3

(2) فرقان: 72

(3) قصص: 55

(4) قسمتي از حديث ابوهريره است كه بخاري، مسلم، ابوداود، ترمذي، ابن ماجه واحمد روايت كرده اند.

(5) اين حديث را مسلم، ابوداود، ترمذي، نسائي وامام احمد روايت كرده اند.

ـ ابوهریره رضی الله علیه وسلم می گوید: از پیامبر شنیدم که می گفت: انسان بعضی اوقات بدون توجه سخنی می گوید که او را به اندازه مسافت بین مشرق ومغرب در آتش فرو می برد.[۱]

ـ بلال ابن حارث می گوید: رسول خدا فرمود: انسان بعضی او قات سخنی در جهت رضای خدا می گوید وفکر نمی کند به جابی برسد، ولی خداوند به سبب آن تا روز قیامت از او خشنود می شود وبعضی او قات کلمه ای در جهت ناخشنودی خدا می گوید وفکر نمی کند بجایی برسد ولی خداوند بر اثر آن کلمه تا روز قیامت از او ناراحت می شود.[۲]

ـ عقبه بن عامررضی الله عنه می گوید: گفتم یا رسول الله نجات در چیست؟ فرمود: زبانت را کنترول کن ودر خانه ات درنگ کن وبر خطاء خود گریه کن.[۳]

ـ ابوسعید خدری از پیامبر نقل می کند که فرمودند: هر صبح اعضاء بدن انسان زبانش را به تقوای خدا دعوت می دهند ومی گویند خیر وشر ما بدست توست اگر راستی ودرستی را برگزینی ما هم راست ودرست خواهیم بود واگر کجی اختیار کنی ما هم منحرف خواهیم شد.[٤]

توشه دعوتگران ومربیان

1ـ حرص بر کسب رضا ومحبت خداوند، زیرا بعد از آن توفیق خداوند همیشه قرین انسان خواهد بود وخداوند راههای خیر

==========

(1) این حدیث را مسلم وامام احمد روایت کرده اند.

(2) این حدیث را ترمذي ، ابن ماجه ومالك نقل کرده اند.

(3) این حدیث را ترمذي واحمد روایت کرده اند.

(4) این حدیث را هم امام احمد وترمذي روایت کرده اند.

را به او نشان خواهد داد واز خطاها واشتباهات او گذشت خواهد کرد وراه بدست آوردن محبت خدا تعهد به بر نامه وقانون خداوند وطاعت وعبادت ودوری از گناهان است.

2ـ ضرورت دوراندیشی قبل از سخن گفتن. زیرا امکان دارد از سخنانی باشد که ناخشنودی خداوند را فراهم آورد وباعث افتادن در آتش جهنم شود.

3ـ محافظت وکنترول زبان مگر از کار های خیر ورعایت موارد ذیل انسان را در این کار کمک می کند.

ـ به یاد داشتن اینکه حفظ زبان علامت درستی ایمان وقوت یقین انسان است.

ـ به یاد داشتن اینکه حفظ زبان سبب وارد شدن در بهشت ودست یافتن به نعمتهای همیشگی خداوند است.

ـ به یاد داشتن اینکه ممکن است یک کلمه ناسنجیده گذشته از آنکه انسان را به جهنم اندازد سبب تباهی ونابودی قوم وقبیله اش گردد.

ـ به یاد داشتن اینکه سخن گفتن زیاد بدون آنکه مصلحتی آنرا ایجاب کند، قلب را سخت می کند ودورترین مردم از خدا کسانی هستند که قلبشان سخت می باشد.

ـ به یاد داشتن اینکه راستی ودرستی دیگر اعضاء بدن وابسته راستی و درستی زبان است.

الحديث السابع عشر

قال رسول الله صلى الله عليه و سلم : النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا فَقُهُوا وَالْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا ائْتَلَفَ وَمَا تَنَاكَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ

حديث هفدهم

رسول خدا می فرماید: مردم همچون معادن طلا ونقره مختلف ومتفاوت هستند بهترین آنها در جاهلیت بهترینشان در اسلام است به شرط آنکه آشنایی کافی با دین حاصل کند. وارواح بشر بسان لشکریانی مختلف است هر انسانی انسان دیگر را در عالم ارواح بشناسد در عالم مادی با او دوست می شود واگر در عالم ارواح همدیگر را نشناسند در جهان واقع از هم جدا می شوند.[1]

شرح حدیث:

اسلام معتقد است که به یاد آوردن مفاخر وتاریخ با عظمت پدران واجداد گذشته سلاح نیرومند ومؤثری جهت بیدار کردن همت مردم است از این رو مفاخر وامتیازات مردم را به فراموشی نمی سپارد. بلکه قدر ومنزلت آن را حفظ می کند به شرط اینکه فقه دین را بیاموزند، تا فقه آنها را به تواضع والفت ورابطه دوستانه

---

(1) این حدیث را امام مسلم از ابوهریره روایت کرده است وبجاي عبارت کمعادن الذهب والفضه عبارت کمعادن الفضه والذهب را آورده است.

بکشاند وافتخار به گذشتگان سبب برتری جویی وقطع رابطه با دیگران نشود. حدیثی که هم اکنون در جلوی ماست این مسئله را دقیقاً بیان می کند، زیرا پیامبر اکرم(ص) در این حدیث می گوید: عده ای از مردم آباء واجداد بزرگی دارند که به آنها افتخار می کنند ورابطه آنها با آن افتخارات گذشته همتشان را بیدار واراده‌ء شان را به حرکت وامی دارد. وآنان را آماده هر نوع جان فشانی می کند خصوصاً در مواقع سخت وبحرانی ولی بعضی از مردم چون از این افتخارات محروم اند همتشان خوابیده واراده شان مرده است.

همچنین پیامبرصلی الله علیه وسلم توضیح می دهد که انسانها حتی بعد از اسلام نیز می توانند افتخارات گذشته خود را حفظ کنند. به شرط اینکه فقه ودانش لازم را کسب کنند تا این افتخارات سبب غرور وتکبر بر دیگر مسلمانان نکردد بلکه آنان را به تواضع، الفت ودوستی بخواند.

آیات واحادیثی در فضیلت دانش دین

﴿ ۞ وَمَا كَانَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا۟ كَآفَّةً ۚ فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا۟ فِى ٱلدِّينِ وَلِيُنذِرُوا۟ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوٓا۟ إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾ ﴾[1]

مؤمنان را نمی سزد که همگی بیرون بروند. باید که از هر قوم وقبیله ای، عده ای بروند تا به تعلیمات اسلامی آشنا گردند وهنگامی که به سوی قوم وقبیله خود برگشتند آنان را بترسانند تا از اعمال و اخلاق ناپسندیده خود داری کنند.

==========

(1) توبه: 122

﴿ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلْأَلْبَٰبِ ٩ ﴾[1]

بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابر ویکسانند.

﴿يَرْفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْعِلْمَ دَرَجَٰتٖۚ وَٱللَّهُ﴾[2]

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند وبهره از علم دارند در جات بزرگی می بخشد.

﴿إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَٰٓؤُاْ﴾[3]

تنها بندگان دانا ودانشمند، از خدا، ترس آمیخته با تعظیم دارند.

﴿يُؤْتِي ٱلْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُؤْتَ ٱلْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرٗا كَثِيرٗاۗ﴾[4]

فرزانگی را به هر کس که بخواهد می دهد وبه هر کس که فرزانگی داده شود بی گمان خیر فراوانی بدو داده شده است.

پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: « خدا خیر هر کس را بخواهد او را فقیه ودانا می گرداند»[5] و« حسد روانیست مگر در دو چیز: در مردی که خدا به او ثروتی داده واو شب وروز آن را در امور خیر مصرف می کند ومردی که خداوند بینش وحکمت به او

==========

(1) زمر: 9

(2) مجادله: 11

(3) فاطر:28

(4) بقره: 269

(5) این حدیث را بخاري، مسلم، ترمذي، ابن ماجه ودارمي و احمد روایت کرده اند.

ارزانی داشته واو از این رهگذر قضاوت می کند ومردم را آموزش می دهد.[1]

آیات واحادیثی در فضیلت محبت برای خدا

خداوند می فرماید:

﴿وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ﴾[2]

ونعمت خدا را بر خود بیاد آورید آن گاه که دشمنانی بودید وخدا میان دلهایتان پیوند داد پس برادرانی شدید.

﴿وَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡۚ لَوۡ أَنفَقۡتَ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مَّآ أَلَّفۡتَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٦٣﴾[3]

خدا در میان آنان الفت ایجاد نمود به گونه ای که اگر همه آنچه در زمین است مصرف می کردی نمی توانستی میان دلهایشان اُنس واُلفت بر قرار سازی، ولی خداوند میانشان انس والفت انداخت.

پیامبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: فرد مؤمن دوستدار ودوست داشتنی است و کسی که با دیگران الفت نمی گیرد ودیگران نمی توانند با او انس بگیرند خیری نیست.[4]

ـ ومی فرماید: سه چیز در هر کس باشد حلاوت ومزه ایمان را چشیده است. اینکه خدا ورسولش از همه برای او محبوبتر باشند

==========

(1) این حدیث را بخاري، مسلم، ترمذي، ابن ماجه وامام احمد روایت کرده اند.

(2) آل عمران: 103

(3) انفال: 63

(4) این حدیث را امام احمد در مسندش روایت کرده اند.

ودوستی او با اطرافیان فقط برای خدا باشد وبرگشتن به کفر همچون افتادن در آتش برایش ناپسند باشد.

ـ ومی فرماید: خداوند بندگانی دارد که نه پیامبرند ونه جزء شهداء هستند، اما پیامبران وشهیدان در روز قیامت به قرب ومنزلت آنها در نزد خدا رشک می برند، یک اعرابی از میان مردم بر خاست وگفت: یا رسول خدا بگو آنها چگونه افرادی هستند تا ما هم کار های آنها را انجام دهیم، پیامبر از این سؤال مرد روستایی خوشحال شد وسیمایش درخشید وفرمود: آنها از گروهها وقبائل مختلف مردم هستند که با هم خویشاوندی نسبی وسببی نداشته اند، ولی بخاطر خدا همدیگر را دوست گرفته اند وبر این اساس اطراف همدیگر جمع شدند. خداوند آنها را در قیامت بر منبر هایی از نور می نشاند وچهره ها ولباسهایشان را نورانی می کند. مردمان دیگر در روز قیامت ناراحت می شوند ومی ترسند ولی آنها نه ناراحت می شوند ونه میترسند. آنها به حق اولیاء خدا هستند که هیچ ترس وغمی ندارند.[1]

توشه دعوتگران ومربیان

ـ اهمیت بینش اسلامی وفهم دین خداوند عزوجل. چون فقط با این وسیله مسلمان می تواند راه را بر شیطان ببندد وخود را از لغزشها در امان دارد واز هر اخلاق ورفتار زشت وپستی دوری گزیند.

2ـ بینش ودرک اسلام صفت وویژگی اجتناب ناپذیر فرد مسلمان است تا اسرار وویژگیهای بر نامه الهی را با آن تشخیص

==========

(1) به روایت امام احمد.

دهد واین بینش وفهم صحیح اسلام برای او لازم است. پس وظیفه او فقط در حفظ مسائل اسلامی وانباشتن آن در مغز خلاصه نمی شود بلکه بایستی پایبندی دقیق به اسلام، بیداری اسلامی، بیدارخوابی، گرسنگی، پرهیز از شبهات وحتی پرهیز از پاره ای مباحات که منافی عرف است را نیز بر این معلومات بیفزاید « هر کس به آنچه می داند عمل کند، خداوند دانش آنچه را نمی داند به او ارزانی می کند».

3ـ الفت ومحبت مؤمنان دلیل بر اعتدال فطرت وخلوص باطن است چنانچه خشم، قطع رابطه وجنگ وجدل دلیل بدطینتی، شیطنت وخباثت درون است.

4ـ وسیله بیداری نسل نو یاد آوری مجد وعظمت سلف صالح است.

5 ـ اسلام مجد وعظمت وشکوه گذشتگان را رد نمی کند بلکه آن را ارج نهاده ومورد تأئید قرار می دهد، بشرطی که با بینش همراه باشد که آن را از انحراف وکژی مصون بدارد.

الحديث الثامن عشر

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُؤْمِنُ الَّذِي يُخَالِطُ النَّاسَ وَيَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ الْمُؤْمِنِ الَّذِي لَا يُخَالِطُ النَّاسَ وَلَا يَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ

حدیث هژدهم

رسول خدا فرمودند: آن کس که در میان مردم می ماند واذیت وآزار آنها را تحمل می نماید از کسی که گوشه نشینی ودوری از مردم اختیار نموده ومشکلات جامعه را تحمل نمی کند بهتر است.(۱)

شرح حدیث:

سیر زندگی ما انسانها ثابت کرده که انسان به تنهائی قادر به برآوردن همه خواسته ها ونیاز هایش نیست. یک مثال ساده در این زمینه، همین قرص نان با حجم کوچکش است که بعد از زحمت دهها بلکه صدها نفر وهمکاری آنها در آماده نمودن وعرضه آن به

==========

(1) ترمذي اين حديث را در كتاب القيامة با اختلاف اندكي روايت كرده وابن ماجه آن را از ابن عمر چنين نقل نموده: قال: قال رسول الله صلي عليه وسلم المؤمن الذي يخالط الناس ويصبر علي اذاهم اعظم اجرا من المؤمن الذي لا يخالط الناس ولا يصبر علي اذاهم.

امام احمد هم در مسندش وسيوطي در الجامع الصغير حديث را روايت كرده اند وسيوطي از ابن عمر به روايت احمد، بخاري، ترمذي، وابن ماجه حديث را روايت كرده. همچنين شيخ عبدالبديع صقر در مختار الحسن والصحيح از امام احمد روايت كرده است.

انسان می رسد وکسی که ادعا کند به تنهایی قادر به بدست آوردن همین قرص نان کوچک وکم ارزش هست. قبل از بدست آوردن مشرف به مرگ خواهد شد. وقتی انسان در چنین مسئله ساده ای نمی تواند به تنهائی کاری از پیش برد، چگونه می تواند تکالیفی که از جانب پروردگارش به او محول شده به تنهایی انجام دهد. تکالیفی از قبیل پیاده نمودن دین در زندگی فردی جهت تربیت شخصیت اسلامی که جامع تمام صفات نیکو وپاک از تمام صفات شر باشد تا توفیقات ومدد خداوند به سراغش بیاید.

﴿ بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ٦٦ ﴾[1]

پس در این صورت تنها خدا را بپرست واز جمله سپاسگزاران باش.

واینکه دیگران را با حکمت واندرز نیکو بسوی خدا بخواند تا با عناصر خوب، صالح، جانفدا، جان برکف ونمونه جماعت مسلمان رو به ازدیاد گذارد.

واینکه با کفار ومنافقین وآنانی که مانع راه خدا می شوند ومی خواهند آن را به بیراهه بکشند جهاد کند تا پرچم خدا همواره در سر تا سر جهان برافراشته ودر اهتزاز باشد. خداوند می فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٧٣ ﴾[2]

ای پیغمبر با کافران ومنافقان جهاد وپیکار کن وبر آنان سخت بگیر. جایگاه شان دوزخ است وچه بد سرنوشت وچه زشت

---

(1) زمر: 66

(2) توبه: 73.

جایگاهی است.

همه این تکالیف انسان را بر آن می دارد تا حتماً با مردم زندگی کند که او را در رسیدن به اهدافش یاری رسانند وتأییدش کنند واین موضوعی است که حدیث مورد بحث ما به آن پرداخته است.

پیامبرصلی الله علیه وسلم در این حدیث خبر می دهد: کسی که با مردم زندگی کند وبا مصائب و مشکلاتی که از سوی آنان برایش می رسد آن را تحمل می کند نسبت به کسی که برای رهایی از مشکلات جامعه به گوشه نشینی رو می آورد از اجر ومزد بیشتری بر خوردار می شود.

آیات واحادیثی در فضیلت زندگی با مردم

خداوند می فرماید:

﴿وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِۚ﴾ (1)

در راه نیکی وپرهیزگاری همدیگر را یاری وپشتیبانی نمایید وهمدیگر را در راه تجاوز وستمکاری یاری وپشتیبانی نکنید.

ـ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: آیا بهترین مردمان را به شما معرفی نکنم؟ مردی که جلو اسپش را در راه خدا بدست گرفته است. آیا آنکه درجه پائین تری دارد به شما معرفی نکنم؟ مردی که با چند گوسفند در گوشه ای زندگی می کند ووجوهات شرعی خود را پرداخت می نماید. آیا بدترین مردم را به شما معرفی نکنم؟ مردی که با نام خدا سؤال می کند ولی با نام او

==========

(1) مائده: 2

انفاق نمی کند.[1]

ـ از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال شد چه کسی از همه بر تر است؟ فرمودند: مؤمنی که با جان ومال خود در راه خدا جهاد کند. پرسیدند بعد از او چه کسی؟ فرمودند: مؤمنی که در میان کوهی خدا را عبادت کند ومردم از شرش در امانند.[2]

ـ روایت شده مردی به گوشه نشینی علاقه داشت. از پیامبر در این مورد سؤال کرد پیامبر فرمود: این کار را نکن که ماندن یکی از شما در راه خدا بر تر از 70 سال عبادت او در خانه اش است. آیا نمی خواهید خداوند شما را بیامرزد ووارد بهشت نماید؟. پس در راه او جهاد کنید.[3]

احادیثی در باره گوشه نشینی وموضع علماء در قبال آن

روش دیگری هم وجود دارد که انسان را به گوشه نشینی ودوری از مردم ترغیب می دهد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: همانا خداوند بنده ای پرهیزگار بی نیاز گم نام را دوست دارد.[4]

ومی فرماید: بزودی بهترین مال مسلمان گوسفندانی خواهد

==========

(1) این حدیث را ترمذي در فضائل جهاد. سنائي در كتاب الزكات. دارمي در جهاد ومالك در موطا روايت كرده اند.

(2) این حدیث را بخاري از ابي سعيد حذري ومسلم، نسائي، ابن ماجه وامام احمد در مسندش روايت كرده اند.

(3) این حدیث قسمتي ازحديثي است كه ترمذي دركتاب فضائل جهاد آورده است.

(1) این حدیث را امام مسلم وامام احمد روايت كرده اند.

بود که آنها را در دامنه کوهها وچراگاه های دور دست بچراند واز این رهگذر دینش را از فتنه حفظ نماید.[1]

ـ بهترین راههای کسب مردم کسب شخصی است که با گوسفندانش در یکی از دره ها ویا کنار رود خانه ای سکونت نماید ونماز خود را بر پا دارد، زکاتش را بدهد وتا لحظه مرگ به عبادت خدا مشغول باشد.[2] در واقع این فرد از بهترین انسانهاست پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: زبانت را کنترول کن ودر خانه ات بنشین وبر گناهت گریه کن

بر این اساس علماء اختلاف کرده اند که آیا گوشه نشینی وعزلت بهتر است یا زندگی اجتماعی وهم زیستی با مردم؟ عده ای بر این باورند که گوشه نشینی بهتر است وبه احادیثی که در آخر ذکر شد استدلال می کنند. ولی جمهور علماء زندگی اجتماعی وزیستن با مردم را بهتر می دانند، البته به شروط ذیل:

1ـ حفظ دین از فتنه ها

2ـ ضرر نرساندن به مردم

3ـ صبر وبردباری در مقابل مشکلات زندگی جمعی با مردم

وبه این منظور ابتدا به احادیثی که نخست بیان شد استدلال می کنند که برتری اختلاط با مردم را بیان می کند وآنان را به کار وتلاش تشویق می نماید ونصوصی که به عزلت و گوشه نشینی

==========

(2) این حدیث را بخاري، نسائي، وابوداود، ابن ماجه، مالك وامام احمد روایت کرده است.

(3) این حدیث را امام مسلم از ابوهریره نقل کرده. ابن ماجه هم در مسندش آورده است.

دعوت می دهد مخصوص زمان جنگ وفتنه یا افرادی که مردم از آنها در امان نیستند ونمی توانند آنها را تحمل کنند می دانند من هم به نظریه دوم مایل هستم. انبیاء صلوات الله علیهم و اکثر صحابه، تابعین وزهاد برای کسب فضیلت همزیستی با مردم در میان آنان بسر می بردند ودر کار های اجتماعی مثل جمعه، جماعات، نماز جنازه، مراسم شادی، امر به معروف ونهی از منکر، جهاد ومشوره شرکت می کردند.

توشه دعوتگران ومربیان

1ـ ضرورت اختلاط با مردم وپایبندی به جماعت به شرطی که باعث آسیب پذیری و رسیدن ضرر در دین، جان، ناموس، مال ویا نسل نگردد. چه ضرر از طرف او باشد یا از طرف دیگری. موارد ذیل انسان را در زندگی کردن با مردم وتحمل مشکلات جامعه کمک می کند.

الف: شناخت فوائد ومنافعی که در اثر اختلاط وپایبندی به جماعت عاید انسان می شود.

ب: زندگی در جامعه فرمان خدا ورسول خدا وروش سلف صالح است. پس انسان مسلمان چاره ای جز گردن نهادن واقتداء به آنها ندارد.

2ـ آموزش وپرورش نفس بر صبر وشکیبایی در برابر آزار های مردم.

قرآن کریم از قول لقمان به فرزندش چنین می گوید:

﴿ يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ

أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٧﴾ (1)

ای پسر عزیزم! نماز را چنانکه لازم است بخوان وبه کار نیک دستور بده واز کار بد نهی کن ودر برابر مصائبی که به تو رسد شکیبا باش اینها از کار های مهمّی است که باید بر آن عزم را جزم کرد وثبات ورزید.

3ـ جواز عزلت ودوری گزینی از مردم در زمان ازدیاد فتنه وگسترش شر وفساد وعدم توانایی بر اصلاح وخوف بر دین ونفس.

==========

(1) لقمان: 17

الحديث التاسع عشر

قال رسول الله صلي الله عليه وسلم: يُؤْتَى بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُ بَطْنِهِ فَيَدُورُ بِهَا كَمَا يَدُورُ الْحِمَارُ بِالرَّحَى فَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَهْلُ النَّارِ فَيَقُولُونَ يَا فُلَانُ مَا لَكَ أَلَمْ تَكُنْ تَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنْ الْمُنْكَرِ فَيَقُولُ بَلَى قَدْ كُنْتُ آمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا آتِيهِ وَأَنْهَى عَنْ الْمُنْكَرِ وَآتِيهِ

حدیث نوزدهم

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: مردی را روز قیامت می آورند ودر آتش می افکنند پس روده های او بیرون می آید وبه دورش می پیچد واو همانند خر آسیاب بدور خود می چرخد. اهل جهنم دورش را می گیرند ومی پرسند: آقای فلان. آیا تو نبودی که امر به معروف ونهی از منکر می کردی؟ می گوید: بلی من بودم ولی معروفی را که به آن امر می کردم انجام نمی دادم واز منکری که نهی می نمودم اجتناب نمی ورزیدم.[1]

شرح حدیث:

مردی به دعوتگر به دید انسانی می نگرند که نفس او در کنترولش قرار دارد واو در راه رسیدن به خدا مجاهده کرده تا جایی

==========

(1) این حدیث را امام بخاري، امام مسلم، وامام احمد از اسامه بن زید روایت کرده اند وامام نووي هم در ریاض الصالحین آورده است.

برای شیطان باقی نگذاشته وشیطان هیچ تسلطی بر او ندارد، بلکه فراتر از این دیگر نفس او جای پائی در خودش ندارد. بنابراین می بینیم که مردم از رفتار واعمال او چندین برابر گفته هایش متأثر می شوند. از اینجا لازم است دعوتگر در کار هایی که انجام می دهد واعمالی که از آنها باز می آید دقت، راستی وامانت کامل را رعایت کند. بلکه باید رفتارش آئینه تمام نمای گفتارش باشد وگر نه مردم گفتار او را فراموش وبه رفتارش اقتداء می کنند ویا خود را به فراموشی می زنند گویی که گفته هایش را هر گز نشنیده اند. آنجاست که دعوتگر علاوه بر بار خود بار دیگران را نیز باید به دوش کشد. حدیثی که هم اکنون در صدد بیان آن هستیم تصویر دقیق وواضحی از سرانجام گروهی از دعوتگران است که بدون رفتار خوب وپسندیده عطش گفتن بر آنها حاکم گشته است. مسیر اینها در روز قیامت بدست نگهبان جهنم است که آنها را در زنجیر کشیده در آتش می اندازد واز شدت ترس آنچه می بینند ولمس می کنند اعصابشان مختل می شود وتمام مفصلهایشان باز شده روده هایش از شکمشان بیرون می ریزد ومانند خر آسیاب به دور خود می چرخند ودر اینجاست که دوزخیان دورشان جمع می شوند وبا تعجب از آنها می پرسند: ای قوم، چرا شما را این جا آورده اند؟ شما که علماء وپیشوایان ما بودید چه گناهی انجام داده اید؟ ما را در دنیا امر به معروف ونهی از منکر می کردید. آنها جواب می دهند درست است، شما را امر به معروف ونهی از منکر می کردیم، حال آنکه خود مان را از خیر محروم می کردیم، چون خود مان معروفی را که به آن امر می کردیم انجام نمی دادیم وبدتر از این از انجام

منکری که از آن شما را باز می داشتیم، ابایی نداشتیم. بدین ترتیب در محضر مردم رسوا می شوند وجزای توهین بی شرمانه خود به بر نامه ودستورات خدا را می چشند.

آیات واحادیثی در مورد کسیکه گفتارش با کردارش مخالف است:

خداوند عزوجل می فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٢ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٣ ﴾ (1)

ای مؤمنان! چرا چیزی را می گویید که خود عمل نمی کنید ؟ نزد خدا به شدت موجب خشم است که چیزی را بگویید که خود عمل نمی کنید

﴿ أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ وَتَنسَوۡنَ أَنفُسَكُمۡ وَأَنتُمۡ تَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٤٤ ﴾ (2)

آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می دهید وخود را فراموش می کنید در حالیکه شما کتاب می خوانید، آیا نمی فهمید؟

« وبه نقل از حضرت شعیب می فرماید: وما ارید اخالفکم الی ما آنها کم عنه».

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: شب معراج گذرم به جماعتی افتاد که لبهای آنها با قیچی قطع می شد. پرسیدم اینها چه کسانی هستند؟ گفتند اینها سخنرانان امت تو هستند که مردم را

---

(1) صف: 2،3

(2) بقره: 44

به معروف وکار های شایسته دعوت می کردند ولی خود را بدست فراموشی می سپردند آنان کتاب خدا را تلاوت می کردند اما گوئی عقل نداشتند.(۱)

ـ ودر حدیثی دیگر می فرمایند: عده ای از بهشتیان بر جمعی از اهل جهنم سر می کشند ومی پرسند چرا به جهنم افتادید؟ بخدا قسم ما که فقط بعلت پیروی از گفته های شما وارد بهشت شدیم. آنها می گویند ما به شما می گفتیم ولی خود به گفته هایمان عمل نمی کردیم.(۲)

توشه دعوتگران ومربیان

1ـ نکته مهمی که از این حدیث در یافت می کنیم. اینکه مسلمانان عموماً ودعوتگران خصوصاً باید سعی کنند گفته های آنها مطابق اعمالشان باشد واگر نه خود گمراه می شوند ودیگران را هم بگمراهی می کشانند وعلاوه بر بار سنگین گناهان خود گناهان دیگران را بگردن خود می اندازند ورعایت دستور العملهای زیر انسان را در این زمینه کمک می نماید.

الف: بیاد داشتن عذابی که در پی گفتار های بدون عمل چنانچه در حدیث آمده گریبانگیر انسان می گردد.

ب: بیاد داشتن اینکه روزی پرده از کار او برداشته می شود ودر جلوی همه مردم رسوا می گردد.

---

(1) این حدیث را امام احمد از انس روایت کرده است.

(2) این حدیث در الفتح الکبیر از ولیدبن عقبه روایت شده است.

2ـ انسان مسلمان باید به مقتضی آنچه به او می رسد عمل کند اگر چه کسی که این مسائل را به او رسانده است عامل به گفته های خود نباشد. زیرا هر کس مسئول کار خود است. چنانچه خداوند می فرماید:

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾﴾ (1)

هر کسی در برابر کار هایی که کرده است گروگان می شود.

ومی فرماید:

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ (2)

هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد.

ومی فرماید:

﴿وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ﴿٣٩﴾﴾ (3)

واینکه برای انسان پاداش وبهره ای نیست جز آنچه خود کرده است وبرای آن تلاش نموده است.

3ـ لازم است انسان بقدر توان آتش جهنم را از خود دور کند اگر چه با خیرات کردن قطعه ای خرما باشد. زیرا عذاب جهنم بقدری سخت وشدید است که رگها وبند های بدن جهنمیان را قطع می کند وروده ها را به زشتی از شکم آنها خارج می سازد.

==========

(1) مدثر: 38

(2) فاطر: 18

(3) نجم: 39

الحديث العشرون

عَنْ أَبِي أُمَامَةَ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا الْإِيمَانُ قَالَ إِذَا سَرَّتْكَ حَسَنَتُكَ وَسَاءَتْكَ سَيِّئَتُكَ فَأَنْتَ مُؤْمِنٌ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا الْإِثْمُ قَالَ إِذَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ شَيْءٌ فَدَعْهُ

حدیث بیستم

ابی امامه رضی الله عنه می گوید: مردی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم پرسید. ایمان چیست؟ فرمودند: هر وقت از انجام کار های نیکو احساس خوشحالی کردی واز کار های زشت تنفر داشتی مؤمن هستی. سائل پرسید: پس گناه چیست؟ پیامبر فرمودند: چون کاری سبب تشویش وکدورت قلب تو گشت از آن صرف نظر کن که گناه است.(۱)

شرح حدیث:

ویژگی فردی که در ایمان خود صادق وکامل باشد این است که از احساس ایمانی دقیقی بر خوردار می باشد که از کار هائی که او را به خدا نزدیک کند با خوشحالی وانشراح قلب استقبال می

==========

(1) این حدیث از مناوي در فیض القدیر از ابي امامه وعمر به نقل از طبراني در معجم ونسائي در سنن واحمد در مسند آورده وگفته هیثمي در باره روایت طبراني گفته رجاله رجال الصحیح. ودر مورد روایت نسائي گفته: قال العراقي: صحیح علي شرط الشیخین. ودر باره روایت احمد از قول عراقي گفته: حدیث صحیح عبدالبدیع صقر هم حدیث را در مختار الحسن والصحیح به روایت ابي امامه از امام احمد نقل کرده است.

نماید واز کار های زشت که او را از خدا دور کند احساس تنفر وناراحتی می کند، وبدینوسیله همیشه آرامش خاطر او با کار های خیر است وکار های زشت وگناه آرامش قلب او را بهم می زند. در نتیجه او نیز از آن روگردان می شود. حدیثی که هم اکنون مورد بحث ماست با لطافت خاصی این حقیقت را توضیح می دهد، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در جواب مردی که از معنی ایمان سؤال کرد فرمودند: مؤمن کامل وصادق کسی است که از انجام کار های شایسته بقدریخوشحال شود که او را به ادامه دادن چنین کار هایی بخواند واز انجام کار های زشت بقدری ناراحت شود که فوراً از کرده خود پشیمان شود وتوبه کنان به سوی پروردگار خود بشتابد، چنانچه در جواب همین سائل فرمودند: گناه آن است که سبب تردید واضطراب نفس گردد. اگر چنین حالتی پیش آمد وظیفه فرد مسلمان است که بطور کلی از آن دوری گزیند تا با اطمینان وآرامش خاطر زندگی بسر برد.

آیات واحادیثی در همین موضوع

خداوند می فرماید:

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّىٰهَا ۝٧ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَىٰهَا ۝٨﴾ (۱)

پس بدو گناه وتقوا را الهام کرده است.

﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ۝١٠﴾. (۲)

وراه خیر وشر را بدو نمایاندیم.

---

(1) شمس: 8

(2) بلد: 10

﴿إِنَّا هَدَيْنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾﴾[1]

ما راه را به او نشان دادیم چه او سپاسگزار باشد یا بسیار ناسپاس.

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا۟ فَٰحِشَةً أَوْ ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا۟ ٱللَّهَ فَٱسْتَغْفَرُوا۟ لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا۟ عَلَىٰ مَا فَعَلُوا۟ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾﴾[2]

وکسانی که چون دچار گناه شدند یا بر خویشتن ستم کردند بیاد خدا می افتند وآمرزش گناهانشان را خواستار می شوند.ــ وبه جز خدا کیست که گناهان را بیامرزد؟ وبا علم وآگاهی بر چیزی که انجام داده اند پافشاری نمی کنند.

وپیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند: مؤمن گناهان خود را بر فراز کوهی می بیند ومی ترسد مبادا بر سرش فرود آید ولی فاجر گناه خود را همانند مگسی می بیند که بر بینی او نشسته وبا یک اشاره دست، خود را از شر آن نجات می دهد ومی فرماید: نیکی عبارت است از خوش خلقی وگناه آن است که سبب اضطراب وناراحتی قلب گردد واز اطلاع حاصل کردن مردم بر آن ناراحت شوی.

ابولبابه انصاری که یکی از اصحاب رسول خداست موقعی که راز رسول خدا را به یهود بنی قریظه گفت فوراً متوجه شد که گناهی بس بزرگ انجام داده پس قسم خورد تا خداوند توبه اش را

==========

(1) انسان: 3

(2) آل عمران: 135

قبول نکند هیچ چیزی نخورد وبه مسجد مدینه رفت وخود را به یگی از ستونهای آن بست ومدت نه روز به همین حالت ماند وبه اندازه به سختی افتاد که بی هوش می شد تا خداوند توبه اش را پذیرفت وآیاتی نازل کرد ومردم آمدند تا این مژده را به او بشارت دهند وخواستند بند او را باز کنند ولی او گفت: به خدا قسم خود را باز نمی کنم مگر اینکه رسول خدا به دستش باز نماید پس رسول خدا آمدند وبند را از دستش باز کردند. وتمام سلف صالح این گونه چون به کار خیر توفیق می یافتند خوشحال می شدند ونفسهای آنها می درخشید وقلبشان اطمینان حاصل می کرد زیرا می دیدند خداوند آنها را برای انجام طاعت وعبادت موفق ساخته وبعد از این به تلاش خود در زمینه کار های خیر ادامه می دادند ولی چون عملی زشت از آنها سر می زد غمگین می شدند وزمین با تمام گستردگیش بر آنها تنگ می شد وآزرده خاطر می گشتند ویکسره از آب وغذا وسایر لذتها وبهره های حسی دست می کشیدند و سعی وتلاش بی وقفه ای را برای از بین بردن آثار گناه انجام می دادند وتا احساس نمی کردند که به حالت اولیه برگشته وپروردگار خود را خوشنود ساخته اند از سعی وتلاش دست نمی کشیدند.

توشه دعوتگران ومربیان

1ـ یک نکته قابل توجه در حدیث این است که مؤمن کامل وصادق از انجام کار های خیر خوشحال شده واین خوشحالی سبب انجام هر چه بیشتر اینگونه اعمال می شود ولی بر انجام گناه وکار های شر غمگین می شود ودر نتیجه با پشیمانی وتوبه به سوی

پروردگار خود می شتابد. اما باید توجه داشت که اگر این خوشحالی به قدری باشد که غرور وعجب به او دست دهد وتکبر ورزد ویا از عمل باز ایستد سر تا پاضرر کرده واگر این غم وناراحتی سبب ناامیدی از رحمت خدا گردد گمراه گشته وبه کفر نزدیک شده است زیرا خداوند می فرماید چه کسی جز ظالمان از رحمت پروردگارشان ناامید می شوند ومی فرماید: همانا ناامید نمی شود از رحمت خدا مگر کافران.

2ـ نکته دوم قابل استفاده در حدیث این است که اسلام مصادر ووسایلی را برای حفظ احترام بر نامه خداوند بگونه ای در اختیار دارد که در هیچ مکتب ومذهب دیگری یافت نمی شود که فطرت یکی از این وسائل است. فطرتی که حق را از باطل تشخیص می دهد وبین خیر وشر ونیکی وگناه جدائی می افکند با اولی احساس اطمینان وراحتی می کند وبا دومی پریشان خاطر می شود باید دانست که این وظیفه وکار فطرتی است که اعتدال خود را حفظ کرده باشد ومنحرف نگشته واگر نه مهر غفلت ونادانی بر آن زده خواهد شد ونیکی وبدی در نزدش برابر خواهد گشت.

این بود آخرین حدیث جزء اول کتاب وبخواست خداوند جزء دوم بدنبال خواهد آمد اولین حدیث آن این است: کسی که به اندازه یک وجب از جماعت مسلمانان جدا شود بدون شک از دایره اسلام بیرون می شود.